



د حقوقی زده کړو خپلواک ملی مرکز مرکز مستقل ملی آموزش حقوقی



Independent National Legal Training Center

جرایم فساد اداری

ویسنده:- محمد ظریف "علم ستانکزی"



وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ
لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

سوره البقره آیه 188

ترجمه

و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی
از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در
حالی که می دانید (این کار، گناه است)

فهرست مطالب

1	اهداف عمومی
2	پلان درسی
6	مقدمه
7	فصل اول: خصایص قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری
8	مبحث اول: اهداف قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری
10	مبحث دوم: استقلالیت اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری
11	مبحث سوم: تشکیلات و صلاحیت های اداره عالی نظارت
11	مطلب اول: تشکیلات اداره عالی نظارت
11	مطلب دوم: وظایف اداره عالی نظارت
12	مطلب سوم: صلاحیت های اداره عالی نظارت
13	مبحث چهارم: توأمیت اداره عالی نظارت با سایر ادارات
14	مبحث پنجم: انفصال مؤقت و تعقیب عدلی
15	مبحث ششم: ایجاد خاړنوالی ها و محاکم اختصاصی مبارزه علیه فساد اداری
17	فصل دوم: جرائم فساد اداری
17	انواع جرائم فساد اداری از نقطه نظر قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری
18	انواع جرائم فساد اداری قانون جزاء
19	مبحث اول: جرائم تحت فصل رشوت
19	مطلب اول: جرائم رشوت
20	عناصر جرم رشوت
20	جزء اول: وصف و خصوصیت مرتکب
21	موظفین خدمات عامه
21	اول: مامورین واجیران دولت و تصدیهای دولتی، مامورین واجیران موسسات عامه
22	قضیه فرضی
22	دوم: اعضای ارکان دولت و جرگه های ولایتی و محلی
23	قضیه فرضی
23	سوم: وکیل مدافع، حکم، اهل خبره، شهود، وسایر اشخاصی که تصادیق شان معتبر شناخته شود
24	قضیه فرضی

25	قضیه فرضی 1.....
26	قضیه فرضی 2.....
29	جزء دوم: عنصر مادی
29	۱- عمل - فعل :
32	۲- نتیجه :
32	۳- رابطه سببیت :
33	جزء سوم : عنصر معنوی (علم و اراده).....
33	۱- قصد عام
33	۲- قصد خاص.....
33	تعریف قصد عام:
34	تعریف قصد خاص:
34	فرق بین قصد عام و قصد خاص :
35	قضیه فرضی.....
35	جزء چهارم : موضوع رشوت (مال یا منفعتی را که موظف طلب یا قبول میکند)
37	جزء پنجم : مجازات جرم رشوت.....
37	جزاهای اصلی :
37	حالات مشدده.....
37	حالات مخففه.....
38	حالت تبرئه کننده
38	جزاءهای تکمیلی :
38	رشوت دهنده و واسطه رشوت
38	قضیه فرضی.....
39	قضیه فرضی.....
39	مطلب دوم: جرم اکراه موظف خدمات عامه
39	عناصر متشکله جرم اکراه:
40	جزء اول:- وصف مجنی علیه:
40	جزء دوم :- عنصر مادی (عمل- نتیجه - رابطه سببیت).....
40	الف - عمل (فعل).....
41	جزء سوم :- عنصر معنوی

41	جزء چهارم مجازات جرم
42	قضیه فرضی
42	مطلب سوم: جرم مکافأة لاحقة (بخشش بعد از انجام کار)
43	عناصر متشکله جرم مکافات لاحقه :-
43	جزء اول :- وصف مرتکب
43	جزء دوم : عنصر مادی
43	جزء سوم : عنصر معنوی
43	فرق بین جرم رشوت و مکافات لاحقه:-
43	جزء چهارم :- مجازات جرم مکافات لاحقه (بخشش بعد از انجام کار)
44	قضیه تمرینی
45	قضیه تمرینی
45	مطلب چهارم: جرم اعمال نفوذ
46	عناصر متشکله جرم اعمال نفوذ:-
48	قضیه فرضی
48	مطلب پنجم: جرم عرضه کردن رشوت بدون قبول آن
49	عناصر متشکله:
51	قضیه عملی
54	مبحث دوم: جرائم تحت فصل جرم اختلاس
54	مطلب اول: جرم اختلاس
54	متن ماده (268) قانون جزاء:-
57	عناصر جرم اختلاس :
55	جزء اول: وصف و خصوصیت مرتکب :
57	جزء دوم :- عنصر مادی
58	موضوع جرم اختلاس:
59	جزء سوم:- عنصر معنوی :-
60	مثال عدم موجودیت قصد عام :
60	مثال عدم موجودیت قصد خاص :
61	جزء چهارم : مجازات جرم اختلاس
61	۱- جزای اصلی

61	حالت مشدده.....
61	جزای تبعی :.....
62	جزاهای تکمیلی.....
63	الف :تعریف مصادره.....
63	ب : تعریف رد مال.....
63	مطلب دوم: جرم تصرف مالکانه برملکیت‌های دولت.....
64	عناصر جرم استیلاء:-.....
64	جزء اول : وصف وخصوصیت مرتکب.....
65	قضیه فرضی.....
66	جزء دوم :عنصر مادی.....
66	جزء سوم : عنصر معنوی.....
67	جزء چهارم :موضوع جرم استیلاء.....
67	۱- پول دولت.....
67	۲- اوراق بها دار مربوط دولت.....
67	۳- امتعه مربوط دولت.....
67	اموال بشکل عام مربوط دولت.....
67	جزء پنجم : مجازات جرم استیلاء.....
67	جزای اصلی.....
67	جزاهای تکمیلی.....
68	مطلب چهارم: جرم غدر.....
68	عناصر متشکله جرم غدر:.....
69	جزء اول : وصف وخصوصیت مرتکب.....
69	جزء دوم : عنصرمادی.....
69	جزء سوم : عنصر معنوی.....
70	قضیه فرضی.....
70	جزء چهارم: - مجازات:.....
71	قضیه فرضی.....
71	مطلب پنجم: نفع برداری از امور متعلق به دولت (تربیح).....
72	ب :عناصر جرم:-.....

73	فرضیه
75	مطلب ششم: جرم تسخیر (استخدام کارگران در امور شخصی)
76	عناصر جرم :
77	جزء اول : وصف و خصوصیت مرتکب
77	جزء دوم : عنصر مادی
77	جزء سوم : عنصر معنوی
77	جزء چهارم : موضوع جرم تسخیر و حجز اجورت کارگران :
78	مبحث سوم: جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد
78	مطلب اول :- جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی
78	تعریف سند رسمی :
79	جزء اول : تعریف جرم سرقت اسناد رسمی :-
80	عناصر جرم :-
80	جزء اول وصف مرتکب :-
80	جزء دوم :- عنصر مادی
80	جزء سوم :- عنصر معنوی
81	جزء چهارم : مجازات :
81	حالات مخففه
81	حبس متوسط :
82	حبس قصیر و یا جزاء نقدی :
82	جزای تبعی :
82	جزای تکمیلی :
82	مطلب دوم :
82	جرم سرقت ، افشاء ، باز نمودن تلگراف و مکتوب پوستی
82	تعریف :
82	جزء اول وصف مرتکب :
83	جزء دوم عنصر مادی :
83	جزء سوم عنصر معنوی :
83	جزء چهارم موضوع جرم :
83	جزء پنجم : مجازات جرم سرقت تلگراف و مکتوب پوستی :

83	مبحث چهارم: جرایم رویه سوء مؤظف خدمات عامه علیه افراد:-
84	مطلب اول : جرم تعذیب متهم بمنظور اعتراف.....
85	عناصر جرم تعذیب متهم بمنظور اعتراف
85	جزء اول وصف مرتكب :-.....
85	جزء دوم عنصر مادی :-.....
88	مطلب دوم: جرم مجازات محكوم علیه بیشتر از محكوم بها
88	عناصر جرم:-.....
89	فرضیه
90	مطلب سوم: جرم هتك حرمت منزل از جانب مؤظف خدمات عامه
92	عناصر جرم:-.....
92	جزء اول:- وصف مرتكب :-.....
92	جزء دوم:- عنصر مادی
92	جزء سوم:- عنصر معنوی:-.....
93	قضیه فرضی
93	جزء چهارم - مجازات :-.....
94	مطلب چهارم: جرم خشونت مؤظف خدمات عامه علیه افراد
94	عناصر جرم :-.....
94	جزء اول :- وصف مرتكب :-.....
94	جزء دوم:- عنصر مادی:-.....
95	جزء سوم : مجازات:-.....
95	جزاء اصلی:-.....
95	جزاء حبس :-.....
95	جزاء نقدی :-.....
95	مطلب پنجم: جرم غصب ملك غير از جانب مؤظف خدمات عامه
96	عناصر جرم :-.....
96	جزء اول:- وصف مرتكب :
96	جزء دوم عنصر مادی:
96	جزء سوم:- عنصر معنوی:-.....
96	جزء چهارم مجازات :-.....

96	جزاء اصلی :-
96	جزاء حبس:
97	جزاء نقدی :-
97	جزاء تکمیلی:-
97	مبحث پنجم: جرم تزویر
97	متن ماده (۳۰۹) قانون جزاء
98	جزء اول عنصر مادی:
99	موارد عنصر مادی تزویر:
99	الف: تحصیل غافل گیرانه امضاء واقعی:
99	ب: تراشیدن و خراشیدن:
99	ج: اضافت در نوشته:
99	د: اعتبار بخشیدن به نوشته یا سند:
100	ه: الحاق و الصاق:
100	جزء دوم عنصر معنوی:
101	الف : قصد عام :
101	ب : قصد خاص :
102	جزء سوم موضوع جرم تزویر:-
102	قضیه فرضی
103	جزء چهارم :- عنصر ضرر وارده:
103	جزء پنجم:- وصف و خصوصیت مرتکب
104	جزء ششم : مجازات جرم تزویر:
107	مبحث دوم: انواع جرم تزویر
107	جزء اول : تزویر اسناد رسمی از جانب موظف خدمات عامه:
107	جزء دوم : تزویر اسناد غیر رسمی از جانب موظف خدمات عامه:
108	جزء سوم : تزویر اسناد رسمی از جانب اشخاص عادی:
108	جزء چهارم : تزویر اسناد غیر رسمی از جانب اشخاص عادی:
108	جزء پنجم : تزویر معنوی:
108	جزء ششم : استعمال اسناد تزویری:
109	جزء هفتم : تزویر در اعمال طبی:

109	مبحث ششم: جرایم تحت فصل تجاوز مؤلف خدمات عامه از حدود صلاحیت اش
110	مطلب اول: جرم ممانعت در روند یا اخلال در تطبیق عدالت
110	جزء اول:- وصف مرتکب :-
111	جزء دوم:- عنصر مادی
111	جزء سوم:- عنصر معنوی:- (علم – و اراده)
111	جزء چهارم :- موضوع جرم :
111	جزء پنجم مجازات:-
112	مطلب دوم: جرم متوقف ساختن اوامر صادره مراجع ذیصلاح از جانب مؤلف خدمات عامه
112	جزء اول:- وصف مرتکب
112	جزء دوم :- عنصر مادی
113	جزء سوم:- عنصر معنوی:-
113	جزء چهارم مجازات:-
114	مطلب سوم: جرم استتکاف از وظیفه
115	عناصر متشکله
115	جزء اول وصف مرتکب
115	جزء دوم:- عنصر مادی
115	جزء سوم:- عنصر معنوی:
115	قضیه تمرینی
115	جزء چهارم :- مجازات
116	۲- استتکاف مؤلف خدمات عامه از وظیفه:-
116	عناصر متشکله :-
116	جزء اول وصف مرتکب
116	جزء دوم :- عنصر مادی:-
116	جزء سوم مجازات :-
118	مواد قانون جزاء مرتبط به جرائم فساد اداری
142	فهرست مؤاخذ و منابع :

اهداف عمومی

در پایان این برنامه آموزشی اشتراک کنندگان قادر به اجرای موارد ذیل خواهند بود:

- 1- برداشت عمومی از قانون نظارت برتطبيق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری، و تشخیص جرائمی که فساد اداره پنداشته میشود.
- 2- برداشت عمومی از تشکیل صلاحیت های اداره عالی نظارت برتطبيق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری.
- 3- تفکیک اوصاف جرمی موارد هجده گانه مندرج ماده (3) قانون نظارت برتطبيق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری، به گونه درست.
- 4- تفکیک میان اوصاف جرمی مندرج فصل رشوت (مواد 254 الی 267 قانون جزاء) وتوضیح آن، وتطبيق قانون مربوط درزمینه به شکل صحیح.
- 5- تفکیک میان اوصاف جرمی مندرج فصل اختلاس (مواد 268 الی 274 قانون جزاء) وتوضیح آن، وتطبيق قانون مربوط درزمینه به شکل صحیح.
- 6- تشریح وتوضیح انواع تزویر، وتطبيق قانون مربوط در زمینه به شکل صحیح.
- 7- شرح وتوصیف نمودن سرقت وتلف کردن اسناد رسمی توسط موظف خدمات عامه
- 8- شرح وتوصیف نمودن رویه سوء موظف خدمات عامه علیه افراد
- 9- توضیح نمودن تجاوز موظف خدمات عامه ازحدود صلاحیت وظیفوی
- 10- تطبيق قانون مربوط دراجرای تحقیق، جمع آوری دلائل، اعطای وصف جرمی دقیق وسایر موارد وظایف محوله پیرامون مبارزه علیه جرایم فساد اداری.

پلان درسی

روز اول درسی:

- ❖ معرفی بااشتراک کنندگان
- ❖ ارزیابی ابتدائی اشتراک کنندگان
- ❖ ارایه اهداف وپلان درسی
- ❖ بحث روی موضوعات آتی:-
- فصل اول:-
- قانون نظارت برتطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری
- اهداف قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساداداری
- استقلالیت اداره نظارت برتطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری

روز دوم درسی:

- تشکیلات وصلاحیت ها.
- توامیت اداره عالی نظارت با سایر ادارات
- انفصال موقت وتعقیب عدلی
- ایجاد حارنوالیها ومحاکم اختصاصی مبارزه با فساد اداری

روز سوم درسی :

- فصل دوم
- جرایم فساد اداری
- جرم رشوت
- تعریف جرم رشوت
- عناصرمتشکله جرم رشوت
- مجازات جرم رشوت

روز چهارم درسی :

- جرم اکراه موظف خدمات عامه به اجراء کردن یاامتناع کردن عمل.
- تعریف
- عناصر متشکله
- مجازات
- قضیه فرضی
- جرم مکافات لاحقه
- تعریف

0 عناصر متشکله

0 مجازات

روز پنجم درسی:

• جرم اعمال نفوذ

0 تعریف

0 عناصر متشکل

0 مجازات

روز ششم درسی:

• جرم اختلاس

0 تعریف

0 عناصر متشکله

0 مجازات

روز هفتم درسی:

• جرم استیلاء

0 تعریف

0 عناصر متشکله

0 مجازات

• جرم غدر

0 تعریف جرم غدر

0 عناصر متشکله جرم

0 مجازات جرم غدر

روز هشتم درسی:

• جرم تسخیر

0 تعریف

0 عناصر متشکله

0 مجازات

0 قضیه فرضی

روز نهم درسی :

• سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی

- 0 تعریف
- 0 عناصر متشکله
- 0 مجازات

روز دهم درسی :

❖ جرایم تحت فصل رویه سوء موظف خدمات عامه علیه افراد

• جرم تعذیب متهم بمنظور اعتراف

- 0 تعریف
- 0 عناصر متشکله
- 0 مجازات

• جرم مجازات محکوم علیه بیشتر از محکوم بها

- 0 تعریف
- 0 عناصر متشکله
- 0 مجازات

روز یازدهم درسی :

• جرم هتک حرمت منزل از جانب موظف خدمات عامه

- 0 تعریف
- 0 عناصر متشکله
- 0 مجازات

۴:- جرم خشونت موظف خدمات عامه علیه افراد

- 0 تعریف
- 0 عناصر متشکله
- 0 مجازات

روز دوازدهم درسی :

• جرم غصب ملک غیر از جانب موظف خدمات عامه

- 0 تعریف
- 0 مجازات

❖ جرم تزویر

0 تعریف جرم تزویر

روز سیزدهم درسی :

0 عناصر متشکله جرم تزویر

0 مجازات جرم تزویر

0 قضیه فرض

❖ جرایم که تحت فصل تجاوز موظف خدمات عامه از حدود صلاحیت اش

• جرم ممانعت در روند اخلال و تطبیق عدالت

0 تعریف

0 عناصر متشکله

روز چهاردهم درسی:

0 مجازات

• جرم متوقف ساختن اوامر صادره مراجع ذیصلاح از جانب موظف خدمات عامه

0 تعریف

0 عناصر متشکله

0 مجازات

• جرم استتکاف از وظیفه

0 انواع جرم استتکاف از وظیفه

0 تعریف

0 عناصر متشکله

0 مجازات

روز پانزدهم درسی:

• امتحان

مقدمه :

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبيه إمام المتقين. أنزل عليه النور المبين نزل به الروح الأمين ليكون بشيرا ونذيرا للناس أجمعين والرضوان على صحابة محمد (صلى الله عليه وسلم) وعلى التابعين ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين. ونبتهل إليه تعالى أن يجعلنا من عباده المخلصين ومن الطائفة الذين لا يزالون ظاهرين إلى يوم الدين. وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمدا عبده ورسوله.

جرم پدیده شومی است که عکس العمل اجتماعی درقبال دارد و برای اینکه نظم اجتماع برهم نخورد و درمقابل جرایم، حفظ وصیانت حقوق فردی و اجتماعی استقرار داشته باشد، برای مرتکبین جرایم مؤیدات جزائی پیشبینی گردیده است.

جرائم در صورت ارتکاب دونوع تأثیرناگوار در جامعه میگذارد: ضرر فردی و ضرر اجتماعی، اما بعضی جرائم تنها ضرر اجتماعی میگذارد که تحت عنوان دعوی حق الله مورد مطالعه قرار میگیرد.

جرائم فساد اداری هم از جمله جرائمی بوده که بیشتر ضرر اجتماعی دارد و تأثیرات ناگوار در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی میگذارد، بالخصوص در عرصه عدالت اجتماعی و عدم تطبیق قانونیت، زیرا در صورت نبود فساد، حاکمیت قانون پابرجاست، و با حاکمیت قانون، عدالت استقرار میداشته باشد.

بهر صورت در جرایم فساد اداری جرایمی تحت عنوان متذکره و مماثلت خویش یکجا مورد مطالعه قرار میگیرد و این جرایم از دونه نقطه نظر باهم در یک عنوان قابل بحث میباشند:

۱- با اوصاف فساد و اداری بودن آنها:-

جرائم متذکره با وصف فوق از سائر جرائم مجزا میگردند .

فساد از نظرواژه به معنای شکننده و نقض کننده است و این وصف بخاطری انتخاب گردیده که به معنی لغوی جرائم نیز نسبت دارد، چون جرائم در ذات خود شکننده و نقض کننده قانون از جانب مرتکبین میباشند.

۲- با وصف فاعل آن:-

در جرائم فساد اداری مرتکبین آنها از جمله موظفین خدمات عامه میباشند، یعنی جرائم فساد اداری با وصف فاعل از سائر جرائم تمیز و تفکیک میگردند، بناء بحث خویش را در دوفصل ومباحث جداگانه مورد مطالعه قرار میدهم.

فصل اول

خصایص قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری

قانون خاصی در راستای فساد اداری در سال ۱۳۸۳ هـ ش نافذ و این قانون تحت عنوان " قانون مبارزه علیه ارتشاء و فساد اداری " منتشره جریده رسمی شماره (۸۳۸) مرعی الاجرا بود ، و توسط قانون متذکره، اداره مستقل مبارزه علیه ارتشاء و فساد اداری بوجود آمد، و هدف بوجود آمدن این قانون و اداره، مبارزه سالم با فساد اداری بود، چون جامعه افغانی از رهگذر جرائم فساد اداری بسیار متضرر گردیده بود.

متعاقبا قانون جدیدی تحت عنوان " قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری " در سال ۱۳۸۷ هـ ش توسط فرمان شماره (۶۳) تقنینی رئیس جمهور نافذ گردید وبا انفاذ این قانون، قانون مبارزه علیه ارتشاء و فساد اداری سال ۱۳۸۳ هـ ش و اداره مستقل مبارزه علیه ارتشاء و فساد اداری ملغی گردید، همچنان با انفاذ قانون جدید، اداره مستقل دیگری با اخذ الهام از عنوان قانون متذکره، تحت عنوان " اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری " تشکیل گردید. این اداره دارای اهداف، تشکیلات و صلاحیتهای می باشد که در جریان نوشتار خویش درشش مبحث به آن اشاره خواهیم کرد.

مبحث اول

اهداف قانون نظارت برتطبيق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری

هرقانونی که درجامعه وضع و نافذ میگردد برای تحقق هدف و یا اهداف معین میباشد.

قانون نظارت برتطبيق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری هم ازاین اصل مستثنی نبوده بلکه دارای اهداف مشخص و معینی میباشد که در ماده دوم " قانون نظارت برتطبيق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری" پیشبینی گردیده که هرکدام آنرا جداگانه مورد تحلیل قرار میدهیم.

1- اتخاذ تدابیر جهت نظارت برتطبيق ستراتیژی و طرز العمل اداره و مبارزه علیه فساد اداری در تمام ادارات، غرض جلوگیری و مبارزه مؤثر علیه فساد اداری :-

هدف فوق مشتمل بر دو جزء می باشد؛ در قسمت اول تدابیر و قایوی و قسمت دوم مبارزه علیه فساد اداری و جلوگیری مؤثر آن در تمام ادارات، زیرا در قدم اول جامعه باید در مقابل جرائم فساد اداری توسط تدابیر و قایوی و قایه گردد، هرگاه با وجود اتخاذ تدابیر و قایوی، باز هم جرائم فساد اداری واقع گردد، در آن صورت باید علیه جرائم فساد اداری، مبارزه شود و مرتکبین آن مورد پیگرد قرار گیرند.

2- مراقبت از اجراءات ادارات در مورد قضایای فساد اداری :-

بر اساس این هدف " اداره عالی نظارت برتطبيق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری " از اجراءات در اداراتی که در مورد قضایای فساد اداری کشف، تحقیق و تعقیب عدلی آن مصروف میباشند، مراقبت مینمایند، طوریکه در این مورد، ماده (۱۸) قانون متذکره چنین تصریح میکند: (ادارات کنترول و تفتیش، پولیس، خرنوالی و محکمه از اجراءات خود در مورد قضایای فساد اداری به اداره عالی نظارت گزارش میدهند).

هدف از گزارش دهی ادارات متذکره ماده فوق این است که اداره عالی نظارت گزارشات را توحید نموده و به ریاست دولت ارائه بدارد، و همچنان تشخیص نماید که پالیسی و ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری به کدام اندازه مؤثر واقع شده است و به چه اندازه کمی و کاستی وجود دارد، تا به رفع آن اقدام نماید.

3- ارزیابی از تطبیق تدابیر اتخاذ شده در امر اصلاح اداره و مبارزه علیه فساد اداری از طرف ادارت:-

توضیح این هدف نیز معلوم است؛ هرگاه اداره عالی نظارت، پالیسی و ستراتیژی برای مبارزه علیه فساد اداری را در جامعه و ادارات رسمی دولتی و غیردولتی وضع مینماید، با اخذ گزارش دهی که در هدف قبلی اشاره شد، پالیسی و ستراتیژی قبلی را ارزیابی مینماید که به چه اندازه در امر مبارزه علیه فساد اداری کارگر بوده است.

4- تأمین شفافیت در اجراءات ادارات جهت حصول اطمینان از حسابدگی :-

هر اداره باید در عائدات، تأدیات و مصارف حسابدگی شفاف داشته باشد و اداره عالی نظارت با در نظر داشت اهداف دیگر خویش به این هدف نیز توسط حسابدگی از جانب ادارات مطمئن گردد که وجوه مالی درست و مطابق احکام قانون انجام یافته است و یا خیر؟

5- ایجاد اداره و مدیریت سالم امور عام المنفعه بر مبنای صداقت و وظیفوی و مسئولیت حسابدگی:-

از جمله اهداف دیگر اداره عالی نظاره، مورد فقره فوق بوده که در اداراتی که مشغول کارهای عام المنفعه هستند برای ایجاد یک مدیریت سالم در رأس آن اداره که در برگیرنده صداقت و وظیفوی و مسئولیت حسابدگی باشد، اساس و اصل میگذارد، زیرا به هر اندازه ای که اداره و مدیریت آن سالم و به اصول قانونی استوار باشد به همان اندازه مبارزه خوبی با فساد اداری صورت گرفته میتواند.

6- حراست از ملکیت های عامه و اشخاص :-

چون جامعه افغانی در چند دهه اخیر شاهد جنگ ها بود، این جنگ ها در تمام عرصه های اجتماعی تأثیرات ناگوار خویش را گذاشته است، شاهد این موضوع هستیم که در جریان سالهای قبل تمام املاک عامه دولتی، املاک خصوصی افراد، مورد غصب قرار گرفته بود، روی این مشکل بود که قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری، بخاطر حفظ ملکیت های عامه و اشخاص در کتگوری اهداف خویش آنرا گنجانیده است، و اداره عالی نظارت، بر اساس هدف فوق مکلف به رعایت آن در جامعه و جلوگیری از غصب اموال دولتی و فردی بوده و در آینده هم باید پالیسی خوبی را در راستای حفظ املاک دولتی و فردی، وضع نماید.

7- تحکیم و تعمیم حاکمیت قانون :-

هدف اخیر قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری، بطور کل و عام، حاکمیت قانون در سراسر قلمرو افغانستان میباشد، و این حاکمیت قانون عام شمول بوده استثناء ندارد.

مبحث دوم**استقلالیت اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری**

اداره عالی نظارت بر اساس قانون خاص، یک اداره مستقل میباشد؛ یعنی تحت اثر هیچ واحد اداری حکومت نبوده و مستقیماً به رئیس دولت گزارش ده میباشد، و این استقلالیت به منظور هرچه بیشتر تطبیق اهدافی که فوقاً تذکر یافت بطور مستقلانه برآورده شده میتواند.

استقلالیت، مانع هر نوع مداخله در امور نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری میشود، که در ماده (۶) قانون مذکور چنین توضیح گردیده است: (هیچ شخص و مقامی مانع اجراءات اداره عالی نظارت جهت نظارت از تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری در ادارات نمی شود). بر اساس صراحت ماده متذکره هیچ شخص اعم از اشخاص حقیقی و حکمی ولو که در پست مقام عالی هم باشند، مانع اجراءات قانونی اداره عالی نظارت شده نمیتوانند، بلکه در راستای تطبیق هرچه بیشتر قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری همکاری لازم را انجام میدهند.

هرگاه به ساحه تطبیق قانون متذکره نظر اندازیم اداراتی که تحت پوشش نظارتی این قانون و اداره عالی نظارت قرار دارند، تمام ادارات دولتی، اداراتی که بادیولت ارتباط دارند، بانک های طرف معامله دولت و انجوها، تماماً تحت نظارت اداره عالی نظارت قرار دارند، چنانچه در ماده (۷) قانون متذکره مفصلاً ذکر گردیده که این خود به استقلالیت صلاحیتی اداره عالی نظارت می افزاید.

مبحث سوم

تشکیلات و صلاحیت های اداره عالی نظارت

اداره عالی نظارت، براساس قانون اختصاصی این اداره دارای تشکیلات، وظایف و صلاحیت های معین و مشخص بوده که در مواد جداگانه طبق فقرات متعدد پیشبینی گردیده است، بناء لازم دیده میشود تا به هر کدام بصورت جداگانه اشاره نمائیم.

مطلب اول: تشکیلات اداره عالی نظارت :-

اداره عالی نظارت من حیث واحد اداری مستقل، دارای یک ریاست عمومی بوده که مرکز آن در پایتخت کشور- کابل- موقعیت دارد، و همچنان دارای ریاست های مرکزی و حوزوی در سطح کشور میباشد، از نظربشری، دارای یک رئیس عمومی، معاونان، رؤسای مرکزی و حوزوی و اعضای مسلکی و اداری میباشد، چنانچه این مطلب در فقره (۱) ماده (۸) قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری پیشبینی گردیده است.

رئیس عمومی اداره عالی نظارت، مستقیماً توسط رئیس جمهور تعیین میگردد، و ضرورت به تأیید ولسی جرگه ندارد، اما بعضی رؤساء مانند رئیس امنیت ملی، رئیس دافغانستان بانک و رئیس سره میاشت، به تأیید ولسی جرگه ضرورت دارند، بخاطری که تعیین و تصویب شان در قانون اساسی تذکریافته است. سائر کارکنان اداره عالی نظارت، توسط احکام قانون مامورین و ماده (۱۴) قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری، که شرایط پذیرش را پیشبینی نموده است، صورت میگیرد.

مطلب دوم: وظایف اداره عالی نظارت :-

اداره عالی نظارت برای اهداف مشخص تأسیس گردیده که در بخش اهداف آن بحث صورت گرفت، بخاطر تحقق یافتن اهداف، اصولاً باید وظایف تفویض گردد، تا توسط وظایف محوله قانونی و مشخص به

اهداف، رسیدگی صورت گیرد و مشروعیت اداره استقرار یابد. وظایف اداره عالی نظارت مفصلاً در ماده پنجم ضمن، فقرات بیست گانه چنین توضیح گردیده است (به قانون مراجعه شود).

مطلب سوم: صلاحیت های اداره عالی نظارت :-

در صورتیکه وظیفه قانونا به یک اداره سپرده شود، همان اداره صلاحیت کسب مینماید. جهت ایفای وظیفه سپرده شده اگر واضحا تذکردهیم وظیفه و صلاحیت، لازم و ملزوم یکدیگراند، از همین جهت است که در اصطلاحات حقوقی، وظایف و صلاحیت ها پیهم در یک جمله استعمال میگردند، به عباره دیگر اگر ذکر نمائیم اهداف، وظایف و صلاحیت ها باهم ارتباط منطقی پیهم دارند؛ اهداف توسط وظایف تفویض میگردند و صلاحیت توسط وظایف اعمال میگردد، بناء صلاحیت های اداره عالی نظارت عبارت اند از ثبت و نشر داری های اشخاص بلند رتبه که در ماده (۱۲) قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری چنین معرفی گردیده است:

(ماده ۱۲)

(۱) اداره عالی نظارت داری مقامات مندرج ماده یکصد و پنجاه و چهارم قانون اساسی افغانستان را ثبت، رسیدگی و عنداللزوم نشر مینماید.

(۲) اداره عالی نظارت مکلف است داری اعضای شورای ملی، شوراهای ولایتی و ولسوالی ها، معینان وزارت ها، رؤسای ادارات و کمیسیون های مستقل، سفراء، والی ها و شاروال ها و معاونان آنها، قضات، خرنوالان، افسران وزارت های دفاع ملی و امور داخله، ولسوالان، مامورین رتبه دوم و بالاتر از آن و کارکنان بخش های امور مالی، حسابی و تدارکاتی را قبل از اشغال وظیفه و همه ساله ثبت، رسیدگی و عنداللزوم نشر نماید.

همچنان صلاحیت های دیگر اداره عالی نظارت با اعمال وظایف که در ماده نهم قانون ذکر گردیده و در قسمت وظایف به آن اشاره شد تنظیم میگردد.

مبحث چهارم

توأمیت اداره عالی نظارت با سایر ادارات

اداره عالی نظارت در ضمن اهداف هفت گانه اش که در ماده دوم قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری ذکر گردیده است، یکی از اهداف عمده آن، مبارزه علیه فساد اداری در کشور بوده که محور مرکزیت را در سایر اهداف اختیار مینماید، و سایر اهداف از همین هدف عمده الهام میگیرند، چون مبارزه علیه فساد اداری در راستای جرایم فساد اداری بوده که در مبحث بعدی به آن اشاره خواهد شد. بناء توأمیت اداره عالی نظارت با سایر ادارات عدلی و قضائی که وظایف تعقیب عدلی (کشف، تحقیق، تعقیب عدلی و محاکمه جرایم) را بدوش دارند، ضرور، لازم و حتی حتمی میباشد تا هدف مبارزه با جرایم فساد اداری مصداق عمل پیدا کند.

اداره تفتیش و کنترل نیز با اداره عالی نظارت توأمیت کاری دارد، بناء اداره عالی نظارت طبق ماده دهم قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری به اداره تفتیش و کنترل در موارد ذیل توأمیت میداشته باشد، ماده دهم (اداره عالی نظارت، فعالیت های مالی و حسابی مشکوک ادارات و اشخاص مندرج ماده هفتم این قانون را جهت بازرسی به اداره عمومی تفتیش و کنترل محول می نماید).

اداره عالی نظارت بخاطر انسجام و در راستای مبارزه علیه فساد اداری نه تنها که با اداره تفتیش و کنترل توأمیت دارد بلکه با اداره پولیس، خرنوالی و محاکم در قسمت جرایم فساد اداری نیز توأمیت دارد قضایای فساد اداری را به اداره خرنوالی محول مینماید، که از آن طریق سلسلتا در صورت اثبات جرم توسط دلائل اثباتیه از جانب خرنوالی به محاکم غرض انفصال قانونی احاله میگردد. و حتی اداره عالی نظارت طبق ماده (۱۸) قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری از ادارات متذکره در قسمت اجراءات شان در مورد جرایم فساد اداری گزارش اخذ میدارد.

ماده هژدهم: (ادارات کنترل و تفتیش، پولیس، خرنوالی و محکمه از اجراءات خود در مورد قضایای فساد اداری به اداره عالی نظارت گزارش میدهند).

مبحث پنجم

انفصال مؤقت و تعقیب عدلی

در بخش مقدمه اشاره نمودیم که جرایم فساد اداری با وصف مرتکب جرم باهم جمع میشوند یعنی مرتکب باید موظف خدمات عامه باشد.

بناء بعضی از موظفین خدمات عامه کارکنان دولتی نیز میباشند بخاطر تعقیب عدلی وپروسه محاکماتی کارکن مظنون و متهم روی عوامل و منطق ذیل انفصال مؤقت صورت میگیرد:

۱- مامور مظنون و متهم به جرم فساد اداری گاه گاهی قانوناً توقیف میگردد که نمیتواند به امور محوله ووظیفوی خویش بالاثراً همین علت رسیدگی نماید.

۲- بخاطر حضور به تحقیق، محاکمه، خللی در وظیفه اش رونما میگردد که باعث سکتگی امورات دولتی میگردد.

۳- عامل عمده این است تا مامور مظنون و متهم درحین تصدی وظیفه دلایل الزام را محو ننماید.

با درنظر داشت عوامل فوق، قانون نظارت برتطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری در موردانفصال موقت واضحاً متذکر نگردیده است اگر چه درعنوان ذکری از انفصال مؤقت است، اما درمتن ماده (۱۳) با ضمن دو فقرات آن نسبتاً با عنوان سازگار نبوده برای توضیح خوبتر به ذکر ماده میپردازیم.

فقره (۱) ((هرگاه در نتیجه بررسی، موظف خدمات عامه در ارتباط به فساد اداری مظنون واقع شود، غرض تعقیب عدلی به خارنوالی معرفی میگردد.

فقره (۲) هرگاه قاضی در ارتباط به فساد اداری مظنون واقع شود یا از اجرای اموری که مکلف به انجام آن است، تخلف ورزد، اداره عالی نظارت موضوع را به ستره محکمه احاله مینماید.))

متن ماده فوق با هردو فقره آن در مورد احاله قضیه اشاره داشته است، نه به انفصال مؤقت مامور مظنون و متهم.

اما در مقررره امور ذاتی کارکنان خدمات ملکی ذکری از تعلیق (انفصال مؤقت) کارکن در صورت متهم شدن مامور وکارکن وجود دارد.

ماده (۱۲) مقررره امور ذاتی کارکنان خدمات ملکی چنین صراحت دارد:-

فقره (۱) کارکنان خدمات ملکی در موارد ذیل به حالت تعلیق قرار میگیرند:

۱- در صورتیکه بالاثراً اتهام تحت توقیف قرار گیرند.

۲- در صورتیکه به مقصد تحقیق یا محاکمه دست مامور یا کارکن قراردادی خدمات ملکی از کار گرفته شود.

فقره (۲) حقوق و امتیازات کارکنان خدمات ملکی در دوره تحقیق و محاکمه طبق احکام مندرج قانون کار اجراء میگردد.

مبحث ششم

ایجاد خارنوالی ها و محاکم اختصاصی مبارزه علیه فساد اداری

ایجاد خارنوالی ها و محاکم اختصاصی از نظر صفت اختصاصی بودن آنها، به دو نوع تقسیم میگردد: یکی محاکم اختصاصی از نظر موقف و وظیفوی اشخاص، مانند محاکم اختصاصی رئیس جمهور، اعضاء شورای عالی ستره محکمه و قضات، این نوع محاکم، یک مرحله ای میباشد. و دیگر آن محاکم اختصاصی از نظر موضوع میباشد، مانند محاکم اختصاصی مبارزه علیه فساد اداری، محاکم اختصاصی مبارزه علیه مواد مخدر، محاکم اختصاصی رسیدگی به تخلفات اطفال، این نوع محاکم، سه مرحله ای میباشد « ابتدائی، استیناف و فرجام».

ما بحث خود را نخست از محاکم آغاز نمودیم، زیرا که در قوانین از جمله قانون تشکیلات و صلاحیت قوه قضائیه، به محاکم اختصاصی اشاره شده است نه به خارنوالی های اختصاصی، بخاطری که محاکم اصل است، و خارنوالی ها منحیث فرع از اصل متابعت مینمایند.

بناء در قدم اول مشروعیت محاکم اختصاصی مبارزه علیه فساد اداری را در قانون تشکیلات و صلاحیت قوه قضائیه که قانون خاصی است، جستجو مینمائیم و بعداً آنرا با قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری توأمیت می بخشیم.

قانون تشکیلات و صلاحیت قوه قضائیه طی مواد (۳۲) و (۵۰) خویش در مورد محاکم اختصاصی در چوکات محاکم ابتدائی و محاکم استیناف، عندالضرورت اشاره داشته است، که به هریک از مواد آن اشاره خواهیم نمود.

فقره (۴) ماده سی دوم : ((ستره محکمه میتواند عندالضرورت دیوانهای دیگر را در چوکات محاکم استیناف بعد از منظوری رئیس جمهور ایجاد نماید)).

فقره (۱) ماده پنجاهم: ((ستره محکمه میتواند عندالضرورت دیوانهای دیگری را در چوکات محاکم ابتدائیه مراکز ولایات بعد از منظوری رئیس جمهور ایجاد نماید)).

چون بر اساس احکام مواد (۳۲) و (۴۱) قانون تشکیل و صلاحیت محاکم، دیوانهای محاکم ابتدائیه و استیناف درتشکیلات محاکم متذکره تحدید شده است، بناء لازم است تا برای ایجاد سایر محاکم و دیوانها بخاطر موضوعات خاص، ستره محکمه به ریاست جمهوری پیشنهاد نماید که بعد از منظوری رئیس جمهور، محاکم متذکره تأسیس میگردد.

قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری طبق ماده (۱۹) خویش به خارنوالی ها و محاکم مبارزه علیه فساد اداری اشاره داشته که چنین مشعر است.

ماده نهم :

۱- اداره لوی خارنوالی به منظور تحقیق جرائم فساد اداری واقامه دعوی علیه مرتکبین آن، خارنوالی مبارزه علیه جرائم فساد اداری را در مرکز و ولایات طبق احکام قانون ایجاد می نماید.

۲- ستره محکمه به منظور رسیدگی قضایای جرائم فساد اداری، دیوان های جرائم فساد اداری را طبق احکام قانون در مرکز و ولایات ایجاد می نماید.

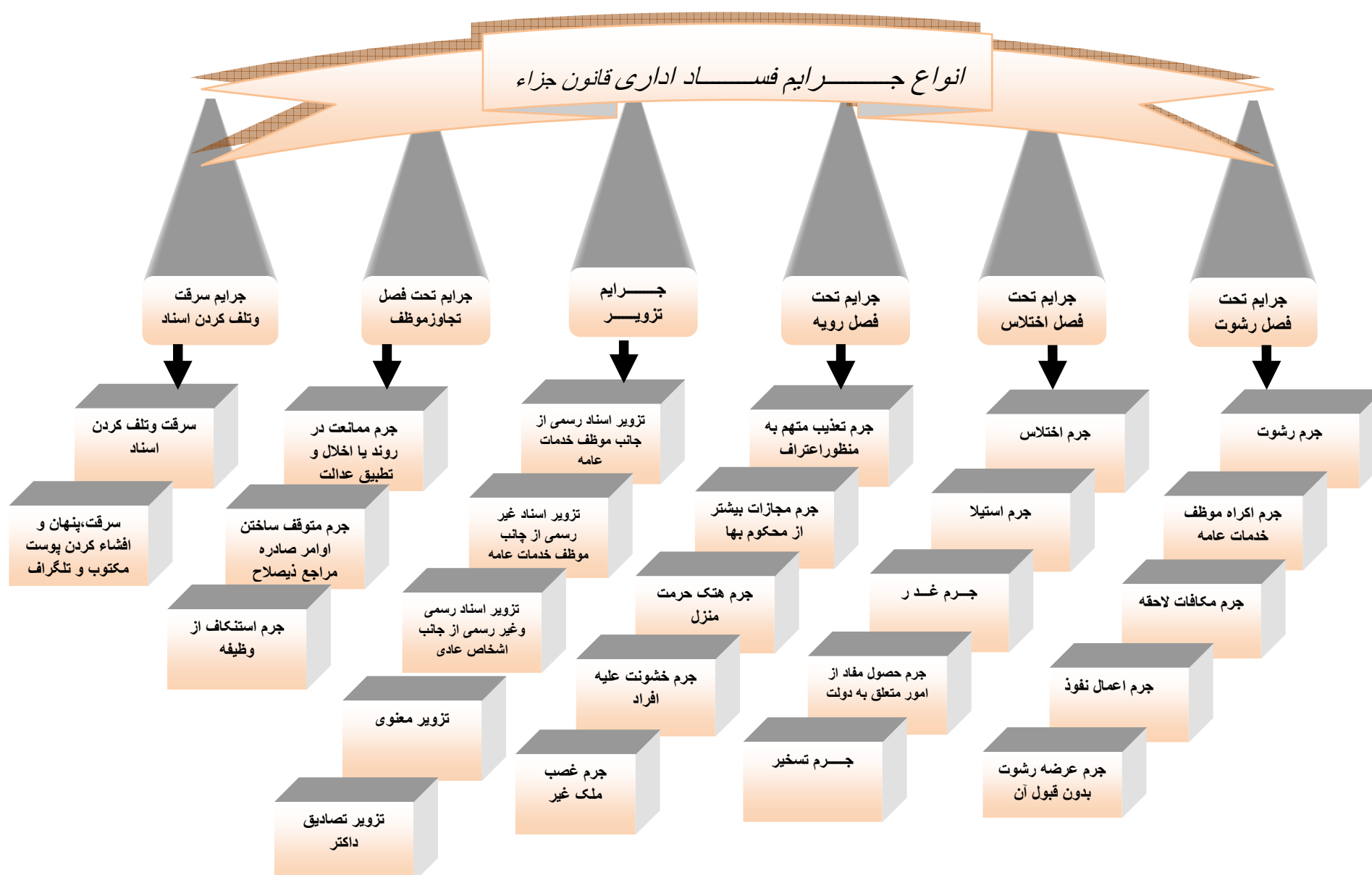
در فقره دوم ماده متذکره، تذکر گردید که محاکم مبارزه علیه فساد اداری طبق احکام قانون تأسیس میگردد و احکام قانون تشکیلات و صلاحیت قوه قضائیه در مورد صراحت دارد که فوقاً اشاره شد. چون محاکم اصل بوده و از نظر قانون محاکم تأسیس شده میتواند و خارنوالی ها که برای پیگیری قضایای مبارزه علیه فساد اداری تأسیس میگردد با تبعیت از محاکم کدام اشکال قانونی ندارد.

فصل دوم

انواع جرایم فساد اداری

انواع جرایم فساد اداری در ماده (۳) قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری چنین تصریح شده است: ((ارتکاب اعمال ذیل توسط موظفین ادارات دولتی یا منسوبین سایر مراجع مندرج ماده هفتم این قانون فساد اداری شمرده میشود:

- 1- رشوت
- 2- اختلاس
- 3- سرقت اسناد
- 4- اتلاف غیر مجاز اوراق و اسناد رسمی
- 5- تجاوز از حدود صلاحیت قانونی
- 6- سوء استفاده از موقف و وظیفوی
- 7- ممانعت در روند یا اخلاص تطبیق عدالت
- 8- استفاده از امکانات دولتی و اوقات رسمی در امور شخصی
- 9- امتناع و استتکاف از وظیفه بدون عذر قانونی
- 10- کتمان حقیقت
- 11- افزایش غیر قانونی دارایی
- 12- تزویر اسناد
- 13- انتحال وظیفه (و انمود ساختن صلاحیت اجرا یا امتناع اموری که شخص به آن موظف نباشد)
- 14- اخذ هر نوع تحفه به منظور اجرا یا امتناع از کار در امور مربوط
- 15- تعلل در اجرای وظیفه محوله
- 16- عدم رعایت قواعد سلوکی اداره
- 17- دخیل ساختن ملاحظات قومی، منطقوی، مذهبی، حزبی، جنسیتی و شخصی در اجرای امور محوله.
- 18- اجرا یا امتناع سایر اعمال مندرج ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری



مبحث اول

جرایم تحت فصل رشوت

موظفی که با وظیفه معامله میکند گویا با وظیفه خود تجارت میکند. هنگامیکه درمقابل اجرای عملی که او به اجرای آن منحصراً وظیفه مکلف است یا درمقابل امتناع از اجرای عمل یا اخلاص در آن، رشوت می‌طلبد یا رشوت تقدیم شده را قبول میکند، گفته می‌توانیم که موظف خدمات عامه با این نوع معامله، ازوظیفه خود بهره‌برداری تجارتي میکند.

عفت و پاکی وظیفه یک حقی است که باید حفظ شود، رشوت این حق را پامال میکند. دراین فصل جرایمی را مورد بحث قرار می‌دهیم که تحت باب رشوت درقانون جزاء ذکرشده است.

مطلب اول: جرم رشوت

طوری‌که قبلاً متذکر شدیم ماده ۳ قانون نظارت برتطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری ۱۸ مورد را ذکر کرده است این موارد اگر توسط موظفین ادارات دولتی یا منسوبین سایرمرجع مندرج ماده ۷ قانون مذکور، ارتکاب شود، فساد اداری محسوب می‌گردد.

ازجمله این موارد درهرمورد آن بحث مفصل می‌کنیم، ودرصورت وجود فرصت به موارد دیگر نیز اشاره خواهیم کرد.

متن ماده (۲۵۴) قانون جزاء هر موظف خدمات عامه که بمقصد اجراء یا امتناع ویا اخلاص وظیفه‌ای که به آن مکلف باشد باسم خود ویا شخص دیگری پول نقد، مال یا منفعتی را طلب نماید، یا ازشخص وعده آنرا گیرد، ویا بخششی را قبول کند، رشوت گیرنده محسوب می‌گردد.

درماده (۲۵۴) قانون جزا جرم رشوت تعریف گردیده و عناصر جرم رشوت نیز در آن ذکرشده است که وجود آنها برای تحقق جرم رشوت حتمی می‌باشد.

تحت این مطلب اجزای آتی را مورد بحث قرار می‌دهیم

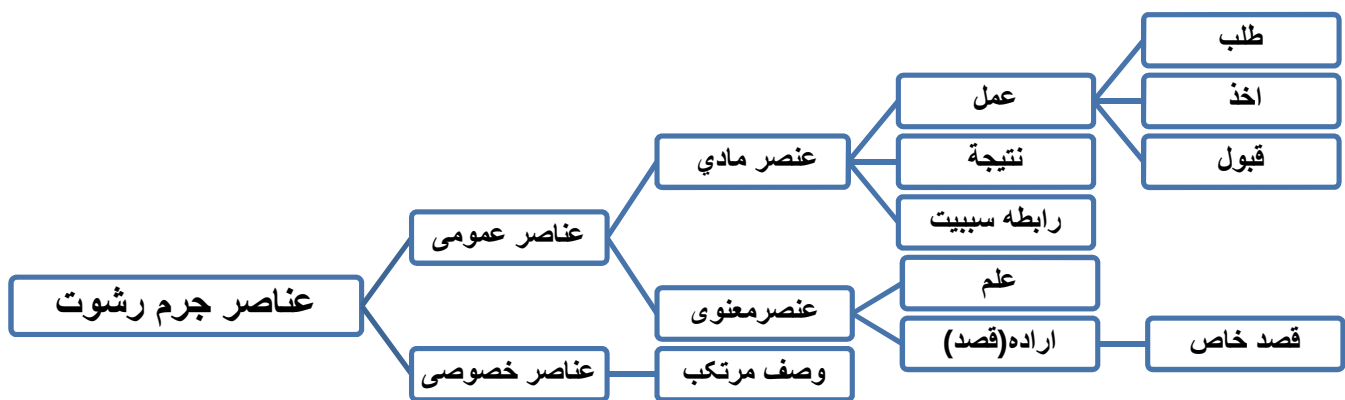
جزء اول : وصف موظف خدمات عامه

جزء دوم : عنصر مادی رشوت

جزء سوم : عنصر معنوی رشوت

جزء چهارم : مجازات جرم رشوت

عناصر جرم رشوت:



در ماده ۲۵۴ متذکره برای جرم رشوت سه عنصر بیان شده است:

- جزء اول: وصف و خصوصیت مرتکب (یعنی رشوت گیرنده موظف خدمات عامه باشد)
- جزء دوم: عنصر مادی (عمل ، نتیجه ، رابطه سببیت)
- جزء سوم : عنصر معنوی (علم و اراده)

جزء اول: وصف و خصوصیت مرتکب

ماده ۲۵۴ چنین تصریح میکند: (هر موظف خدمات عامه که بمقصد اجراء یا امتناع و یا اخلاص وظیفه ای که به آن مکلف باشد به اسم خود یا شخص دیگری پول نقد، مال یا منفعتی را طلب نماید یا از شخص وعده آنرا گیرد و یا بخشی را قبول کند رشوت گیرنده شمرده میشود)

از نص ماده چنین برداشت میشود که این عمل را شخصی مرتکب شود که موظف خدمات عامه نباشد، رشوت گیرنده شمرده نمیشود.

پس سوال در اینجا مطرح میشود که کدام اشخاص موظف خدمات عامه محسوب میشوند؟

موظفین خدمات عامه:

ماده ۱۲ قانون جزاء در زمینه چنین تصریح میکند:

(به مقصد این قانون اشخاص آتی موظفین خدمات عامه محسوب می گردند:

۱. مامورین واجیران دولت و تصدیهای دولتی.

۲. مامورین واجیران موسسات عامه.

۳. اعضای ارکان دولت و جرگه های ولایتی و محلی.

۴. وکیل مدافع، حکم، اهل خبره، شهود، وسایر اشخاصی که تصادیق شان معتبر شناخته شود.

هرکدام از موظفین خدمات عامه که فوقاً در متن نص قانونی ماده (۱۲) قانون جزاً تحدید گردیده در قوانین مربوطه بشکل خاص تعریف گردیده اند برای اینکه بتوانیم موظفین خدمات عامه را خوبتر معرفی نمایم به تعاریف آنها ذیلاً میپردازیم:

اول: مامورین واجیران دولت و تصدیهای دولتی، مامورین واجیران موسسات عامه:

مامورین واجیران دولت و تصدیهای دولتی و مامورین واجیران موسسات عامه در قانون کارت تعریف گردیده اند. که در مورد کارکنان بشکل عام، مامورین، اجیران و کارگران بشکل خاص تعاریف ذیل در ماده (۳) قانون کار پیشبینی گردیده است.

۱- اداره عبارت است از وزارت ها ادارات دولتی و غیر دولتی کمیونها مستقل تصدی ها تشبثات خصوصی مختلط و موسسات خارجی مقیم جمهوری اسلامی افغانستان که کارکن در آن مصروف کار تولیدی یا خدماتی میباشد.

۲- کارکن :- مشتمل بر مامور کارکنان (مامور ، کارگر ، و کارکن خدماتی) قرار دادی اعم از زن و مرد میباشد.

۳- مامور : کارکن است که با رعایت احکام این قانون و قانون مربوط از طریق اداره خدمات مسلکی به شکل دائمی استخدام میگردد.

۴- کارگر:- کارکن که به اساس قرار داد معین در اداره استخدام میشود.

۵- کارکن خدماتی : شخص است که به اساس قرار داد معین غرض انجام خدمات ممد کار در اداره استخدام میشود.

۶- کارکنان قرار دادی :- مشتمل بر کارگر ، کارکن خدماتی و مامورین قرار دادی است که در مقطع زمانی با عقد قرار داد استخدام میشوند.

بخاطر توضیح هرچه خوبتر به قضیه فرضی ذیل منحث تمرین اشاره مینمایم:

قضیه فرضی

وزارت مخابرات و تکنالوجی معلوماتی قرار دادی را با شرکت احمد حبیب در مورد تهیه تجهیزات تلفونی منعقد نموده است عقد از جانب نماینده با صلاحیت شرکت بنام خالد با نماینده باصلاحیت وزارت بنام جاهد که یک شخص خبیر است درمورد شناخت وسایل و تجهیزات تلفونی و از جانب وزارت بشکل اجرا کار مقطعی استخدام گردیده است امضا میگردد در اثنا تنفیذ عقد برای جاهد خالد میگوید که بعد از ختم این قرارداد او را بصفت مدیر مسول واردات شرکت احمد حبیب تعین مینماید ودر بدل این کار باید جاهد اموال اصل را که در متن قرارداد تذکر یافته است عوض آن اموال بدل را به وزارت منحث اموال اصلی معرفی نماید جاهد این موضوع را قبول مینماید .

سوال مطرح میگردد که آیا این عمل جاهد رشوت است ویا خیر؟

دوم: اعضای ارکان دولت وجرگه های ولایتی ومحلی:-

درجزء اول بشکل قاعده عام تمام اعضا ارکان دولت (قوه مقننه ،قضائیه و اجرائیه) را در بر گرفته است و درجز دوم بطور خاص اعضا جرگه ها ولایتی و محلی را معرفی داشته است .

اگر هدف جز اول را بشکل عام بگیریم بنأ در بر گیرنده تمام کارکنان اعم از مامورین واجیران دایمی و مقطعی ادارات دولتی میباشند که به این اشخاص در فقرات (۱و۲) ماده (۱۲) قانون جزا اشاره گردیده بود .

درحالیکه قاعدتاً حکم قانون تکرار را نمی پذیرد بنأ هدف جز اول (اعضا ارکان دولت) اشخاص خاص که عبارت از اشخاص بلند رتبه ارکان ثلاثه دولت می باشند.

مانند اعضا پارلمان (ولسی جرگه و مشرانو جرگه)، اعضا حکومت از قبیل وزراء، رؤسا عمومی مستقل (ریس امنیت ملی ریس سره میاشت ، لوی څارنوال) نو نفر اعضا شوری عالی ستره محکمه.

درقوانین افغانستان برای اشخاص فوق تعاریف خاصی وجود ندارد اما از نظر معرفی پوست و موقف ایشان قانون اساسی هرکدام را ضمناً معرفی داشته است.

جزء دوم عبارت از اعضا جرگه های ولایتی و ولسوالی می باشند که برای اعضا متذکره نیز تعاریف خاصی وجود ندارد اما درقانون اساسی وقانون شوری های ولایتی ضمناً معرفی گردیده اند.

بنابر تعاریفی که فوقا اشاره شد به قضیه ذیل اشاره مینمایم:

قضیه فرضی

عضو شوری ملی، ولایتی یا ولسوالی هرکدام در زمان تصدی وظیفه خویش از یک شخص رشوت مطالبه مینمایند بعدا دوره انتخابی شان خاتمه میابد و برای راشی حاجت او را نیز انجام داده میباشد بعد از دوره انتخابی رشوت را اخذ مینماید که درحین اخذ و قبض رشوت گرفتار میگردد .

از نظر شما عضو شوری ملی، ولایتی یا ولسوالی که در زمان اخذ رشوت گرفتار شده اند جرم رشوت بالایشان صدق مینماید و یا خیر؟

سوم: وکیل مدافع، حکم، اهل خبره، شهود، وسایر اشخاصی که تصادیق شان معتبر شناخته شود

موظفین خدمات عامه متذکره دراین جز از ماده (۱۲) قانون جزا عبارت از وکیل مدافع، حکم، اهل خبره، شهود ، وسایر اشخاصی که تصادیق شان معتبر شناخته شود می باشند بنأ هرکدام آنها را جداگانه تعریف خواهیم نمود.

الف: تعریف وکیل مدافع:

قبل از اینکه به تعریف وکیل مدافع بپردازیم باید یاد آور شویم که از دیدگاه قانون وکلای مدافع دوتعریف وجود دارد تعریف وکیل مدافع و تعریف مساعد حقوقی که به هر کدام اشاره می نمایم .

۱:- وکیل مدافع: شخصی است که شامل فهرست وکلای بوده ، مطابق احکام قانون در پیشگاه محاکم و سایر مراجع از حق موکل خویش دفاع یا دعوی را اقامه می نماید.

۲:- مساعد حقوقی : وکیل مدافع است که در موضوعات از طرف وزارت عدلیه برای اشخاص بی بضاعت تعیین میگردد.

تعاریف وکیل مدافع و مساعد حقوقی در ماده (۵) قانون وکلای مدافع صراحت دارد.

ب : تعریف حَکَم :

در قوانین مدنی و جزائی برای حَکَم تعریف خاصی وجود ندارد . اما حکم کسی است که از جانب محکمه برای حل و فصل نزاع بین دو نفر خصم تعیین میگردد. وبعد از حل قضیه کتبا نظر خویش را به محکمه تقدیم می نماید .

بصورت خاص حکم در فقره (۱) ماده (۲) قانون حکمیت تجارتي ذیل چنین تعریف گردیده است :

حکم : شخصی است که وظیفه حکمیت را در منازعات تجارتي به عهده دارد.

قضیه فرضی

در منازعه عدم تادیه مهر زوجه از جانب زوج بین زوج و زوجه دو نفر از حکمین یکی از جمله اقارب زوج و دیگری از جمله اقارب زوجه از جانب محکمه فامیلی برای حل معضله تادیه مهر برای زوجه تعیین میگردد .

حکمین به کار خویش آغاز مینمایند زوجه برای حکمین میگوید هرگاه بر علاوه مهر که دعوی بالای آن دایر میباشد پول نفقه را نیز ازدیاد نمایند در بدل برای شان مبلغ پنج پنج هزار افغانی میدهد حکمین قبول مینمایند و بر علاوه پول ذمت مهر بالای زوج مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ افغانی پول نفقه را نیز که موضوع دعوی را تشکیل نمیدهد در نظر خویش ازدیاد مینمایند بعدا موضوع کشف میگردد که حکمین در

جریان و وظیفه حکمیت خویش در بدل مبلغ پنج پنج هزار افغانی چنین نظری ابراز نموده اند.

- از نظر شما این عمل حکمین در وصف جرم رشوت میاید و یاخیر؟

ج : تعریف اهل خبره :

اهل خبره چنانچه از نامش هویدا میگردد به اشخاص فنی و مسلکی گفته میشود ، اهل خبره در فقره (۱۲) ماده (۴) قانون اصول محاکمات مدنی چنین تعریف گردیده است :

اهل خبره : اشخاص مسلکی است که در رشته های خاص دارای تخصص ، معلومات یا تجربه کافی باشند .

متن ماده (۱۲) قانون جزا که اهل خبره را در حکم موظفین خدمات عامه محسوب نموده است بخاطریکه پولیس خانونال و محکمه یا هر مرجع دیگری رسمی غرض وضاحت موضوع به نظر ایشان ضرورت دارند و نظر ایشان در تصمیم گیری خانونال و محکمه تاثیر خویش را دارد از همین جهت است که اجراءات قانونی تقاضا مینماید که اهل خبره باید نظر خویشرا بی طرفانه و طبق موازین عدالت ارایه بدارند و از هرگونه امتیاز مادی و معنوی که اضافه از حق الاجرت شان از جانب طرفین دعوی تقدیم میگردد امتناع ورزند و هرگاه امتیازی را از جانب یکی طرفین دعوی بغیر از حق الاجرت خویش اخذ مینمایند در جرم رشوت قابل تعقیب عدلی میباشد.

بعضی از اهل خبره است که مستخدمین رسمی دولت قسم مامور و اجیر دایمی یا قراردادی تعیین شده میباشدند مانند(داکتر طب عدلی ،مسولین کریمالتخنیک و غیره)

دراین صورت ایشان در کتگوری جزء اول(مامورین و اجیران دولت و تصدیهای دولتی، مامورین و اجیران موسسات عامه) می آیند نتیجتاً در هر کتگوری فوق که باشند هرگاه رشوت اخذ مینمایند در جرم رشوت قابل مجازات میباشدند.

در اینجا نیز منحیث تمرین به یک قضیه عملی اشاره خواهیم نمود:

قضیه فرضی (1)

احمد در ولسوالی دامن ولایت قندهار کلنیک طبی خصوصی دارد صابر از جانب عتیق الله مجروح و لت وکوب گردیده که بالاثراً آن مجروح و درحالت بیهوشی به کلنیک احمد انتقال گردیده بود احمد صابر را تحت تدای قرار داده و بعد از ده دقیقه به هوش آمده و تدای سر وپاه شده چون وضعیت کلی او خوب بوده از کلنیک مرخص و توصیه استراحت خانه داده شده بود صابر از احمد خواسته در مقابل

معلومات که محکمه از او خواسته نظر خویش را بشکل ترتیب نماید که وی مدت یک هفته در کلینیک احمد بستر بود و در بدل او صابر به داکتر احمد وعده (۱۰۰۰۰) افغانی را میدهد داکتر احمد قبول مینماید و برای محکمه تحریر مینماید که صابر مدت یک هفته در کلینیک او بستر بود و وضعیت بسیار وخیم داشت - آیا در این قضیه جرم رشوت واقع میگردد و یا کدام وصف دیگر جرمی اختیار مینماید؟

قضیه فرضی (۲)

جان آغا در شفاخانه شخصی بنام رحمن بحیث داکتر ایفا و وظیفه مینماید. یکنفر مصدوم حادثه ترافیکی بنام صابر در لیل که موصوف نوکریوال شفاخانه بود آورده شده بعد از تداوی سر و پا دو باره رخصت گردیده صابر یکماه بعد از حادثه به نزد داکتر جان آمده و بیان داشته که باید در نظر خویش تحریر دارد که صابر از یک سوء قصد مجروح وبه این شفاخانه در حالت مجروحیت آورده شده بود و مدت ده روز در حالت بسیار وخیم بستر بود و بعد از ده یوم با توصیه لازم استراحت منزل از شفاخانه مرخص گردید. داکتر جان آغا برای صابر دو سوال را متوجه مینماید :

۱- توسط تصدیق چی میکند.

۲- در بدل این کار صابر برای داکتر جان آغا چی خواهد داد؟

در پاسخ هردو سوال صابر بیان داشته که اولاً این تصدیق را به یکی از کشورها ی خارج روان میکند تا برای خویش یک قضیه پناهندگی درج نماید. ثانیاً در بدل این کار صابر برای داکتر جان آغا مبلغ (۱۰۰۰۰۰) افغانی میدهد داکتر جان آغا قبول مینماید و چنین تصدیق طبی برای صابر در بدل مبلغ متذکره ترتیب مینماید بعداً قضیه کشف و تحت تعقیب عدلی قرار میگیرد .

در قضیه متذکره سوال مطرح میگردد که:

- این عمل هر دو طرف (داکتر جان آغا و صابر) جرم رشوت است و یا خیر ؟

- آیا داکتر جان آغا در قضیه مطروحه من حیث موظف خدمات عامه با و صف (اهل خبره عرض و جود نموده است و یا خیر؟

د : تعریف شهود :

در ماده (۳۲۱) قانون اصول محاکمات مدنی اگرچه تعریفی از شهود نشده است بلکه تعریف شهادت است اما در این تعریف قید (شهود) نیز وجود دارد که توسط همین قید میتوانیم از آن اطلاق تعریف شهود نیز نمایم صراحت ماده متذکره چنین صراحت دارد.

(شهادت شهود عبارت است از اخبار به حق در مجلس قضاء به لفظ اشهد.)

اگرچه در تعریف فوق به اخبار در مجلس قضاء اشاره داشته است اما به این معنی نیست که در غیر مجلس قضاء شهادت یا شخصی که اداء شهادت میدهد شاهد نیست و این موضوع را ماده (۳۸۴) قانون جزاء تحلیل مینماید. ماده متذکره چنین حکم مینماید :

((شخصی که به منظور شهادت دروغ چیزی را طلب نماید یا بخشش یا وعده آنرا گیرد و یا قبول نماید، او و شخصی که بخشش یا وعده را داده و یا در آن وساطت نموده به جزای پیش بینی شده جرم رشوت یا شهادت دروغ هر يك که شدیدتر باشد، محکوم می گردد.))

ه : سایر اشخاصیکه تصادیق شان معتبر دانسته میشود :

تعریف: عبارت از اشخاصی اند که تصادیق شان از طرف دولت به رسمیت شناخته میشود مانند وکیل گذر.

در این بخش قانون جزا قاعده را عام نموده و اشخاصی را داخل ساخته که تصادیق شان نزد ادارات دولتی به رسمیت شناخته میشود. مانند وکیل گذر هرگاه وکیل گذر بخاطر محل سکونت شخص مبنی بر اینکه آن شخص در ساحه وکالت او زیست مینماید توسط مهر و امضا خویش تصدیق مینماید و آن شخص میخواهد در محکمه وثایق، وثیقه وکالت ترتیب نماید محکمه بنابر تصدیق وکیل گذر در مورد محل سکونت همین شخص در محدوده صلاحیت حوزوی اش اجراءات مینماید.

بعد از معرفی و تعاریف هر کدام از موظفین خدمات عامه میخواهیم به مطلب دیگری اشاره نمایم و آن اینکه رشوت یکنوع فساد اداری است، و در ماده هفتم قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری، بعضی از ادارات را بشکل خاص نیز شامل این قانون ساخته است، نص ماده مذکور چنین تصریح میکند:

(احکام این قانون با رعایت طرز العمل های خاص بالای ادارات و اشخاص ذیل قابل تطبیق است:

۱. ادارات دولتی و عهده های انتخابی

۲. کمیسیون های مستقل

۳. بانک های طرف معامله با دولت

۴. مؤسسات غیردولتی (N.G.Os)، مؤسسات بین المللی و تشبثات خصوصی طرف معامله مالی با دولت در چارچوب میثاق ملل متحد علیه فساد اداری و سایر معاهدات بین المللی.

بناء نظر به صراحت ماده ۷ قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری، هرگاه اشخاص مندرج این ماده مرتکب جرم رشوت شوند، حکم رشوت گیرنده بالای آنها نیز تطبیق میگردد.

خلاصه مطلب اینکه؛ اشخاص مندرج ماده ۱۲ قانون جزاء، موظفین خدمات عامه محسوب میگردند، و ادارات که در ماده (۷) قانون نظارت عالی پیشبینی گردیده است طی فقره (۲) ماده (۱۲) ق- ج در قید مامورین و اجیران مؤسسات عامه میایند.

بخاطر وضاحت بیشتر میخواهیم ماده (۷) قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری را در ضمن چند مثال اشاره نمایم.

مثال اول: ماموری در اداره انتخاباتی ولایت بلخ موظف است تا رأی مردم آن ولایت را که به شاروال موردنظر خویش اعطا نموده اند حساب نماید.

برای مامور متذکره یکتن از کاندیدان شاروالی وعده داده است که اگر شمارش ارا را به نفع او اعلام بدارد برایش بعد از تکیه زدن به کرسی شاروالی پنج نمره اعلی زمین رهایشی در شهر مزار شریف ولایت بلخ میدهد مامور مذکور قبول می نماید و انتخابات را بدون واقعیت به نفع همین کاندید شاروالی به پایان میرساند.

این عمل مامور در قدم اول جرم فساد اداری میباشد ثانیاً در جرایم فساد اداری هم در کتگوری جرم رشوت می آید زیرا که از یکطرف جرم در اداره انتخابی صورت گرفته است و از جانبی هم عمل ارتكابی مامور موظف تحت عناصر متشکله جرم رشوت می آید. که در قسمت بعدی به توضیح عناصر جرم رشوت خواهیم پرداخت.

مثال دوم : محمود در کمیسیون حقوق بشر ایفاً وظیفه می نماید نوید که یکی از همصنفان او در دوران مکتب بوده از او خواسته است تا یک راپور نقض حقوق بشری (نسل کوشی) خلاف واقعیت در قسمت شخصی بنام جانداد را از طریق اداره خویش (کمیسیون حقوق بشر) ترتیب نموده تا از این طریق بتواند او جانداد را در رقابت انتخاباتی ولسی جرگه شکست بدهد ویا او را از لست کاندیدان توسط کمیسیون مستقل انتخابات حذف نماید. محمود به خواسته نوید همصنفی خویش لبیک گفته و بالای جانداد چنین یک راپور ترتیب مینماید .

این عمل محمود جرم فساد اداری در کتگوری جرم رشوت می آید .

مثال سوم : بانک (x) با وزارت تعلیم و تربیه قرار داد نموده است که معاشات معلمین را از طریق این بانک از حساب وزارت معارف به تاریخ (۲۵) هر ما به معلمین اعطا می نماید.

اما بانک (x) بتاريخ متذکره معاشات معلمین مکتب (y) را نمی پردازد واز مسولین مکتب پول تقاضا می نماید که از معاش هر فی نفر معلم مبلغ افغانی برای شان پرداخته شود بعداً معاشات را می پردازند. آیا این عمل بانک رشوت است ویا خیر ؟ با معرفی تمام عناصر جرم رشوت درمیابیم که این عمل بانک چی است .

مثال چهارم : موسسه (NGO) براساس فقره () ماده (5) قانون انجوها باید غیر انتفاعی باشد . اما یکی از موسسات که بر اساس قانون متذکره تاسیس گردیده است در مقابل خدمت خویش پول از مردم اخذ میدارد واز این طریق نفع بیشتر به دست می آورد .

مثال پنجم : عین مثالهای چهار گانه فوق امکان دارد در مورد موسسات بین المللی ، وتشبثات خصوصی طرف معامله مالی با دولت نیز صدق پیدا کند.

جزء دوم: عنصر مادی

عنصر مادی جرم رشوت دارای سه روش میباشد:

۱- عمل - فعل :

الف طلب: همین که موظف خدمات عامه یا اشخاصی که در حکم موظف خدمات عامه هستند، در مقابل اجراء ویا امتناع یا اخلال وظیفه ای که به آن مکلف است، چیزی (مال یا منفعت) طلب کند جرم رشوت متحقق میگردد، خواه به اسم خود طلب کند یا به اسم شخص دیگری.

- و قتیکه موظف خدمات عامه از شخص طرف مقابل چیزی طلب میکند، در برابر دو احتمال قرار میگیرد:

احتمال اول: اگر شخص جانب مقابل طلب موظف خدمات عامه را پذیرفت و مال یا منفعتی را برایش بدهد، و یا وعده بسپارد، در همچو حالت جرم رشوت صورت می یابد.

احتمال دوم: اگر شخص جانب مقابل طلب موظف را نپذیرد، در این حالت آیا موظف خدمات عامه رشوت گیرنده محسوب میگردد؟

قانون جزاء افغانستان این عمل موظف خدمات عامه را ارتکاب جرم میداند، بخاطریکه طلب، عنصر مادی جرم رشوت است، و بوجود آمدن آن، جرم رشوت متحقق میگردد، چون ماده ۲۵۴ قانون جزاء افغانستان تصریح میکند که:

(هرموظف خدمات عامه که بمقصد اجراء یا امتناع و یا اخلاص وظیفه ای که به آن مکلف باشد به اسم خود یا شخص دیگری پول نقد، مال یا منفعتی را طلب نماید..... رشوت گیرنده شمرده میشود)

نص ماده مذکور، طلب را عنصر مادی رشوت دانسته و مرتکب آنرا رشوت گیرنده محسوب کرده است، و پذیرفتن یا نپذیرفتن طرف مقابل را شرط نگذاشته است، (یعنی تحقق جرم رشوت بستگی به ایجاب و قبول (توافق طرفین) ندارد بلکه بمجرد ایجاب "طلب" متحقق میشود.

طلب موظف خدمات عامه بدون قبول جانب مقابل، شروع به جرم رشوت نیست بلکه در حکم ارتکاب آن است چنانچه ماده (۲۶۵) قانون جزاء افغانستان تصریح کرده است که: شروع به جرم رشوت در حکم ارتکاب آن است

همچنان ماده ۲۶۴ قانون جزاء چنین تصریح میکند:

(هرگاه شخصی که از وی رشوت تقاضا شده، مقامات صلاحیت دار را مطلع سازد و به اثر اتخاذ تدابیر مقامات مذکور 30 ثابت گردد که موظف خدمات عامه به این عمل دست زده است، رشوت گیرنده مطابق احکام این قانون مجازات، و اطلاع دهنده بری الذمه شناخته می شود).

ماده فوق الذکر در صورتی صدق میکند که تقاضا از طرف موظف خدمات عامه صورت گرفته باشد، اما اگر اشخاص (ارباب رجوع) خود شان رشوت را به موظف خدمات عامه عرضه کنند سپس مقامات صلاحیت دار را اطلاع دهند، در این صورت ماده فوق صدق نمی کند.

موارد طلب :

- ۱- هدف طلب کننده باید مزاق و شوخی نباشد.
 - ۲- طلب متوجه خود جانب مقابل یا شخص وسیط باشد.
 - ۳- طلب، بشکل شفاهی، کتبی و یا به اشاره می باشد.
 - ۴- طلب خواه برای خود طلب کننده باشد یا برای موظف دیگر، در همچو حالت موظفی که طلب میکند، رشوت گیرنده محسوب میشود نه شریک او.
 - ۵- اگر از طرف موظف خدمات عامه طلب صورت گیرد و جانب مقابل قبول نموده برای موظف وعده آنرا بدهد، و موظف کار او را انجام دهد، سپس شخص جانب مقابل چیز وعده شده را به موظف ندهد، در این صورت آیا صفت رشوت گیرنده و رشوت دهنده بالای آنها صدق میکند؟ بلی صدق میکند، بخاطریکه نص ماده (۲۵۴) قانون جزاء تنفیذ وعده را شرط نگذاشته است.
- ب :- قبول:** قبول موظف خدمات عامه در برابر عرضه رشوت شخص جانب مقابل صورت میگیرد، و بمجرد قبول، میتوان موظف خدمات عامه را رشوت گیرنده، و شخص عرضه کننده را، رشوت دهنده محسوب کرد.
- اگر شخصی چیزی را بعنوان رشوت برای موظف خدمات عامه عرضه کند، اما از طرف موظف قبول نشود، در این حالت چه حکم مرتب می گردد؟
- ماده (۲۶۵) قانون جزاء در زمینه چنین مشعراست:
- (هرگاه شخصی که به وی رشوت عرضه شده، مراجع صلاحیت دار را قبل از اخذ رشوت مطلع سازد، و در نتیجه عرضه کننده بالفعل گرفتار شود، مطابق احکام این قانون مجازات می گردد)

که این حالت یک جرم مستقل تحت عنوان جرم عرضه رشوت بدون قبول آن با در نظر داشت عناصر جداگانه قابل مطالعه میباشد که بطور مفصل بعدا اشاره خواهیم نمود.

ج:- اخذ : گرفتن پول نقد، مال، منفعت و یا بخشش که قبلا روی آن اتفاق صورت نگرفته است، اگر توافق قبلی صورت گرفته باشد در آن صورت دو عنصر فوق الذکر (طلب و قبول) مطرح میشود.

اخذ یا گرفتن کدام شکل خاصی ندارد، امکان دارد دست بدست صورت گیرد یا ذریعه حساب بانکی ارسال گردد که به قبض و اخذ رشوت بشکل حقیقی و یا مجازی اطلاق نمایم .

۲- نتیجه : رشوت از جمله جرایمی است که تحقق نتیجه شرط اکمال جرم نیست بلکه به مجرد تقاضا یا قبول کردن، جرم تکمیل میشود خواه مبلغ مورد رشوت بدست موظف خدمات عامه بیاید یا نیاید. و ماده (۲۶۶) قانون جزاء در زمره چنین حکم می نماید: (شروع به جرم رشوت در حکم ارتکاب آن است) اما جرم قتل از جمله جرایم است که تحقق نتیجه شرط اکمال جرم است، هرگاه نتیجه متحقق نشود جانی مرتکب شروع به جرم قتل شده است نه مرتکب قتل.

هرگاه جرم رشوت منتج به نتیجه گردد در این صورت باید رابطه سببیت که عبارت از (اجرا یا امتناع مخالف قانون) می باشد متحقق گردد چنانچه ماده (۲۶۳) قانون جزا از جرم نتیجوی رشوت بحث می نماید.

(هرگاه رشوت منجر به اتلاف دارائی عامه و یا مفضی به ابطال یا کتمان حق یا احقاق باطل شده باشد، مرتکب به حد اکثر جزای پیش بینی شده ماده (۲۵۴) این قانون، محکوم می گردد.

۳- رابطه سببیت : بخش سببیت از مهمترین بخش عنصرمادی جرم رشوت میباشد، چون وقوع جرم وعدم آن به وجود سبب وعدم آن مربوط است، پس هرگاه ثابت شود که موظف بخاطر بدست آوردن فائده، عملی را انجام داده یا از آن امتناع ورزیده است، مرتکب جرم رشوت شناخته میشود.

پس سبب رشوت عبارت از اجراء عمل یا امتناع از آن میباشد، که به شرح ذیل بیان میشود:- **اجراء عمل وظیفوی:** قانون جزا افغانستان نوعیت عمل وظیفوی را که سبب رشوت شده میتواند مشخص نکرده بلکه ماده ۲۵۴ این قانون عمل وظیفوی را بشکل عام ذکر میکند.

- امتناع از عمل وظیفوی: موظف درمقابل رشوت از انجام دادن عمل وظیفوی خود امتناع میورزد، شرط نیست که امتناع بشکل کلی باشد، بلکه امکان دارد موظف بخاطر مصلحت یک شخص کار را به تأخیر باندازد.

جزء سوم: عنصر معنوی (علم و اراده)

رشوت از جمله جرایم عمدی است، رشوت جرمی است که قصدا صورت میگیرد، وجود عنصر معنوی که عبارت از اراده و قصد است یک امر حتمی میباشد، بناء قصد جزائی رشوت دوجز دارد:

۱:- علم وی براینکه وی موظف خدمات عامه است طلب، قبول و یا اخذ رشوت درمقابل اجرای عمل یا امتناع از آن میباشد یا علم بر تمام روش های (عمل، نتیجه و رابطه سببیت) عنصر مادی جرم داشته باشد.

۲:- متوجه باشد اراده موظف خدمات عامه به طلب رشوت یا قبول و اخذ آن که همین طلب اخذ و قبول بقصد انجام یا امتناع از عمل باشد .

کلمه "قصد" در ماده (۲۵۴ قانون جزاء) صراحتاً ذکر شده است:

متن ماده: (هرموظف خدمات عامه که بمقصود اجراء یا امتناع و یا اخلال وظیفه که به آن مکلف باشد مال یا منفعتی را طلب نماید یا رشوت گیرنده محسوب میشود)

ماده (۳۴ قانون جزاء) قصد جرمی را چنین تعریف کرده است:

(قصد جرمی عبارت است از سوق اراده فاعل به ارتکاب فعلی که جرم را بوجود می آورد به نحوی که منجر به وقوع نتیجه جرم مورد نظر و یا وقوع نتیجه جرم دیگری شود.)

بادر نظر داشت مواد فوق قانونی قصد را میتوانیم به دو بخش تقسیم نمایم :

۱- قصد عام

۲- قصد خاص

تعریف قصد عام: عبارت از متوجه کردن اراده مرتکب است در نحو ارتکاب فعل جرمی ، و این اراده متحقق میگردد زمانی که نزد مرتکب اراده عمل مادی تکوین کننده جرم "اجرا یا امتناع عمل مخالف قانون" همراه با تمام روشهای عنصر مادی جرم موجود گردد. (مانند جرم قتل، سرقت، تزویر .

تعریف قصد خاص: قصد خاص از جمله مسایل پیچیده است بانهم (عبارت از حالت انفسی و داخلی متعلق به نتیجه جرمی نزد مرتکب است یا انگیزه دنی نزد مرتکب است بالای فعل جرمی که پیوست نمی باشد به عمل مادی تکوین کننده جرم .)مانند مرتکب جرم رشوت که موظف خدمات عامه است بر علاوه اینکه قصد عام دارد در عمل جرمی خویش قصد خاص هم دارد که عبارت از نیت تجارت دروظیفه عامه یا نیت خیانت در وظیفه عامه است.

فرق بین قصد عام و قصد خاص :

هرگاه قصد عام منتفی گردد اصلا عمل جرم نبوده و عنصر معنوی عدیم میگردد.

وهرگاه قصد خاص منتفی گردد عمل جرم می باشد لیکن حالت مجازات یا وصف جرمی تغییری نماید چنانچه در جرم رشوت که موضوع بحث ما است ماده (۲۵۶) قانون جزا چنین حکم می کند:

(هرگاه غرض از رشوت ارتکاب فعل جرمی باشد که جزای معینه آن در قانون نسبت به جزای معینه رشوت شدیدتر باشد، رشوت گیرنده، رشوت دهنده و واسطه رشوت علاوه به جزای نقدي معینه رشوت به جزای معینه همان جرم نیز محکوم می گردند.) متن ماده متذکره از قصد خاص بحث نموده است که توسط آن وصف جرمی تغییر مینماید.

بخاطر و ضاحت بیشتر و تفکیک قصد عام از قصد خاص قضیه فرضی ذیلرا به تمرین میگیریم :

قضیه فرضی

خان گل افسر پولیس ظاهر را بالاثر ادعا محمود به ظن جرم سرقت یک عراده موتر نوع کرولا مادل (۲۰۰۷) ملکیت محمود گرفتار می نماید خان گل در محدوده صلاحیت وظیفوی خویش میخواهد تا از ظاهر استنطاق نماید لیکن ظاهر به هیچ صورت اعتراف نمی نماید خان گل افسر پولیس موضوع را به محمود بیان میدارد که ظاهر اعتراف نمی نماید در جواب محمود برای افسر پولیس میگوید که نزد شما راهای دیگر اعتراف از قبیل شکنجه و لت وکوب است علیه ظاهر از آن استفاده نماید . من در بدل این کار شما مبلغ ۲۰۰۰۰ افغانی میدهم خان گل افسر پولیس قبول مینماید و مبلغ متذکره را از محمود اخذ مینماید ودر بدل آن ظاهر را به حد لت وکوب مینماید که بالاثر آن فوت میکند.

در این مثال چون جزای قتل نسبت به رشوت شدید تر است یعنی مرتکب جزای رشوت طبق ماده (۲۵۵) قانون جزابه حبسی که از دو سال کمتر واز ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد اما جزای قتل

طبق مواد (۳۹۵ و ۳۹۶) قانون جزا اعدام یا حبس دوام است بناً خان گل افسر پولیس و محمود طبق مواد متذکره قانون جزا و براساس قاعده قصد خاص که فوقاً اشاره شد قابل مجازات می باشند

جزء چهارم : موضوع رشوت (پول ، مال یا منفعتی را که موظف طلب یا قبول میکند)

ماده (۲۵۴) قانون جزاء افغانستان موضوع رشوت را به این عبارت بیان میکند: "هرموظف خدمات عامه که بمقصد اجراء یا امتناع ویا اخلال وظیفه ای که به آن مکلف باشد به اسم خود یا شخص دیگری پول نقد ، مال یا منفعتی را طلب نماید یا از شخص وعده آنرا گیرد ویا بخششی را قبول کند رشوت گیرنده شمرده میشود".

از نص ماده فوق برمی آید که موضوع رشوت عبارت از پول نقد، مال یا منفعت ویا بخشش است.

در رابطه به موضوع رشوت، مطالب آتی قابل بحث است:

اگر موضوع رشوت (یعنی پول نقد، مال یا منفعت) که موظف خدمات عامه آنرا طلب یا قبول میکند، ناچیز باشد چه حکم دارد، یا اینکه متناسب بودن موضوع رشوت با عملی که موظف انجام میدهد شرط است؟

در زمینه ماده (۲۶۱) قانون جزاء افغانستان چنین تصریح کرده است:

"هرگاه موظف خدمات عامه با داشتن علم به خاصیت جرمی عمل مطابق احکام مندرج مواد (۲۵۴) – (۲۵۸ – ۲۵۹) این قانون قسمت ناچیزی از بخشش یا از منفعتی را بالواسطه قبول نماید ، به حبس یکه از یکسال بیشتر نباشد و به جزای نقدی معادل آنچه که اخذ یا قبول کرده محکوم میگردد".

پس ناچیز بودن موضوع رشوت، جرم رشوت را منتفی نمی سازد لیکن جزاء به حبس کمتر از یکسال تخفیف می یابد، طوری که نص ماده فوق مشعر است.

چطور میتوان میان چیز و ناچیز بودن رشوت تمیز کرد؟

این مسأله به اجتهاد قاضی ارتباط می گیرد.

ذکر کلمه "منفعت" در نص ماده ۲۵۴ قانون جزاء؛ (هرموظف خدمات عامه که بمقصد اجراء یا امتناع و یا اخلال وظیفه ای که به آن مکلف باشد به اسم خود یا شخص دیگری پول نقد، مال یا منفعتی را طلب نماید ... رشوت گیرنده شمرده میشود).

آیا هدف قانونگذار تنها منفعت مادی است، یا اینکه منفعت غیرمادی نیز در آن شامل می باشد؟

البته که منفعت خواه مادی باشد یا غیرمادی، موضوع جرم رشوت واقع شده میتواند، چون قانونگذار کلمه "منفعت" را بطور مطلق ذکر کرده و میان منفعت مادی و غیرمادی فرق نگذاشته است.

بطور مثال: اگر موظف خدمات عامه در مقابل اجرای عمل وظیفوی یا امتناع از آن، از شخص جانب مقابل عمل زنا را مطالبه نماید، یا این عمل برایش عرضه شود، یا شخص وسیط قرار گیرد، و یا حالات دیگری که قابل تصور است...

اگر جانب مقابل یا موظف این تقاضا را قبول کند، آیا وصف رشوت گیرنده، رشوت دهنده یا واسطه رشوت، بالای آنها تطبیق میشود یا خیر؟، اگر شخص جانب مقابل این تقاضا را قبول نکند، آیا موظف خدمات عامه رشوت گیرنده محسوب می شود یا خیر؟

در مثال فوق الذکر، آیا رشوت گیرنده یا رشوت دهنده به ارتکاب جرم رشوت مجازات میشوند یا به ارتکاب جرم زنا، یا به هر دو جزاء؟

به ماده ۲۵۶ توجه فرمائید:

(هرگاه غرض از رشوت ارتکاب فعل جرمی ای باشد که جزای معینه آن در قانون نسبت به جزای معینه رشوت شدیدتر باشد، رشوت گیرنده، رشوت دهنده و واسطه رشوت، علاوه به جزای نقدی معینه رشوت به جزای معینه همان جرم نیز محکوم میگردد)

مثال دیگر منفعت غیرمادی: اینکه شخص جانب مقابل برای موظف خدمات عامه وعده دهد که یکی از اقارب وی را در یک وظیفه خوب مقرر میکند، یا اینگونه وعده های غیرمادی دیگر.

همچنان مشروع بودن موضوع رشوت (یعنی مال یا منفعتی که موظف خدمات عامه طلب یا قبول میکند)، شرط نیست که مشروع باشد یا غیر مشروع، مثلاً اگر برای مامور موظف خدمات عامه، یک نمره زمین غصب شده وعده شود، یا چند بوتل شراب، یا مقداری مواد، یا عمل زنا چون نص ماده ۲۵۴

مال و منفعت و بخشش را بطور مطلق ذکر کرده، اوزامشروع یا غیرمشروع بودن آن چیزی تصریح نکرده است.

جزء پنجم : مجازات جرم رشوت

جزایهای اصلی :

طبق ماده ۲۵۵ قانون جزای افغانستان، رشوت گیرنده به حبسی که از دو سال کمتر و از ده سال بیشتر نباشد، و به جزای نقدی معادل آنچه که بحیث رشوت طلب یا برایش داده شده و یا به آن وعده داده شده محکوم میگردد، و اعضای پارلمان، شاروالی، جرگه های ولایتی و محلی مندرج ماده ۲۵۹ قانون جزاء و سایر ادارات و اشخاص مندرج ماده هفتم قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری که در حکم موظفین خدمات عامه هستند، به همین جزاء محکوم میباشند، و نظریه اختلاف حالات، امکان تشدید و تخفیف را دارد، و در بعضی حالات تبریہ کننده صورت میگیرد، که ذیلا بیان میشود:

حالات مشدده : در بعض موارد حالات مشدده تطبیق میشود، منجمله :

ماده ۲۵۶ قانون جزاء افغانستان: (هرگاه غرض از رشوت ارتکاب فعل جرمی باشد که جزای معینه آن در قانون نسبت به جزای معینه رشوت شدیدتر باشد رشوت گیرنده، رشوت دهنده، و واسطه رشوت علاوه به جزای نقدی معینه رشوت به جزای معینه همان جرم نیز محکوم میگردد.)

ماده ۲۶۳ قانون جزاء افغانستان: (هرگاه رشوت منجر به اتلاف دارائی عامه و یا مفضی به ابطال یا کتمان حق یا احقاق باطل شده باشد، مرتکب به حد اکثر جزای پیش بینی شده ماده (۲۵۴) این قانون محکوم میگردد.)

حالات مخففه : در بعضی موارد حالات مخففه تطبیق میشود، منجمله :

ماده (۲۵۸) قانون جزاء، موظف خدمات عامه را به حبس متوسط و جزای نقدی محکوم میکند، و حبس متوسط نظریه صراحت ماده ۱۰۱ قانون جزاء از یک الی پنج سال میباشند، در حالیکه جزای اصلی از دو الی ده سال است.

حالت دیگر تخفیف، در ماده (۲۶۱) قانون جزاء صریح شده است: (هرموظف خدمات عامه که قسمت ناچیزی از بخشش یا از منفعتی را قبول نماید، جزای او به حبسیکه از یکسال بیشتر نباشد، تخفیف میشود.)

حالت تبرئه کننده: ماده (۲۶۵) قانون جزاء چنین تصریح نموده است: (هرگاه شخصیکه به وی رشوت عرضه شده مراجع صلاحیت دار را قبل از اخذ رشوت مطلع سازد و در نتیجه عرضه کننده بالفعل گرفتار شود مطابق احکام این قانون مجازات میگردد).

جزاءهای تکمیلی: این جزاء شامل مصادره اموال عرضه شده و نشر حکم قطعی میباشد: **مصادره:** در این باره ماده (۲۶۲) قانون جزاء چنین تصریح میکند: (در تمام حالات مندرج این فصل به مصادره آنچه که رشوت دهنده یا واسطه رشوت عرضه نموده، حکم کرده میشود).

نشر حکم: ماده (۲۶۷) قانون جزاء: (حکم قطعی محکمه مبنی بر محکومیت شخص به جزای رشوت، نشر می شود)

رشوت دهنده و واسطه رشوت: رشوت دهنده و واسطه رشوت به عین جزای رشوت گیرنده محکوم میگردند، فقره (۲) ماده (۲۵۵) قانون جزاء در زمینه چنین تصریح میکند: (رشوت دهنده و واسطه رشوت به عین جزای مندرج فقره فوق محکوم میگردد).

قضیه فرضی

عبدالله در یکی از ادارات دولتی ایفای وظیفه میکند، و مسئولیت دارد تا اوراق مراجعین را چک نموده و در صورتیکه صحت داشته باشد تایه کند، روزی یکی از مراجعین به دفتر عبدالله آمده و میخواست اوراق خویش را به تایه برساند، عبدالله به ادای نماز رفته بود، شخصی بنام داوود نیز در این دفتر بصفت کمپیوتر کار ایفای وظیفه مینماید، شخص مراجعه کننده برای داوود گفت: اوراق من بعضی نواقص دارد اگر شما لطف نموده از همکار تان (عبدالله) خواهش کنید تا اوراق من را تایه کند، ممنون شما خواهم بود، داوود گفت: اگر برایم پول میدهید چاره کار شما میشود، شخص مراجعه کننده موافقه نمود، داوود خود تایه را از روک میز عبدالله گرفته و اوراق وی را تایه کرد، درهمین لحظه عبدالله به دفتر داخل شد و داوود را در انتهای تایه کردن دید. عبدالله موضوع را به اطلاع مقامات رسانیده و در نتیجه داوود تحت پیگرد قانونی قرار گرفت و به جرم خود اعتراف کرد.

- شما بصفت خازنوال تحقیق آیا داوود را رشوت گیرنده می شمارید؟

قضیه فرضی

جمال رئیس یک شرکت خصوصی بمنظور اجرای کار خود برای موظف خدمات عامه وعده سپرد که پسر او را در شرکت مربوطه اش شامل وظیفه میسازد، موظف مذکور این وعده را قبول، و کار مورد نظر رئیس شرکت را اجراء کرد. رئیس شرکت از وعده خود خلاف ورزیده و پسر موظف مذکور را شامل وظیفه نکرد، در یکی از روزها موظف به دفتر رئیس شرکت رفته می خواست علت خلاف ورزی رئیس را جویا شود، همین بود که مشاجره لفظی میان موظف دولت و رئیس شرکت اوج گرفت و نزدیک بود که باهم درگیر شوند، رئیس شرکت فوراً به پولیس تماس گرفت و خواهان کمک شد، پولیس به محل حاضر گردیده و هردو را به ماموریت پولیس برد، و علت منازعه را جویا شد، هر دو نفر علت اصلی منازعه را صادقانه اظهار کردند.

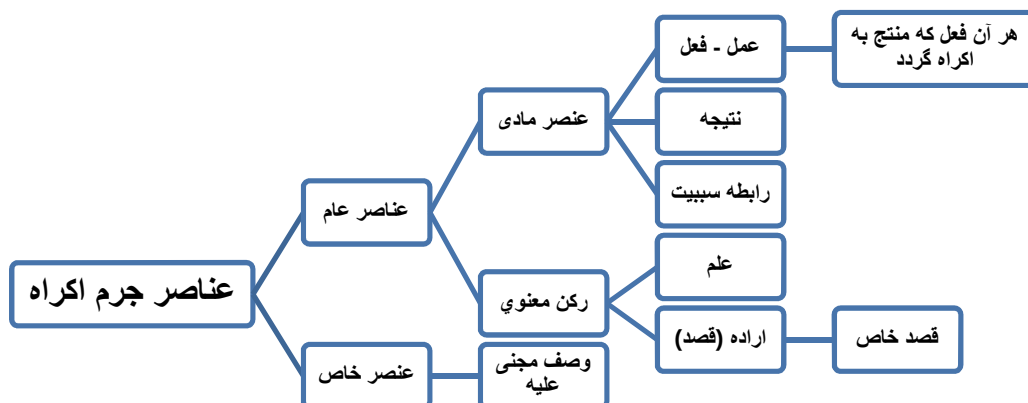
شما به صفت خارنوال در این قضیه چگونه تصمیم اتخاذ می نمائید.

مطلب دوم : جرم اکراه موظف خدمات عامه :-

متن ماده (۲۵۷) قانون جزا: (شخصیکه موظف خدمات عامه را از طریق اکراه مادی یا معنوی به ادائی کار ناحق مجبور سازد یا مانع اجرای یکی از مکلفیت های وظیفه او گردد و یا باعث اخلال در آن شود در حکم رشوت گیرنده محسوب و به جزای معینه آن محکوم میگردد).

از تعریف فوق واضحاً معلوم میگردد که در جرم متذکره اکراه منحیث یک رکن براننده است که از جرم رشوت آنرا تفکیک مینماید و همچنان در قید اخیر آن تذکر یافته است که عمل ارتكابی در حکم رشوت است نه عین رشوت روی همین خصیصه است که می خواهیم به عناصر متشکله این جرم اشاره نمائیم.

عناصر متشکله جرم اکراه: عناصر متشکله جرم اکراه که ملحق به جرم رشوت میباشد قرار ذیل است:



جزء اول:- وصف مجنی علیه:

مجنی علیه جرم از جمله موظفین خدمات عامه مندرج ماده (۱۲) قانون جزاء میباشد که قبلاً بحث مفصل آن ذکر گردید.

جزء دوم :- عنصر مادی (عمل- نتیجه - رابطه سببیت)**الف - عمل (فعل)**

هر آن فعلیکه منتج به اکراه از جانب فاعل جرم گردد. این اکراه امکان دارد مادی باشد و یا هم معنوی که چگونگی اکراه مادی و معنوی را ضمن دو مثال واضح میسازیم.

مثال اول : اکراه مادی توسط عملی انجام میشود که مادتهاً بشکل فزیکى قابل ملاحظه و دید باشد مانند احمد مامور برق شرکت بریشنا بوده و محمود اورا تهدید مینماید که هر گاه برای او یک لین برق به منزلش ندهد او را بقتل میرساند چون عمل قتل فزیکى و مادی قابل لمس و دید میباشد از این جهت درکتگوری اکراه مادی به شمار میاید.

مثال دوم : اکراه معنوی بر عکس اکراه مادی حالتی است که عمل فاعل قابل لمس نبوده و عنصر فزیکى وجود ندارد مانند اینکه در عین مثال احمد از جانب محمود تهدید میگردد که هرگاه به خواسته اولبیک نگوید آمر احمد از جمله دوستان او بوده و توسط آمر احمد او را تبدیل بست ماموریت مینماید و یا هم منفک مینماید.

ب - نتیجه :- اکراه است که بسبب آن اجراء کار ناحق یا عدم اجرا مکلفیت وظیفوی یا اخلال در وظیفه موظف خدمات عامه صورت میگیرد

ج- رابطه سببیت :- طرق اکراه مادی و معنوی که از جانب غیر بالای موظف خدمات عامه وارد میگردد که همین طرق باعث نتیجه (اکراه) میگردد و رابطه سببیت را بین عمل (هر آن فعل) و نتیجه (اکراه) تشکیل میدهد.

جزء سوم :- عنصر معنوی

علم :- عبارت از علم مرتکب به روشهای ثلاثه عنصر مادی جرم مبنی براینکه مرتکب اکراه بالای موظف خدمات عامه از قبیل اجراء ، امتناع و یا اخلال وظیفوی میشود. و اراده قصد شخص مرتکب مبنی بر عمل جرمی اش میباشد.

قصد و اراده :- مرتکب باید بداند که عمل او یکنوع اکراه است که بالای موظف خدمات عامه وارد میکند تا موظف خدمات عامه عملی را برای او اجراء کند یا از اجرای عملی امتناع ورزد و یا خللی در عمل وارد کند. همچنان از رابطه سببیت بین فعل اکراه و نتیجه آگاه باشد یا بداند که نتیجه ای بدست آمده به سبب فعل اکراه بوده که اول بالای موظف خدمات عامه وارد کرده است. بدین ترتیب جانی باید عمل اکراه خود را با اراده آزاد وارد کرده باشد.

بمجرد اینکه مرتکب بالای موظف خدمات عامه اکراه وارد میکند با این عمل وی جرم به اتمام می رسد خواه نتیجه بدست آید یا خیر، و جانی مرتکب جرم تام شناخته میشود نه مرتکب شروع به جرم. جرم وارد کردن اکراه بالای موظف خدمات عامه بمنظور اجرای عمل یا امتناع از اجرای عمل یا اخلال در آن، ایجاب قصد خاص را میکند چون مرتکب این عمل را بقصد تحقق نتیجه معین انجام میدهد.

جزء چهارم مجازات جرم :-

جزاء اصلی :- در متن ماده (۲۵۷) قانون جزاء در قسمت این جرم اشاره داشته که شخص مرتکب به مجازات جرم رشوت مجازات میشود.

بربنیاد ماده (۲۵۵) ق ج حبس که ازدو سال کمتر وازده سال بیشتر نباشد و به جزاء نقدی معادل آنچه که بحیث رشوت مطالبه کرده باشد.

در متن ماده متذکره مجازات از دو سال الی ده سال پیشبینی گردیده است کمتر از نصف حد اکثر را میتوانیم در حالت مخففه محسوب نمایم و بیشتر از آنرا در حالت مشدده که محکمه نسبت به حالت و احوال قضیه با در نظر داشت ثقلت و خفت جرم تصمیم خواهد گرفت.

جزای تکمیلی:

نشر حکم :- و هرگاه محکمه صواب ببیند و یا خارنوال پیشنهاد نموده باشد طبق ماده (۱۲۰) قانون جزا به نشر حکم بعد از قطعیت حکم نیز مرتکب مجازات میگردد.

قضیه فرضی

صابر که خائنوال است تحقیق قضیه اختلاس پنج ملیون دالر را در اداره (X) به پیش میبرد درحین پیش برد قضیه ازجانب کریم خان که ریس اداره متذکره است تهدید میگردد که اگر در این قضیه پای او را دخیل سازد او را بقتل میرساند

صابر خائنوال به تهدید او کدام اعتنای ننموده کریم خان بخاطر اینکه نشان دهد درتصمیم خویش جدی است بالای صابردر مسیر دفتر الی منزلش حمله قاتلانه مینماید صابر از این حمله جان به سلامت برده است .

شما منحيث خائنوال تحقیق درقضیه تهدید صابر تعین شدید، چگونه قضیه را از نظر عنا صر متشکله جرم اکراه موظف خدمات عامه ،جرم تهدید ویا جرم اقدام به قتل بررسی مینمائید؟

بخاطر حل این قضیه به ماده (۲۵۶ - ۴۳۳ - ۳۹۵) بادر نظر داشت ماده (۲۹) قانون جزا مراجعه نمائید .

مطلب سوم : جرم مکافأة لاحقة (بخشش بعد از انجام کار)

متن ماده (۲۵۸) قانون جزا: (هرگاه موظف خدمات عامه دربرابر انجام وظیفه به اسم خود یا به اسم شخص دیگری چیزی را طلب نمائید یا از شخصیکه از لحاظ وظیفه کاری بوی انجام داده بخشش اخذ یا قبول نمائید و یا بمنظور گرفتن بخشش دریکی از مکلفیت های و ظیفوی خود بعد از انجام کار خللی وارد نمائید و یابدون موافقه قبلی به قصد گرفتن مکافات از آن امتناع ورزد و یا خللی در آن وارد نمائید.....))

براساس تعریف فوق واضح میگردد که موظف خدمات عامه بعد از انجام وظیفه که به آن مکلف بوده به اسم خود و یا به اسم شخص دیگری چیزی طلب مینمائید در کتگوری جرم مکافات لاحقه قابل مجازات بوده واز این جهت به جرم مکافات لاحقه معروف گردیده که مکافات بعدا از انجام عمل متحقق و بدست میاید.

عناصر متشکله جرم مکافات لاحقه :-

جزء اول :- وصف مرتکب :- مرتکب فعل جرمی موظف خدمات عامه باشد

جزء دوم : عنصر مادی: عنصر مادی جرم مکافات لاحقه دارای سه روش میباشد:

الف - عمل وفعل:- (طلب ، قبول ، اخذ) عبارت از طلب قبول یا اخذ کردن منفعت برای خود ویا برای شخصی دیگری است .

ب - نتیجه :- اداء امتناع یا اخلال را در اجراء وظیفه که به آن مکلف است وارد مینمائید.

ج - رابطه سببیت :- ارتباط بین فعل اخذ ، قبول یا طلب عمل را که موظف خدمات عامه به صاحب حاجت اداء نموده است. منتج به نتیجه جرمی میگردد که عبارت است از اداء امتناع یا اخلال در اجراء وظیفه .

جزء سوم : عنصر معنوی

عبارت از علم و اراده شخصی مرتکب به این است که او موظف خدمات عامه است و مکلف به اجراء این وظیفه قانوناً بدون کدام مکافات مادی و معنوی میباشد.

وقصد (خاص) مرتکب (موظف خدمات عامه) عبارت از تجارت در وظیفه و خیانت در آن است.

فرق بین جرم رشوت و مکافات لاحقه:-

فرق میان دو جرم فوق الذکر این است که در جرم مکافات لاحقه مسأله تجارت دروظیفه منتفی است چون تجارت وقتی مطرح میباشد که موظف خدمات عامه اجرای عمل را بخاطرگرفتن رشوت به تأخیر باندازد یا امتناع از اجرای عمل ویا اخلال را. اما در اخذ بخشش یا مکافات لاحقه این مسأله مطرح نیست بلکه موظف خدمات عامه عمل را انجام داده است یا ازعملی امتناع ورزیده یا درآن اخلال وارد کرده است.

جزء چهارم :- مجازات جرم مکافات لاحقه (بخشش بعد از انجام کار)

۱- جزای اصلی:- در ماده (۲۵۸) قانون جزاء برای مرتکب این جرم جزاء اصلی پیشبینی گردیده که مرتکب مستوجب مجازات حبسی متوسط و جزاء نقدی معادل آنچه طلب ویا و عده شده محکوم میگردد. (هرگاه موظف خدمات عامه دربرابر انجام وظیفه به اسم خود یا به اسم شخص دیگری چیزی را طلب

نمائید یا از شخصیکه از لحاظ وظیفه کاری بوی انجام داده بخشش اخذ یا قبول نمائید و یا بمنظور گرفتن بخشش در یکی از مکلفیت های و وظیفوی خود بعد از انجام کار خللی وارد نمائید و یا بدون موافقه قبلی به قصد گرفتن مکافات از آن امتناع ورزد و یا خللی در آن وارد نمائید، به حبس متوسط و جزا نقدی معادل آنچه که طلب بخشش و یا وعده شده محکوم میگردد.))

در متن ماده (۲۵۸) قانون جزا حبس متوسط و جزا نقدی برای مرتکب پیشبینی گردیده است .

حبس متوسط مجازات اصلی است که از یکسال الی پنج سال میباشد. بنا جزا کمتر از دو سال و شش ماه را در تخفیف مجازات محسوب مینمائیم و بیشتر از آنرا در مجازات مشدده محسوب نمایم. که در نفس ماده متذکره هم جزا مشدده وجود دارد و هم جزا مخففه.

۲- جزای تکمیلی :

مصادره: در این باره ماده (۲۶۲) قانون جزاء چنین تصریح میکند:

(در تمام حالات مندرج این فصل به مصادره آنچه که رشوت دهنده یا واسطه رشوت عرضه نموده، حکم کرده میشود.) مع ملاحظه أن المصادرة تستلزم ضبط مقابل الرشوة

نشر حکم: ماده (۲۶۷) قانون جزاء:

(حکم قطعی محکمه مبنی بر محکومیت شخص به جزای رشوت، نشر می شود)

قضیه تمرینی

کبیرخان به جرم غصب یک قطعه زمین دولتی متهم گردیده بود، قضیه مذکور توسط دیوان جزای محکمه ابتدائیه ولایت (R) تحت بررسی قرار گرفت، محکمه بنا بر عدم وجود دلایل کافی الزام، حکم مبنی بر برائت کبیرخان را صادر کرد، و خاړنوال به این حکم قناعت نمود. کبیرخان یک پایه کمپیوتر لپتاپ برای رئیس دیوان جزای محکمه ابتدائیه ولایت (R) بخشش داد. موضوع به خاړنوالی رسید، رئیس نامبرده در اثنای تحقیق گفت: او با کبیرخان راجع به کمپیوتر مذکور هیچ نوع توافق قبلی نکرده بود، و کبیرخان نیز هیچ نوع وعده ای به او نداده بود، بلکه کبیرخان این کمپیوتر را بعد از صدور حکم بطور بخشش برای من داده است، این موضوع به رشوت هیچ ارتباط ندارد.

- شما بصفت خاړنوال تحقیق در این قضیه چگونه تصمیم میگیرید

ماده ۲۵۴ و ۲۵۸ قانون جزاء شما را در حل قضیه کمک مینماید)

قضیه تمرینی

جمال رئیس یک شرکت خصوصی بمنظور اجرای کار خود برای موظف خدمات عامه وعده سپرد که پسر او را در شرکت مربوطه اش شامل وظیفه میسازد، موظف مذکور این وعده را قبول، و کار مورد نظر رئیس شرکت را اجراء کرد.

رئیس شرکت از وعده خود خلاف ورزیده و پسر موظف مذکور را شامل وظیفه نکرد، در یکی از روزها موظف به دفتر رئیس شرکت رفته می خواست علت خلاف ورزی رئیس را جویا شود، همین بود که مشاجره لفظی میان موظف دولت و رئیس شرکت اوج گرفت و نزدیک بود که باهم درگیر شوند، رئیس شرکت فوراً به پولیس تماس گرفت و خواهان کمک- شد، پولیس به محل حاضر گردیده و هردو را به ماموریت پولیس برد، و علت منازعه را جویا شد، هر دو نفر علت اصلی منازعه را صادقانه اظهار کردند.

- شما به صفت خائنوال در این قضیه چگونه تصمیم درمورد وصف جرمی اتخاذ می نمائید؟

مطلب چهارم: جرم اعمال نفوذ

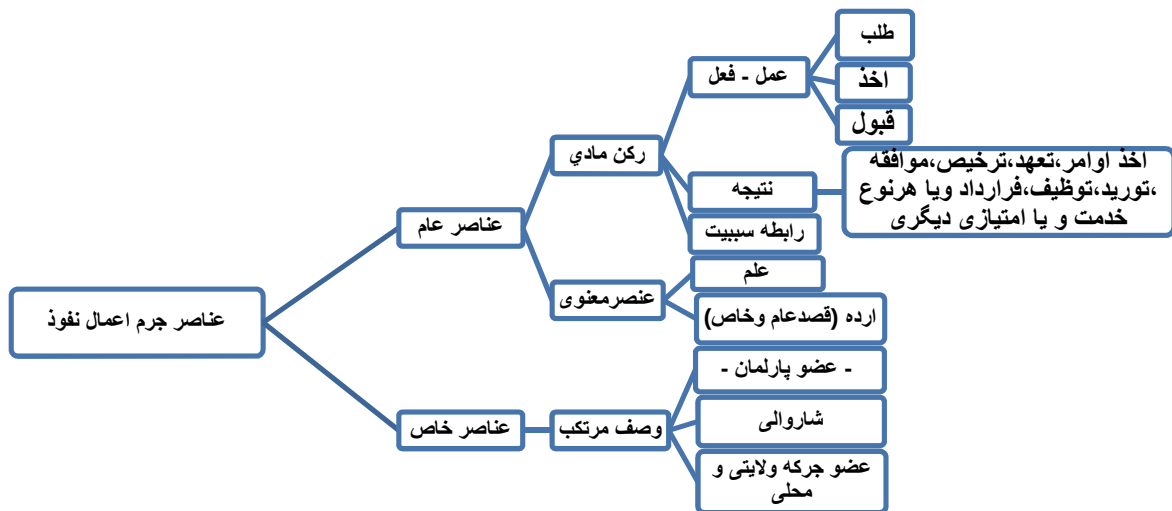
این جرم نیز از جرائم ملحقه جرم رشوت میباشد از همین جهت در کتگوری فصل جرم رشوت احکام برای مرتکبین آن وجود دارد. که در قدم اول به تعریف آن بعداً به عناصر آن اشاره خواهیم نمود .

متن ماده (۲۵۹) قانون جزا :- (هرگاه عضو پارلمان، شاروالی، جرگه های ولایتی و محلی چیزی را برای خود و یا شخصی دیگر طلب نمائید یا وعده آنرا قبول نمائید و یا بخشش اخذ کند و به این منظور اعمال نفوذ نموده از مقامات با صلاحیت خدمات عامه احکام، قرار، اوامر، تعهد ترخیص، موافقه، توريد، توظيف، قرارداد و یا هر نوع خدمت و یا امتیازی دیگری را حاصل نمائید. در حکم رشوت گیرنده محسوب شده)

بر اساس تعریف فوق از کتگوری موظفین خدمات عامه که در ماده (۱۲) قانون جزاء تعیین گردیده بعضی آنها را در این تعریف خاص ساخته بمنظور اینکه این اشخاص دارای صلاحیت اعمال نفوذ هستند که آنها عبارت اند از اعضاء پارلمان، جرگه های ولایتی و محلی میباشند و همچنان ایشان از طریق انتخابات به این مسند رسیده میباشند و دارای نفوذ مردمی نیز میباشند روی این اصل است که از نظر عناصر متشکله جرم جدا از جرم رشوت مورد بحث قرار میگیرد اما چنانچه در تعریف ذکر شد در حکم

جرم رشوت میباید بناً وقتیکه در حکم جرم رشوت باشد مجازات جرم رشوت بالای مرتکب تطبیق میگردد.

عناصر متشکله جرم اعمال نفوذ:-



جزء اول : وصف و خصوصیت مرتکب :-

ماده ۲۵۹ بگونه انحصاری ذکر شده است و نه بگونه مثال، یعنی فقط اعضای پارلمان، جرگه های ولایتی و محلی را شامل میشود.

جزء دوم : عنصر مادی:-

الف - عمل و فعل :- طلب ، قبول ، اخذ کردن

ب - نتیجه :- حصول کردن احکام ، قرارها، اوامر، تعهد، ترخیص ، موافقه ، توريد ، توظيف ، قراردادها و یا هر نوع خدمت و امتیازی دیگری.

ج - رابطه سببیت :- رابطه اعمال نفوذ توسط طلب ، قبول و اخذ کردن بسبب بدست آوردن احکام قرارها، اوامر، تعهد، ترخیص، موافقه ، توريد ، توظيف ، قرارداد

جزء سوم: عنصر معنوی:-

این جرم ایجاب قصد عام و قصد خاص را میکند.

قصد عام : علم - اراده (قصد)

علم :- هریک از اشخاص مندرج ماده ۲۵۹ باید از عناصر قانونی، مادی و معنوی جرم اعمال نفوذ آگاه باشد یعنی بداند که اعمال نفوذ بالای موظف خدمات عامه در قانون جرم پنداشته شده است، و بداند که اعمال نفوذ او بالای موظف خدمات عامه بمنظور حاصل نمودن قرار ، اوامر ، تعهد ترخیص ، موافقه ، توريد ، توظيف ، قرارداد و یا هر نوع خدمت و یا امتیازی دیگری بخاطری است که او چیزی را برای خود و یا شخصی دیگر طلب کرده است یا وعده آنرا قبول کرده و یا بخششی را اخذ نموده است. و همچنان از رابطه سببیت بین فعل و نتیجه آگاه باشد یعنی نتایج بدست آمده به سبب عملی است که او انجام داده.

اراده (قصد) :- مرتکب درحالت صحت ادراک عقل بدون اکراه مرتکب عمل جرمی گردد.

قصد خاص : عبارت از تلاش جانی به مقصد حاصل نمودن قرار ، اوامر ، تعهد ترخیص ، موافقه ، توريد ، توظيف ، قرارداد و یا هر نوع خدمت و یا امتیازی دیگری.

جزء چهارم : مجازات جرم اعمال نفوذ :-

۱- جزای اصلی :- چون این جرم نیز از جمله جرایم ملحقه جرم رشوت میباشد بناً مجازات آن نیز در حکم مجازات رشوت بوده چنانچه در تعریف به آن اشاره نمودیم یعنی شخصی مرتکب به مجازات جرم رشوت محکوم میگردد.

طبق ماده (۲۵۵) به حبس که از دوسال کمتر و از ده سال بیشتر نباشد.

۲- جزای تکمیلی :-

مصادره : در این باره ماده (۲۶۲) قانون جزاء چنین تصریح میکند:

(در تمام حالات مندرج این فصل به مصادره آنچه که رشوت دهنده یا واسطه رشوت عرضه نموده، حکم کرده میشود.)

نشر حکم : مطابق ماده (۱۲۰) قانون جزاء بر اساس صوابدید محکمه و یا پیشنهاد خائنوال فیصله قطعی محکمه نشر میگردد.

قضیه فرضی

جانباز وکیل ولسی جرگه است از محمود باشند ولایت..... مبلغ ۵۰۰۰۰ /افغانی اخذ و قبض نموده بمنظور اینکه اورا بحیث ریس در اداره مقرر می نماید بخاطر متحقق شدن این هدف خود ،احمد را که در کمسیون مستقل اصلاحات اداری بحیث مسول همین بخش کار مینماید تحت فشار و تهدید قرارداده تا زمینه را برای تقرر جانباز فراهم سازد ،هرگاه چنین اجراءات ننماید او را از اداره توسط رئیس او منفک خواهد نمود.

احمد بخاطریکه دایما اجراءات قانونی مینمود.

تهدید و فشار جانباز وکیل پارلمان که ذریعه تیلفون قرار داده بود آنرا ثبت نموده بود به خائنوالی شکایت نموده است .

موضوع تحت تحقیق قرار گرفته است.

- شما منحیث خائنوال در این قضیه برای دریافت واقعیت چی اجراءات در جریان تحقیق مینماید؟

مطلب پنجم : جرم عرضه کردن رشوت بدون قبول آن:

(هرگاه شخص رشوت را عرضه کند ولی از طرف موظف خدمات عامه قبول نگردد، رشوت دهنده بحبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم می گردد.) ماده ۲۶۰ قانون جزا

در متن ماده فوق تصریح گردیده هرگاه یک شخصی برای موظف خدمات عامه رشوت را عرضه بدارد واز جانب موظف خدمات عامه قبول نگردد . بناً درقسمت یک جانب عمل جرمی محسوب میگردد .

فرق عمده جرم متذکره با جرم رشوت درقسمت (ایجاب و قبول) می باشد چراکه در جرم رشوت ایجاب از جانب راشی و قبول از جانب مرتشی می باشد اما در جرم عرضه کردن رشوت بدون قبول آن چنانچه از وصف آن معلوم میگردد جرم ایجابی می باشد و قول قبول درآن وجود ندارد .

همچنان جرم عرضه کردن رشوت بدون قبول آن وجوه افتراق دیگر نیز با جرم رشوت دارد که در بخش عناصر متشکله این جرم واضح خواهد شد

عناصر متشکله جرم عرضه رشوت بدون قبول :

جزء اول: وصف معروض علیه: یکی از عناصر بسیار عمده است که جرم رشوت را با این جرم تفکیک مینماید زیرا که در جرم رشوت این عنصر در حصه مرتکب (رشوت گیرنده موظف خدمات عامه می باشد)

اما در این جرم موظف خدمات عامه رشوت را اخذ، طلب و قبول نمی نماید بلکه آنرا رد می نماید درحالیکه از جانب راشی ووسیط برای موظف خدمات عامه رشوت عرضه گردیده میباشد که درمورد به متن ماده (۲۶۰) قانون جزا مراجعه مینمایم .

(هرگاه شخص رشوت را عرضه کند ولی از طرف موظف خدمات عامه قبول نگیرد، رشوت دهنده بحبس.....)

در متن ماده فوق واضح بوده که هرگاه برای موظف خدمات عامه رشوت عرضه گردد لیکن از جانب او قبول نگردد صرفاً شخص راشی مجازات میگردد .

جزء دوم : عنصر مادی : عنصر مادی جرم عرضه رشوت بدون قبول آن دارای سه روش مادی میباشد که عبارت اند از:

الف - عمل - فعل : عرضه کردن عمل رشوت از جانب راشی یا وسیط بقول صریح باشد یا ضمنی روش عمل متذکره متحقق میگردد

زیرا که راشی یا وسیط در عمل ارتكابی خویش میخواهد تا موظف خدمات عامه را تحت تاثیر مادی قرار دهد که بالوسیله آن نفع بردارد. عرضه رشوت باید جدی باشد که توسط آن ذمه موظف خدمات عامه را خریداری نماید یعنی موظف خدمات عامه را به اجرا یا امتناع و یا اخلال در وظیفه تشویق نماید .
عرضه رشوت بطور صریح و ضمنی را میتوانیم در دو مثال واضح سازیم :

مثال عرضه رشوت توسط قول صریح: ظاهر بخاطر اخذ تذکره به نزد مامور موظف بنام طاهر رفته و به طاهر واضحاً بیان داشته که او یک تذکره دارد و در آن سن او (۲۰) ساله است میخواهد تذکره دیگری اخذ نماید که دارای سن (۲۵) ساله باشد تا بدین وسیله به انتخابات ولسی جرگه راه پیدا نماید و در بدل این کار او برای طاهر مبلغ (۲۰۰۰۰) افغانی میدهد یا مبلغ متذکره را بدست طاهر میدهد طاهر از گرفتن پول ابا میورزد و طاهر را به پولیس تسلیم مینماید.

مثال عرضه رشوت بطور ضمنی: خالد به شاروالی ولایت..... مراجعه مینماید تا امر یک نمره زمین رهائشی را خذ نماید نزد مامور موظف شاروالی مراجعه نموده همراه با عریضه خویش یک پاکت سر بسته که در آن مبلغ (۲۰۰۰۰) افغانی است به مامور موظف تقدیم نموده است مامور موظف که پاکت را باز مینماید میبیند که پول است آنآ به پولیس زنگ میزند و خالد از جانب پولیس گرفتار میگردد.

ب - نتیجه: عدم قبول جزئی از فعل است، وقتی متحقق میشود که عدم قبول از طرف موظف صورت گرفته باشد، عدم قبول نتیجه جرم نیست لیکن یک روش سلبی یا منفی در عنصر مادی است.

این روش یک روش عمده در عنصر مادی جرم عرضه رشوت بدون قبول آن بحساب میاید زیرا که توسط همین روش جرم متذکره با جرم رشوت تام تفکیک میگردد و هرگاه از جانب موظف خدمات عامه رشوت عرضه شده قبول گردد ایجاب و قبول از هر دو جانب متحقق میگردد که تحت گتگوری جرایم تام میاید و اگر عرضه رشوت از جانب موظف خدمات عامه قبول نگردد تنها ایجاب کننده توسط عمل جرمی خویش مجازات میگردد که این جرم در کتگوری جرایم ناقص بنابر عدم قبول جانب مقابل (موظف خدمات عامه) میاید.

این موضوع نیز از متن ماده (۲۶۰) قانون جزا استنباط میگردد.

(هرگاه شخص رشوت را عرضه کند ولی از طرف موظف خدمات عامه قبول نگردد، رشوت دهنده بحبس.....)

حالت دیگری نیز در ماده (۲۶۵) قانون جزا صراحت دارد که چنین حکم مینماید:

(هرگاه شخصی که به وی رشوت عرضه شده مراجع صلاحیت دار را قبل از اخذ رشوت مطلع سازد و در نتیجه عرضه کننده بالفعل گرفتار شود، مطابق احکام این قانون مجازات می گردد.)
ماده متذکره حالت گرفتاری بالفعل راشی را در صورت عدم قبول رشوت از جانب موظف خدمات عامه و اطلاع دهی به موقع موظف خدمات عامه از ارتکاب جرم در محدوده وظیفوی اش بیان میدارد.

اطلاع دهی موظف خدمات عامه از جرایم در ساحه وظیفوی اش در جمله مکلفیت هایشان بشمار می آید چنانچه در مورد فقره (۲) ماده (۲۱) قانون اجراءات جزائی موقت چنین حکم میکند.

(کارکنان دولتی مکلف اند از ارتکاب هر نوع جرم که در حین اجرا وظیفه مطلع میشوند، به خانونال ابتدائیہ راپور دهند)

بنابر صراحت ماده فوق اینکه به موظف خدمات عامه رشوت عرضه میگردد باید مامورین ضبط قضائی را در جریان قرار بدهند تا شخص مرتکب جرم عرضه رشوت بدون قبول آن گرفتار و موضوع توسط مرحله تحقیق ثابت و شخص مرتکب مجازات گردد .

جزء سوم : عنصر معنوی : جرم عرضه رشوت بدون قبول آن از جمله جرائم عمدی بوده که در آن علم و اراده شرط حتمی میباشد

از همین جهت است که معروض علیه (موظف خدمات عامه) نسبت نبودن علم و اراده او مجازات نمیکرد.

در مورد قصد عام و قصد خاص قبلاً تفصیلات توضیحی داده شد ، در جرم عرضه رشوت بدون قبول آن قصد عام وجود دارد یعنی مرتکب به قصد اراده آزاد خویش در حالیکه علم به تمام عناصر متشکله جرم عرضه رشوت بدون قبول آن دارد مرتکب همین جرم میگردد.

بطور مثال یکی از عناصر جرم عرضه رشوت بدون قبول آن (وصف معروض علیه) است هرگاه راشی یا وسیط به این وصف معروض علیه که (موظف خدمات عامه) است علم داشته باشد عنصر معنوی جرم متذکره متحقق میگردد.

قضیه عملی

جمشید میخواهد تا یک سیم کارت شبکه تلفونی روشن را خریداری نماید به نزد غرفه فروش سیمکارت میرود میبیند که نزد غرفه بسیار زیاد ازدحام است چون موصوف عجله دارد به شخصی بنام تیمور که به حیث اجیر از جانب شبکه تلفونی در بخش گارد محافظتی تعین گردیده مبلغ (۲۰۰) افغانی به گونه رشوت میدهد تا برای او سیم کارت بدون نوبت بدهد تیمور گارد به این تقاضا جمشید لبیک نگفته است و به او جواب زشت داده است که بالاثربین ایشان مشاجره لفظی صورت گرفته که پولیس مداخله نموده و جويا احوال شده است تیمور موضوع را حکایه نموده که از جانب جمشید نیز تائید گردیده است پولیس جمشید را گرفتاری و به خاړنوالی سپرده است .

- شما منحيث خاړنوال در این قضیه چی اجراءات مینماید؟

جزء چهارم : مجازات جرم عرضه کردن رشوت بدون قبول آن :

۱- **جزا های اصلی :** حینیکه یک عمل در جامعه جرم دانسته شود در قبال خویش مجازات دارد چون عمل جرمی متذکره نیز با مطالعه که فوقاً داشتیم در ردیف جرایم قرار میگیرد . بناً برای جرم عرضه کردن رشوت بدون قبول آن نیز در قانون مجازات اصلی پیشبینی گردیده است (۲۶۰) قانون جزا چنین تصریح گردیده است .

(هرگاه شخص رشوت را عرضه کند ولی از طرف موظف خدمات عامه قبول نگردد، رشوت دهنده بحبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم می گردد.)

۲- **جزاهای تکمیلی :** در جرم رشوت بر علاوه جزاهای اصلی جزا های تکمیلی نیز وجود دارد که عبارت اند از:

الف: مصادره : در تمام مباحث که گذشت در بخش جزا تکمیلی از مصادر بحث نمودیم بنا لازم دیدیم تا تعریف از مصادر داشته باشیم .

تعریف مصادره: مصادره از نظر لغوی، یعنی مال کسی را به زور ضبط کردن، جریمه، تاوان و بازگیری است.

واز نظر اصطلاحی: (مصادره عبارت است از استیلاى دولت بر تمام یا قسمتی از دارایی موجود محکوم علیه به موجب حکم محکمه.)

بنابر تعریف فوق که برای مصادره اشاره شد در جرم عرضه رشوت بدون قبول آن چون مبلغ یا شی برای موظف خدمات عامه تقدیم گردیده اما از جانب موظف خدمات عامه قبول نگردیده بناً مبلغ یا شی متذکره وسیله ارتكابی جرم میباشد و به غرض ارتكاب جرم مهیا گردیده است همین مبلغ منحصراً جزا از ملکیت محکوم علیه خارج و به ملکیت خزینه دولت داخل میگردد.

اگرچه قاعدتاً ملکیت شخص بر اساس حکم قانون اساسی از تعرض مصون است اما در عین قاعده استثنا نیز وجود دارد که صراحتاً در ماده (۴۰) قانون اساسی به آن اشاره شده است

(ملکیت از تعرض مصون است. هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی شود ، مگر در حدود احکام قانون. ملکیت هیچ شخص ، بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت مصادره نمی شود.)

در متن ماده فوق نیز به حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت در مورد مصادره اشاره گردیده است . یعنی ماده (۴۰) قانون اساسی نفی میکند هر آن اخذ ملکیت شخص که حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت نباشد .

بادر نظر داشت قاعده فوق قانونی اینک طبق (۲۶۲) حکم قانون جزا به مصادره مبلغ یا شی عرضه شده اشاره مینمایم که چنین حکم مینماید :

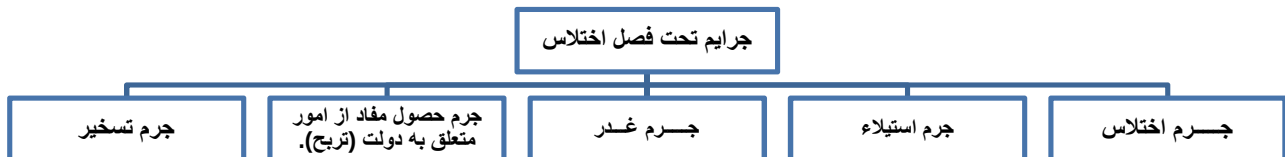
(در تمام احوال مندرج این فصل به مصادره آنچه که رشوت دهنده یا واسطه رشوت عرضه نموده حکم کرده می شود.)

ب : نشر حکم : مقنن افغانستان در جرم عرضه رشوت بدون قبول آن بر علاوه مجازات اصلی در کتگوری مجازات تکمیلی نشر حکم را نیز پیشبینی نموده است اگرچه متن ماده قانون که در این مورد ارشاد دارد در مورد جرم رشوت میباشد اما جرم عرضه رشوت بدون قبول آن نیز از جمله جرم رشوت میباشد که در یک عنصر که قبلاً اشاره شد باهم مختلف میگردند که عبارت از عدم قبولی موظف خدمات عامه است بناً جزا نشر حکم در ماده (۲۶۷) بعد از قطعیت حکم صورت میگیرد ماده متذکره چنین حکم مینماید :

(حکم قطعی محکمه مبنی بر محکومیت شخص به جزای رشوت نشر می شود.)

مبحث دوم:

جرایم تحت فصل جرم اختلاس



در جرایمی که تحت فصل اختلاس در قانون جزاء طی فصل چهارم کتاب دوم باب اول تذکر یافته و در برگیرنده مواد (۲۶۸ الی ۲۷۴) میباشد جرایم ذیل تصنیف بندی گردیده است.

- ۱- جرم اختلاس
- ۲- جرم استیلاء
- ۳- جرم غدر
- ۴- جرم حصول مفاد از امور متعلق به دولت (تربیح).
- ۵- جرم تسخیر

که به هر کدام آن از نظر تعریف ، عناصر متشکله جرم و مجازات آن در این مبحث خویش جاه داده ایم .

مطلب اول : جرم اختلاس:-

به منظور جلوگیری از سوء استفاده های کارمندان دولت از سرمایه و اموال در اختیارشان و تضمین هر چه بیشتر منافع دولت؛ قانونگذار فصل چهارم قانون جزاء از مواد ۲۶۸ الی ۲۷۴ را تحت عنوان جرایم اختلاس و غدر، اختصاص داده و برای مرتکبین آن جزاهای را پیشبینی کرده است.

متن ماده (268) قانون جزاء:- (هرموظف خدمات عامه که اموال دولت یا اموال افراد را که منحیث وظیفه به اوسپرده شده اختلاس یا پنهان نماید به حبس طولیکه از ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.)

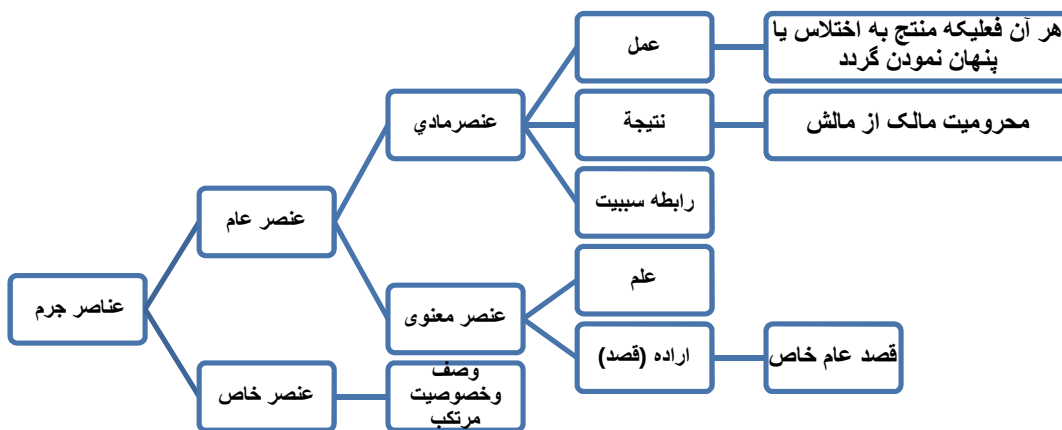
در تعریف فوق به دو موضوع عمده اشاره شده است (اموال دولت و اموال افراد) منحیث وظیفه سپرده شده باشد.

و همین اموال اختلاس و یا پنهان شود وصف جرم اختلاس صدق مینماید

جرم اختلاس در در حقیقت جرم خیانت در امانت است صرفاً با این عنصر با هم جدا میشوند که جرم اختلاس از جانب موظف خدمات عامه صورت میگیرد لیکن جرم خیانت در امانت توسط شخصی صورت میگیرد که دارای وصف موظف خدمات نباشد.

هر دو جرم از حیث مادی گشتاندن مرتکب حیازت ناقص را به حیازت کامل و تام و قایم میگرد از حیث عنصر معنوی به متوجه شدن اراده بخاطر تغیر نیت مرتکب از حیازت ناقص مال به حیازت کامل مال

عناصر جرم اختلاس :-



جزء اول : وصف و خصوصیت مرتکب :

ارتکاب جرم اختلاس توسط کسی امکان پذیر است که از آن به (موظف خدمات عامه یا شخص در حکم وی) تعبیر شده است.

به طور کلی اوصاف و خصوصیات افراد تأثیری در مسئولیت جزایی آنان ندارد و طبق اصل تساوی مجازاتها، همه افراد علی السویه در مقابل قانون مسئولند و در صورت ارتکاب جرم، مجازات خواهند شد؛ ولی در پاره ای از موارد، قانون گذار بعضی از جرایم را در مورد افراد خاصی چون موظفین خدمات عامه و اشخاصی که در حکم آنها اند، پیش بینی کرده است که این نحوه از قانون گذاری از دو وجه خالی

نیست؛ یا اینکه وصف و خصوصیت مرتکب به عنوان یک کیفیت مشدده یا مخففه لحاظ شده، یا به عنوان شرطیکه می تواند در تحقق جرم موثر باشد.

لذا یکی از شرایط موثر در تحقق جرم اختلاس این است که مرتکب، موظف خدمات عامه یا شخصی در حکم وی باشد؛ اما موظف خدمات عامه کیست؟ و شخصی در حکم موظف خدمات عامه چه فردی را شامل می شود؟

اول: مفهوم موظف خدمات عامه: در رابطه به مفهوم موظف خدمات عامه قبلاً در جرم رشوت توضیحاتی ارائه نمودیم، میتوانید به آن مراجعه نمایید.

در اینجا بطور خلاصه اشخاصی را که در خصوص جرم اختلاس می توان موظف خدمات عامه محسوب داشت عبارتند از:

۱. مامورین و اجیران دولت و تصدیهای دولتی.

۲. مامورین و اجیران موسسات عامه.

۳. اعضای ارکان دولت و جرگه های ولایتی و محلی.

۴. وکیل مدافع، حکم، اهل خبره، شهود، و سایر اشخاصی که تصادیق شان معتبر شناخته شود. (ماده ۱۲ قانون جزاء).

بنابراین کسانی که در هر یک از ادارت فوق الذکر به کار و فعالیت اشتغال دارند مستخدم دولت محسوب می شوند، اعم از این که رابطه استخدامی و کاری آنها به صورت رسمی یا قراردادی باشد، روز مزد و غیره، البته در این خصوص نوع سمت و عنوان و انتخابی بودن مستخدم تأثیری ندارد.

دوم: مفهوم شخص در حکم موظف خدمات عامه: اشخاصی که در حکم موظف خدمات عامه هستند عبارتند از:

۱- اعضای پارلمان، شاروالی، جرگه های ولایتی و محلی (ماده ۲۵۹ قانون جزاء).

۲- کارمندان عهده های انتخابی

۱- کارمندان کمیسیون های مستقل

۲- کارمندان بانک های طرف معامله با دولت

۳- کارمندان مؤسسات غیردولتی (N.G.Os)، مؤسسات بین المللی و تشبثات خصوصی طرف معامله مالی با دولت در چارچوب میثاق ملل متحد علیه فساد اداری و سایر معاهدات بین المللی. (ماده ۷ قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری).

جزء دوم :- عنصر مادی:

الف : عمل : در جرم اختلاس هر آن عمل و فعل که مرتکب در خلال وظیفه سلطه عامه بالای اموال دولت و افراد انجام میدهد ، خصیصه جرم اختلاس اینست که تغیر نیت مرتکب است به گشتاندن حیات مال دولت و افراد به حیات شخصی

به عباره دیگر اینکه مأمور دولت که مالی بر حسب وظیفه به او سپرده شده، آنرا تصاحب و به آن برخورد مالکانه نماید .

سوال مطرح میگردد که آیا جرم اختلاس شروع دا رد و یا خیر ؟

جواب ارایه میگردد که جرم اختلاس نیز مانند جرم رشوت به مجرد نیت قاطع مرتکب به اکتساب حیات تام ملکیت دولت و افراد که منحیث وظیفه به او سپرده شده است عمل جرمی تکمیل میگردد. مثلاً هرگاه موظف خدمات عامه که مال دولت منحیث وظیفه به او سپرده شده است به مجرد گرفتن مال و بردن آن غرض فروش به بازار اما نسبت عدم موجودیت خریدار به فروش نرسیده و دوباره مال اختلاس شده را به اداره میاورد و در جای گاه آن قرار میدهد . اگر به در قواعد عام به ماده (۲۹) قانون جزا مراجعه نمایم در اینجا جرم در حالت شروع به حساب میاید اما در جرم اختلاس شروع در جرم نبوده بلکه به مجرد اختلاس اموال دولت یا افراد جرم اختلاس واقع میگردد اگرچه نتیجه جرمی بدست نامده است. خلاصه اینکه به مجرد انجام فعل و عمل اختلاس جرم تام اختلاس واقع میگردد.

ب : نتیجه : نتیجه اختلاس محرومیت مالک و صاحب مال از مال است و همین وضع ، زیانی است که به مالک وارد می آید، هرچند که در نتیجه استرداد یا پرداخت خسارت، جبران شود، اعم از آنکه مرتکب یا دیگری منتفع شده باشد یا نه.

بنابراین، جرم اختلاس، جرمی است مقید و از این حیث تحقق آن نیاز به نتیجه ندارد و نتیجه در این جرم ، ضرر و زیانی است که به مالک و صاحب مال که اصولاً دولت یا موسسات عمومی یا افراد هستند وارد

می شود، به عبارت دیگر، محرومیت دولت یا موسسات عمومی از اموالی که در اختیار کارمند و مستخدم خویش قرار داده اند نتیجه ای است که بر اختلاس مترتب میشود.

ج : رابطه سببیت:-

بین رفتار ارتكابی شخص و نتیجه حاصله، رابطه سببیت وجود داشته باشد، در صورت فقدان این رابطه فرد را میتوان به عنوان مختلس مورد تعقیب قرار داد. زیرا که در جزء فعل اختلاس اشاره نمودیم که مجرد فعل اختلاس جرم کامل میباشد و از جمله جرائم نتیجهجوی نمیشود.

برای مثال : اگر کارمندی، مالی را در بکس دستی خود قرار دهد تا آنرا از اداره خارج سازد، ولی در همین هنگام فرد دیگری موقعیت را غنیمت شمرده، بکس را بر باید یا اینکه بکس از مکان بلندی پائین افتاده، کالای موجود در آن از بین برود، محرومیت مالک از مالش محقق گردیده، ولی بین این نتیجه و رفتاری که از کارمند سر زده است رابطه سببیت وجود ندارد.

ولی به آنهم میتوان او را مختلس محسوب داشت. به علت اینکه مختلس فعل را انجام داده است قبلاً متذکر شدیم که در جرم اختلاس نتیجه شرط نیست پس زمانیکه نتیجه شرط نیست رابطه سببیت هم شرط نیست. اما در جرائم نتیجهجوی (سرقت ، قتل ، قناع الطریقی) در چنین جرائم نتیجه شرط میباشد برای جرم کامل و در صورت عدم تحقق نتیجه جرائم فوق کامل نبوده و به مجرد تحقق عمل و فعل جرم ناقص (احکام شروع در جرم) تحقق پیدا مینماید و ماده (29) قانون جزاء قابل رعایت میگردد .

موضوع جرم اختلاس:- اموال منقول است و آیا اموال غیرمنقول هم میتواند موضوع جرم اختلاس باشد یا نه؟ اختلاف نظر وجود دارد.

تعریف مال : ماده (۴۷۲) قانون مدنی مال را چنین تعریف نموده است :

(مال ، عبارت است از عین و یا حقیقه نزد مردم قیمت مادی داشته باشد)

سوال مطرح میگردد که موضوع جرم اختلاس اموال منقول قرار میگیرد یا غیر منقول.

اما اگر به ماده (۲۶۸) قانون جزا افغانستان از نظر تحلیلی بنگریم که چنین صراحت دارد:

(هرموظف خدمات عامه که اموال دولت یا اموال افراد را که منحیث وظیفه به اوسپرده شده اختلاس یا پنهان نماید.....)

بر علاوه سایر قیودیکه در ماده فوق قید گردیده است، قید از اموال نیز تذکر یافته است (اموال دولت یا اموال افراد) در اینجا مال بشکل عام و مطلق ذکر گردیده است که هم مال منقول و هم مال غیر منقول را در بر میگیرد. اما اگر به قید دیگر ماده متذکره توجه نمایم (اختلاس یا پنهان) از اموال منقول و غیر منقول صرفاً اموال منقول را خاص مینماید زیرا که تصور اختلاس و پنهان مال صرفاً در اموال منقول امکان دارد در اموال غیر منقول اصلاً تصور پنهان کردن وجود ندارد.

بطور مثال برای اموال غیر منقول میتوانیم و صف اختلاس را چنین بدهیم (احمد معتمد که یک عراده موتر نوع کرولا (۲۰۰۷) کانادائی ملکیت اداره احصائیه مرکزی که در جمع او قید بود اختلاس و به فرش رسانیده است).

اما هرگاه عوض موتر نوع کرولا که از جمله اموال منقول است یک جریب زمین که از جمله اموال غیر منقول است ذکر نمایم برای آن نمیتوانیم وصف جرم اختلاس اطلاق نمایم برای آنها بادر نظر داشت عناصر متشکله جرم استیلا و یا غصب اطلاق میگردد.

بنابر تحلیل که فوقاً تذکر یافت از نظر قانون جزا افغانستان جرم اختلاس صرفاً در اموال منقول صورت گرفته میتواند نه در اموال غیر منقول

جزء سوم:- عنصر معنوی :-

۱- علم : رتکب علم داشته براینکه او موظف خدمات عامه است و مال که به او تسلیم شد از طریق وظیفه به او تسلیم داده شده است. و همچنان مرتکب علم داشته باشد به تمام روش های عنصر مادی جرم اختلاس.

۲- اراده (قصد) : اراده جرمی عبارت از این است که اقدامات کارمند مذکور، با قصد جرمی همراه باشد. خواه قصد عام باشد یا قصد خاص چون اختلاس از جرایم عمدی بشمار میرود و در عنصر معنوی وضعیتی مشابهه با جرم خیانت در امانت دارد، عنصر معنوی این جرم مرکب از علم مرتکب به عدم استحقاق خود، و عمد او نسبت به انجام عمل است. در اختلاس نیز مرتکب باید :

اولاً: این که مال به او متعلق نیست و حق مداخله در آن را ندارد علم و آگاهی داشته باشد. بنابراین در صورتیکه مرتکب به تصور آنکه مال به او تعلق دارد آن را مورد تصرف مالکانه قرار دهد، نمیتوان او را به عنوان مختلس مورد تعقیب قرار داد. ثانیاً : باید نسبت به انجام دادن عمل و نیز وارد کردن ضرر به دولت، عمد و قصد داشته باشد؛ یعنی قصد عام و قصد خاص داشته باشد.

- عمد مرتکب به انجام دادن عمل، یعنی قصد برداشت و تصاحب به قصد عام اطلاق میگردد.

- عمد مرتکب در ضرر زدن به دولت به قصد خاص اطلاق میگردد.

بنابراین برای تحقق اختلاس باید مرتکب هم دارای قصد سوء نیت عام باشد و هم در قصد سوء نیت خاص، واگر ثابت شود که در ارتکاب عمل فاقد این دو حالت معنوی بوده، عمل او را نمیتوان اختلاس به حساب آورد.

هرگاه قصد عام متحقق نگردد اصلاً عمل جرم نمیشود.

هرگاه قصد خاص متحقق نگردد وصف جرمی تغییر میابد.

چنانچه در بحث رشوت قصد عام و قصد خاص را توضیح دادیم برای معلومات بیشتر به آن مراجعه گردد. اما برای توضیح این بخش به دو مثال ذیل اشاره مینمایم.

مثال عدم موجودیت قصد عام :

عبدالقادر معتمد پول نقد ولسوالی امام صاحب ولایت کندوز است پول معاشات مامورین را از مستوفیت ولایت متذکره تسلیم نموده است به علت رخصتی سه یوم پی در پی و نارامی ولسوالی پول معاشات را میخواهد به خانه خویش ببرد ولسوال ولسوالی را نیز در جریان قرار میدهد ولسوال نیز با او قبول مینماید و ولسوال رهسپار منزل خویش که در کابل موقعیت دارد میشود.

معتمد هم بعد از حساب نمودن پولها آنها را در بکس دستی خویش جابجا نموده در حین خارج شدن از ولسوالی پهره دار دروازه ولسوالی او را متوقف میسازد و در حین تلاشی بکس او پول معاشات را میبیند و او را به جرم اختلاس به خائنوالی معرفی مینماید.

خائنوال بعد از تحقیقات همه جانبه میبیند که عبدالقادر معتمد در قبال قضیه سوء قصد عام (قصد تصاحب) ندارد موصوف را رها نموده چون اصلاً جرم واقع نگردیده دوسیه را هم حفظ مینماید

مثال عدم موجودیت قصد خاص :

زاهد در یکی از ادارات دولتی معتمد جنسی است در جمع او موترهای همین اداره قید است در بین موترها یک موتر تونس نیز موجود میباشد که از جانب یکی از موسسات خارجی به همین اداره بلاعوض اهدا گردیده است موتر متذکره توقف است زیرا که موترهای کافی برای حل مشکل اداره وجود دارد، زاهد موتر تونس را برای پسر خویش خالد میدهد تا توسط آن در لین شهری کار کند و از طرف شب موتر را دو باره به اداره انتقال دهد در اینجا قصد خاص زاهد ضرر رساندن به دولت است اما به نحو قصد عام

تصاحب کردن موتر نیست از همین جهت است که زاهد معافیت جزائی ندارد بلکه تغیر وصف جرمی از اختلاس به جرم غدر میگردد.

خلاصه: هرگاه غرض از ضرر رساندن در مثال فوق تصاحب موتر تونس باشد وصف جرم اختلاس صدق پیدا میکند.

و هرگاه غرض از ضرر رساندن در مثال فوق تصاحب موتر تونس نباشد استفاده از املاک عامه به نفع شخصی و آنهم در صورت که من حیث وظیفه به عمل حفظ منافع دولت موظف خدمات عامه مکلف باشد جرم غدر میباشد. بخاطر معلوم بودن موضوع به ماده (۲۷۰) قانون جزا که جرم غدر را پیشبینی نموده است اشاره مینمایم:

(۱- هر موظف خدمات عامه که در يك عقد یا عمل و یا قضیه به حفظ منافع دولت مکلف باشد به منظور حصول منفعت برای خود و یا برای شخص دیگری منافع مذکور را طور کلی متضرر سازد، به حبس طویلی که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

۲- اگر ضرر مندرج فقره فوق جزئی باشد مرتکب حسب احوال به حبس متوسط یا قصیر محکوم می گردد).

در اینجا بحث اضافی جرم غدر را نمی نمایم زیرا که جرم غدر در بخش جداگانه بعدی ذکر میگردد.

جزء چهارم: مجازات جرم اختلاس

۱- جزای اصلی:-

حالت مخففه: فقره ۱ ماده ۲۶۸ قانون جزاء، درمورد جزا اصلی جرم اختلاس چنین حکم میکند

(هر موظف خدمات عامه که اموال دولت یا اموال افراد را که من حیث وظیفه به او سپرده شده اختلاس یا پنهان نماید به حبس طویلی که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردد).

حالت مشدده: فقره ۲ ماده ۲۶۸ (اگر جرم مندرج فقره ۱ این ماده را خزانه دار، تحویلدار، مامور تحصیلی، صراف، مامور بطرول، مامور شکر، گدامدار، معتمدین نقدی و جنسی و موظفین ارزاق یا سایر اشخاصی که من حیث وظیفه به حفاظت اشیای اختلاس شده و یا پنهان شده مکلف باشند مرتکب گردند، به حبس طویل محکوم می گردند).

۲: جزای تبعی: هرگاه شخص مرتکب جرم اختلاس به حکم قطعی یا نهائی محکمه محکوم به حبس بیش از ده سال حبس شود چنانچه فقره (۲) ماده (۲۶۸) به حبس طویل را در صورت حالت مشدده اشاره داشته است که در بر گیرنده حبس بیشتر از ده الی پانزده سال نیز میباشد طبق حکم ماده (۱۱۳) قانون

جزا از اجرا وظایف مندرج همین ماده نیز محروم می‌گردد که از جمله وظایف یکی هم وظیفه ماموریت دولتی است

موظف خدمات عامه که به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه محکوم می‌شود بعد از اعاده حیثیت طبق احکام قانون اجراء جزائی مجدداً به ماموریت یا خدمت دولت پذیرفته می‌شود. در مورد (فقره ۳ ماده ۲۶۸ قانون جزاء) چنین حکم مینماید (موظف خدمات عامه که به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه محکوم می‌شود، بعد از اعاده حیثیت طبق احکام قانون اجراء جزائی مجدداً به ماموریت یا خدمت دولت پذیرفته می‌شود).

3: جزاهای تکمیلی :

حرمان از بعضی حقوق: فرق این بخش از مجازات تکمیلی با مجازات تبعی اینست که در مجازات تبعی بدون اینکه محکمه در حکم خویش تصریح کند بالای مجرم خود به خود مجازات تبعی تطبیق می‌گردد مشروط بر اینکه حکم محکمه به حبس بیش از ده سال باشد.

اما در این بخش از مجازات تکمیلی محکمه در حکم خویش تصریح میکند به حرمان بعضی از حقوق بطور مثال طرد از مسلک چنانچه در مورد فقره (۲) ماده (۲۷۳) قانون جزاء حکم مینماید .

(شخصی که به حبس بیش از سه سال محکوم می‌گردد به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه نیز محکوم می‌گردد.)

عین مطلب تحت عنوان محرومیت محکومین به فساد اداری از کار در ادارات دولتی، در فقره (۲) ماده (۱۵) قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری، نیز چنین تصریح شده است: (اشخاصی که به اتهام جرایم فساد اداری به حبس بیشتر از سه سال الی ده سال محکوم می‌گردند، از تاریخ ختم مجازات برای مدت دو سال به حیث کارکن در ادارات دولتی یا کاندید عهده های انتخابی پذیرفته نمی‌شود).

فقره (۱) ماده (۲۷۳) قانون جزاء حالت دیگری را پیش بینی مینماید که در کتگوری مجازات تکمیلی می‌آید که چنین حکم مینماید

(مجرم علاوه به جزای معینه ، به رد مال و جزای نقدی معادل اموال اختلاس شده یا آنچه که از مال دولت تحت تصرف خود در آورده نیز محکوم می‌گردد).

در متن ماده استرداد مال به عنوان مصادره نمی باشد بلکه رد مال میباشد که در اینجا تبصره کوچکی در مورد مصادره ورد مال به عرض میرسانیم :

الف: تعریف مصادره

مصادره از نظر لغوی، یعنی مال کسی را به زور گرفتن. از نظر اصطلاح: (مصادره عبارت است از استیلاي دولت بر تمام یا قسمتی از دارایی موجود محکوم علیه به موجب حکم محکمه)

ب: تعریف رد مال

رد در لغت به معنی باز گردانیدن است

از نظر اصطلاح: (عبارت از باز گردانیدن مال به حکم محکمه که محکوم علیه از طریق جرم آثر بدست آورده است)

درمورد فقره (۱) ماده (۶) قانون جزا نیز صراحت دارد (شخصیکه مطابق احکام این قانون مجازات میشود اگر از طریق جرم مالی را بدست آورده باشد برد عین آن و اگر مال موجود نباشد برد مثل یا قیمت آن بمالکش محکوم میگردد).

بنابر تعاریف که فوقاً اشاره شد معلوم میگردد که مصادره و رد مال از هم تفاوت دارد، فرق و تفاوت عمده آنها قرار ذیل میباشد.

۱- در مصادره ملکیت و دارائی شخصی، شخص که وسیله ارتکاب، استعمال جرم یا تهیه شده باشد برای ارتکاب جرم به خزینه دولت تعلق و مصادره میگردد

۲- در رد مال ملکیت مال از شخص مرتکب نمی باشد بلکه از مالک آن از طریق غیر مشروع استحصال ذوی الیدی نموده است که در این صورت این چنین ملکیت مصادره نمی گردد هرگاه چنین ملکیت مصادره گردد عدالت تامین نمیگردد زیرا که در تعریف مصادر قید گذاشتیم که استیلاي دولت بالای مال صورت میگیرد هرگاه این مال از فرد باشد دولت در آن بنابر اصل قاعده (مصونیت ملکیت شخص) حق تصاحب و تملک را ندارد.

مطلب دوم: جرم تصرف مالکانه بر ملکیت های دولت :-

متن ماده (269) قانون جزا: (هرموظف خدمات عامه که پول، اوراق بهادار، امتعه یا سایر اموال ملکیت دولت را بدون حق تحت تصرف مالکانه خود در آورده به حبس متوسط محکوم می گردد).
 فرق بین جرم اختلاس و استیلاء را میتوان در دو مورد ذیل تفکیک نمود.

- ۱- جرم اختلاس مثل جرم خیانت در امانت است اما با وصف مرتکب از هم تفکیک میشوند.
- ۲- جرم استیلاء در اصل مثل جرم سرقت است اما در این جرم نیز با وصف مرتکب باهم تفکیک و تمیز میشوند.

عناصر جرم استیلاء:-



جزء اول : وصف و خصوصیت مرتکب

(هرموظف خدمات عامه که پول، اوراق بهادار، امتعه یا سایر اموال ملکیت دولت را بدون حق تحت تصرف مالکانه خود درآورده.....)

متن تعریف فوق می رساند که جرم استیلاء یا تصرف مالکانه بر ملکیت زمانی مطرح میشود که این عمل را موظف خدمات عامه مرتکب شود.

اگر یک شخص عادی که موظف خدمات عامه یا درحکم موظف خدمات عامه نباشد، بر ملکیت دولت مستولی یا تصرف مالکانه نماید، این نوع جرم تحت باب سرقت یا خیانت در امانت گنجانیده خواهد شد.

اگرچه در بحث رشوت موضوع موظفین خدمات عامه به تفصیل در ضمن مثال ها و قضیه بحث شد در اینجا به بحث تفصیلی آن تکرار را اشاره نمی نمایم اما صرف ذکر از موظفین خدمات عامه را می نمایم.

نظریه صراحت ماده ۱۲ قانون جزاء، اشخاصی که موظفین خدمات عامه محسوب می شوند قرارذیل اند:

۱- مامورین واجبران دولت و تصدیهای دولتی.

۲- مامورین و اجیران موسسات عامه.

۳- اعضای ارکان دولت و جرگه های ولایتی و محلی.

۴- وکیل مدافع، حکم، اهل خبره، شهود، و سایر اشخاصی که تصدیق شان معتبر شناخته شود.

و نظریه ماده ۲۵۹ قانون جزاء، و ماده ۷ قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری، اشخاصی که در حکم موظفین خدمات عامه محسوب میشوند قرار ذیل اند:

۱- اعضای پارلمان، شاروالی، جرگه های ولایتی و محلی.

۲- ادارات دولتی و عهده های انتخابی

۳- کمیسیون های مستقل

۴- بانک های طرف معامله با دولت

۵- مؤسسات غیردولتی (N.G.Os)، مؤسسات بین المللی و تشبثات خصوصی طرف معامله مالی با دولت در چارچوب میثاق ملل متحد علیه فساد اداری و سایر معاهدات بین المللی.

قضیه فرضی

در اداره X خالد معتمد جنسی است و در جمع او تمام اجناس آن اداره قید و جمع میباشد. نورآغا پولیس حوزه امنیتی که در پوسته امنیتی همین اداره موظف است شبی در ساعات پهره خود موقع را غنیمت شمرده و از قبل یک کلید ساختگی تهیه نموده بود بالوسیله آن یک عراده موتر کرولا (۲۰۰۹) صفر کیلو متر که جدیداً به اداره خریداری گردیده بود می رباید و میخواهد آنرا به منزل خویش انتقال و پنهان نماید و خودش دو باره به وظیفه اش برگردد تا مورد ظن قرار نگیرد اما چانس به او یاری نکرده در مسیر راه اداره و منزل به گزمه پولیس حوزه که نورآغا در آن وظیفه انجام میدهد میگردد گزمه پولیس موتر را اشاره توقف میدهد نورآغا موتر را توقف نمی دهد و فرار مینماید گزمه پولیس بالای موتر مشکوک شده آنرا تعقیب مینماید و بلاخره موتر را در محلی متوقف مینماید پولیس میبیند که در جلو عراده نورآ یکتن از همکاران پولیس آنها میباشد پولیس از نورآغا جویای احوال میشوند که در جریان به پولیس واضح میگردد که نورآغا موتر متذکره را از اداره که در پوسته امنیتی آن ایفای وظیفه میکند سرقت نموده است شما منحیث خائنوال این قضیه به سوالات ذیل چگونه پاسخ میدهید.

- ۱- جرم نورآغا در کدام وصف جرمی می آید
- ۲- آیا خالد معتمد جنسی در عدم نگهداشت عراده متذکره مسوولیت دارد
- ۳- جرم نورآغا در کدام خائنوالی از نظر صلاحیت موضوعی بررسی میگردد.

جزء دوم : عنصر مادی :

عنصر مادی این جرم عبارت است از تصرف مالکانه موظف بر اموال دولت.

تحت عنوان جرم اختلاس بیان کردیم در صورتیکه اموال دولت یا اموال افراد برای موظف خدمات عامه منحیث وظیفه سپرده شده باشد، و موظف آن اموال را اختلاس یا پنهان کند مختلس شمرده شده و طبق ماده ۲۶۸ قانون جزاء به حبس طولی که از ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

لیکن در صورتیکه اموال دولت منحیث وظیفه به موظف خدمات عامه سپرده نشده باشد، و موظف بر آن اموال تصرف مالکانه نماید، مستولی یا متصرف مالکانه در اموال دولت شمرده میشود، و طبق ماده ۲۶۹ قانون جزاء به حبس متوسط محکوم میگردد. بخاطر وضاحت بیشتر به روش ثلثه عناصر مادی مراجعه مینمائیم.

- ۱- عمل:- هر آن فعل موظف خدمات عامه که موجب غیر حق تصرف ملکیت دولت گردد.
- ۲- نتیجه:- ملکیت دولت را بدون حق تحت تصرف مالکانه خود در آورد .
- ۳- رابطه سببیت :- عمل را بمنظور بدست آوردن ، اوراق بهادار ، امتعه یا سایر اموال ملکیت دولت بدون حق بغرض کسب ملکیت تحت تصرف آوردن.

جزء سوم : عنصر معنوی:-

استیلاء یا تصرف مالکانه بر اموال دولت، از جرایم عمدی است، رکن معنوی این جرم مرکب از علم مرتکب به عدم استحقاق خود، و عمد او نسبت به انجام عمل است. در این جرم مرتکب باید:

اولاً: به این که مال به او متعلق نیست و حق مداخله در آن را ندارد علم و آگاهی داشته باشد.

بنابراین در صورتیکه مرتکب به تصور آنکه مال به او تعلق دارد آن را مورد تصرف مالکانه قرار دهد، نمیتوان او را به عنوان این جرم مورد تعقیب قرار داد.

ثانیاً : باید نسبت به انجام دادن عمل و نیز وارد کردن ضرر به دولت، عمد و قصد داشته باشد؛ یعنی قصد عام و قصد خاص داشته باشد.

جزء چهارم : موضوع جرم استیلاء :

مانند جرم اختلاس و رشوت جرم استیلاء نیز دارای این عنصر (موضوع جرم) میباشد که توسط این عنصر خویش نیز از سایر جرایم تفکیک گردد. که موضوع جرم استیلاء عبارت اند از:

۱- پول دولت

۲- اوراق بها دار مربوط دولت

۳- اموال بشکل عام (منقول و غیر منقول) مربوط دولت

جزء پنجم : مجازات جرم استیلاء :-

جزای اصلی :

ماده ۲۶۹ قانون جزاء:

(هرموظف خدمات عامه که پول، اوراق بهادار، امتعه یا سایر اموال ملکیت دولت را بدون حق تحت تصرف مالکانه خود درآورده به حبس متوسط محکوم می گردد).

جزایهای تکمیلی:

مصادره و رد مال : ماده ۲۷۳ قانون جزاء:

۱- مجرم علاوه به جزای معینه ، به رد مال و جزای نقدی معادل اموال اختلاس شده یا آنچه که از مال

دولت تحت تصرف خود درآورده نیز محکوم میگردد.

۲- در صورتی که مدت حبس محکوم بها از سه سال بیشتر باشد مرتکب به طرد از مسلک یا انفصال

ازوظیفه نیز محکوم می گردد.

نشر حکم: طبق ماده (۱۲۰) قانون جزا در صورت صوابدید محکمه و یا پیشنهاد خانوال بعد از حکم

قطعی محکمه فیصله نشر میگردد.

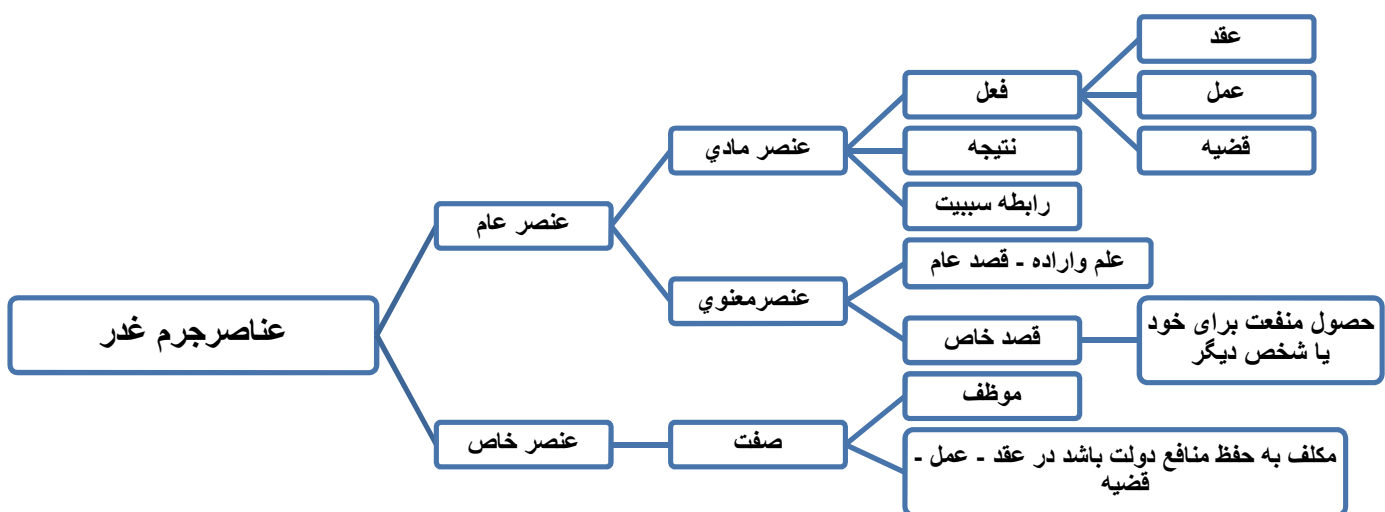
مطلب چهارم : جرم غدر :

متن ماده (۲۷۰) قانون جزاء:- (هرموظف خدمات عامه که در یک عقد یا عمل و یا قضیه به حفظ منافع دولت مکلف باشد، به منظور حصول منفعت برای خود و یا برای شخص دیگری، منافع مذکور را طور کلی متضرر سازد، به حبس طولی که از ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد).

در تعریف فوق یک جرم جداگانه معرفی گردیده است که وصف جرمی غدر را به خود کسب مینماید و جرم است که حالت و عناصر نسبتاً مشترک با جرم خیانت ملی در کتگوری جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی دارد صرفاً با عناصر باهم تفکیک میگردند که در جرم غدر هرگاه مرتکب که موظف خدمات عامه است در یک عقد عمل و یا قضیه به حفظ منافع دولت مکلف باشد به هدف حصول منفعت برای خودش و یا شخصی دیگری منافع دولت را که به حفظ آن مکلف است به دولت ضرر کلی و یا هم ضرر جزئی برساند وصف جرمی غدر را کسب مینماید .

اما در جرم خیانت ملی بدون اینکه در نظر گرفته شود که مرتکب موظف خدمات عامه است و یا شخصی عادی دیگر اسرار محرم دولت متبوع خویش را افشاء و یا در عقد ، عمل و قضیه که با کشور دیگری مطرح است موظف گردیده به ضرر دولت متبوع خویش عمداً عمل مینماید و توسط این عمل به دولت متبوع اش ضرر متوجه گردد وصف جرمی خیانت ملی صدق مینماید برای اینکه جرم غدر را از سایر جرایم مماثل آن تفکیک نمایم به عناصر متشکله جرم غدر اشاره مینمایم.

عناصر متشکله جرم غدر:



جزء اول : وصف وخصوصیت مرتکب

جزای مندرج ماده ۲۷۰ زمانی تطبیق می‌گردد که ضرر بر منافع دولت توسط موظف خدمات عامه وارد گردیده باشد. چون در نص ماده چنین تصریح شده است: "هرموظف خدمات عامه که در یک عقد یا عمل و یا قضیه به حفظ منافع دولت مکلف باشد به منظور حصول منفعت برای خود و یا شخص دیگر، منافع مذکور را طور کلی متضرر سازد..."

برای موظف خدمات عامه بر علاوه وصف مرتکب بنابر اشاره ماده فوق مکلف بر حفظ منافع دولت در عقد ، عمل ، و یا قضیه شده است.

جزء دوم : عنصر مادی

عنصر مادی این جرم عبارت است از وارد نمودن هر نوع عملی که منتج به ضرر کلی یا جزئی بر منافع دولت گردد.

لیکن فرق بین ضرر کلی و جزئی آن صرف در مجازات است ، جزای ضرر کلی حبس طویل و جزای ضرر جزئی حبس متوسط است. و هچنان در سه روش عنصر مادی عمل – نتیجه و رابطه سببیت بین عمل و نتیجه عنصر مادی را ذیلا بیان میکنیم .
به روش ثلاثه عناصر مادی مراجعه مینمائیم.

عمل نتیجه رابطه سببیت

- ۱- **عمل :-** وارد نمودن هر نوع عملی که منتج به ضرر (کلی و یا جزئی) به دولت گردد.
- ۲- **نتیجه :-** بدست آمدن منفعت مادی یا معنوی برای خود مرتکب و یا شخصی دیگری و همچنان متوجه شدن ضرر به دولت
- ۳- **رابطه سببیت :-** انجام ندادن مکلفیت وظیفوی در عقد ، عمل ، و یا قضیه

جزء سوم : عنصر معنوی

عنصر معنوی این جرم عبارت است از اراده (قصد) و علم است، یعنی مامور موظف که بر منافع دولت ضرری وارد نموده است، باید نسبت به انجام دادن این عمل و نیز وارد کردن ضرر بر منافع دولت، علم و قصد داشته باشد.

در این جرم قصد خاص نیز وجود دارد که عبارت از حصول منفعت به نفع خود یا شخصی دیگری. بناء اگر ضرر بر منافع دولت بنا بر اهمال، سهل انگاری یا تغافل موظف وارد شده باشد، جرم مذکور متحقق نمی گردد. همچنان قصد موظف به حصول منفعت برای خودش یا شخص دیگر شرط نیست

قضیه فرضی

قضیه سرقت مبلغ ۲۰۰۰۰ افغانی به اتهام فرهاد به څارنوالی زون شمال څارنوالی ولایت کابل مواصلت ورزیده څارنوالالموظف به اسم خانگل تعین گردیده . در قضیه دلایل بسیار موجه در جریان تحقیق علیه فرهاد بدست آمده تا جرم فرهادتوسط ادله اثباتیه قانونی ثابت گردد. چون فرهاد به عمل ارتكابی خویش نظم جامعه را برهم زده است و باید در مقابل عكسالعمل اجتماعی محكوم به مجازات از جانب یک ركن مستقل دولت که عبارت از مقام ستره محكمه است قرار گیرد . و اگر مجازات نگیرد بالای حاکمیت قانون در جامعه لطمه وارد میگردد.

اما څارنوال تحقیق قضیه را خلاف قانون بدون کدام نفع مادی یا معنوی برای خودش به غرض اینکه چند سال قبل فرهاد او را در جنگ که څارنوال خانگل با همسایه های خود داشت کمک و همکاری نموده بود دوسیه را حفظ مینماید .

بعدا قضیه از جانب څارنوالی فوقانی برملا میگردد و تخطی څارنوال خانگل ثابت میگردد .

در این قضیه از نظر شما آیا مسولیت به څارنوال خانگل متوجه میگردد اگر مسولیت متوجه میگردد مسولیت و وصفجرمی او چی میباشد.

جزء چهارم: مجازات :-

جزای اصلی:

حالت تشدید مجازات : ماده ۲۷۰ قانون جزاء: (هرموظف خدمات عامه که دریک عقد یا عمل ویا قضیه به حفظ منافع دولت مکلف باشد، به منظور حصول منفعت برای خود ویا برای شخص دیگری، منافع مذکور را طور کلی متضرر سازد، به حبس طویلی که از ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.)

حالت تخفیف مجازات : فقره ۲ ماده ۲۷۰ : (اگرضرر مندرج فقره ۱ این ماده جزئی باشد، مرتکب حسب حالات به حبس متوسط یا قصیر محکوم میگردد.)

جزای تکمیلی: فقره ۲ ماده ۲۷۳ : "در صورتیکه مدت حبس محکوم بها از سه سال بیشتر باشد، مرتکب به طرد از مسلک یا انفصال ازوظیفه نیز محکوم میگردد".

ملاحظه : در فقره ۱ ماده فوق ، به عنوان جزای تکمیلی راجع به جرم اختلاس و تصرف مالکانه بر اموال دولت چنین تصریح کرده است : (مجرم علاوه بر جزای معینه در این فصل ، به رد مال و جزای نقدی معادل اموال اختلاس شده یا آنچه که از مال دولت تحت تصرف خود درآورده نیز محکوم میگردد.)

تفکیک عمده رد و مصادره مال را قبلا مفصلا بیان کردیم ، در این قسمت سوال مطرح میگردد که ماده متذکره ذکری از رد مال نموده است نه مصادر علت این چی بوده میتواند. در پاسخ بیان میگردد چون در

جرم اختلاس و غدر مرتکب مال دولت را از طریق غیر مشروع بدست آورده میباشد و لازم است تا مال دولت دوباره از مرتکب مسترد شود و تفکیک بارزی را که در مصادره ورد مال قبلا تذکر دادیم مال شخصی مرتکب به خزینه دولت تعلق میگیرد و یکنوع مجازات مالی به حساب میاید اما در رد مال این هدف که عبارت از مجازات مالی است متحقق نمیگردد زیرا که مال از مرتکب نمی باشد . در قسمت جریمه معادل آن همین هدف مجازات مالی متحقق میگردد اما نه به گونه مصادره .

قضیه فرضی

جانداد در مقام ولایت (X) بحیث مدیر خدمات کار میکند و در ضمن یک دوکان ماشین فوتوکاپی نیز در مقابل ولایت دارد که در آن دوکان پسرش کار میکند .

جانداد بخاطر خریداری (۵۰) کیده کاغذ برای مقام ولایت به دوکانهای قرطاسیه فروشی رفته و از سه دوکان قرطاسیه فروشی نرخ میگیرد دو قرطاسیه فروشی فی کیده کاغذ را مبلغ (۱۸۰) افغانی نرخ میدهد اما برخلاف یک دوکان قرطاسیه فروشی فی کیده کاغذ را (۲۵۰) افغانی نرخ میدهد و برای جانداد میگوید که (۵) کیده کاغذ را به دوکان فوتوکاپی به پسرش نیز میدهد جانداد قبول مینماید و عقد را به نمایندگی از مقام ولایت منعقد مینماید قرطاسیه فروشی طبق وعده (۵) کیده کاغذ را به پسر جانداد تسلیم مینماید و پسر جانداد میخواهد تا پول کاغذ را به قرطاسیه فروش بدهد قرطاسیه فروش میگوید که پول کاغذ را از پدر او تسلیم شده است چون موضوع تحت کشف بوده با مدارک (ثبت نوار ویدیویی) جانداد، قرطاسیه فروش و پسر جانداد گرفتار میشوند.

سوالات:

- ۱- عمل جانداد و قرطاسیه فروش تحت کدام ضرر عایده به دولت میاید.
- ۲- پسر جانداد در قضیه مسؤل میباشد و یا خیر اگر مسؤل باشد وصف جرمی او چی است.

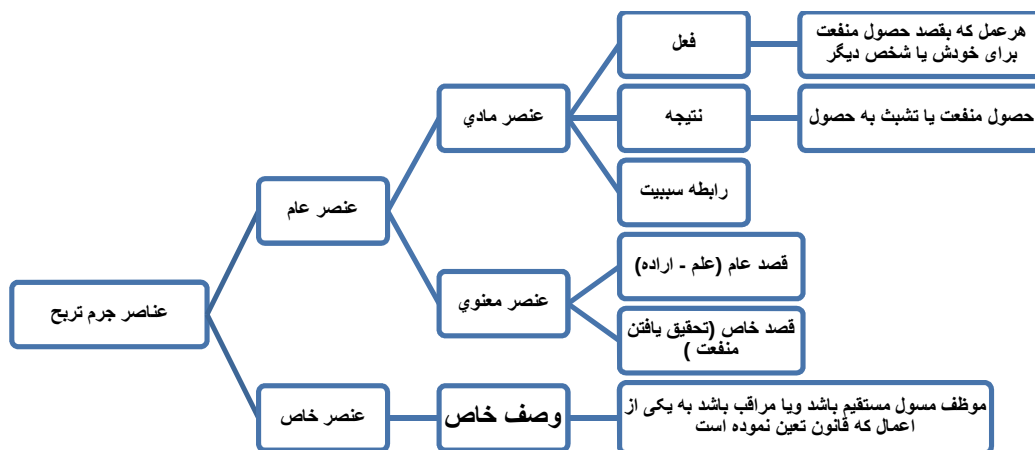
مطلب پنجم : نفع برداری از امور متعلق به دولت (تربح):

قانونگذار فصل چهارم قانون جزاء را تحت عنوان (اختلاس و غدر) تحریر نموده اما در طی مواد جداگانه همین فصل جرایم دیگری را نیز درمیابیم در ماده ۲۷۱ این قانون ذکر شده است، که اینچنین تصریح میکند:

متن ماده (271) قانون جزاء:- (هرموظف خدمات عامه که در اداره قراردادها، عواید، واردات یا سایر امور متعلق به دولت و یا در مراقبت آن مکلفیت مستقیم داشته باشد و به اثر آن در یکی از امور فوق به اسم خود یا به اسم شخص دیگری برای خود مفادی حاصل کند یا به حصول آن تشبث نماید، به حبس که از سه سال کمتر نباشد محکوم میگردد).

اگر به قیود ماده فوق متوجه شویم از قیود احترازی آن در میابیم که این جرم دارای وصف اختصاصی خویش یعنی (نفع برداری از امور متعلق به دولت) را کسب مینماید. بخاطر رسیدن به شناخت درست این وصف جرمی به عناصر متشکله آن اشاره مینمایم.

ب : عناصر جرم:- این جرم از جمله جرایم نتیجوی است چنانچه در نص ماده قانون قید (حصول) تذکر یافته است و همچنان در این جرم شروع نیز وجود دارد چنانچه لفظ (تشبث) نیز ذکر گردیده است.



جزء اول : وصف و خصوصیت مرتکب :

مرتکب جرم حصول منفعت برداری مندرج ماده ۲۷۱ قانون جزاء، عبارت از موظف خدمات عامه است، خواه موظفین بلند رتبه باشند یا پائین رتبه. در این جرم قانون خاص نساخته است تمام موظفین خدمات عامه بلکه خاص ساخته است اشخاصی را که اعمال میکند اعمال را که قانون تعیین نموده است از قبیل

(عقود - عواید - واردات یا سایر امور متعلق به دولت) و در موارد اعمال که قانون ذکر نموده است به سبیل مثال است نه به سبیل حد و حصر ، اگر این جرم توسط شخصی ارتکاب گردد که از جمله موظفین خدمات عامه یا در حکم موظفین خدمات عامه نباشد، تحت احکام این ماده قرار نمی گیرد بناً لازم است تابه اساس قید که در ماده (۲۷۱) قانون جزاء قید مراقبت آمده فرق قایل شویم بین مراقب و مشرف « نظارت کننده»

۱- مراقب :- مراقب شخصی است که مستقیماً به امور مامور ما تحت صلاحیت دارد مثل رئیس اداره توزیع نمرات رهایشی بالای مامور اداره خویش مراقبت به امور محوله اش دارد و در متن ماده متذکره هم از مراقبت مستقیم اشاره داشته است و هرگاه نسبت عدم مراقبت درست جرم متذکره از جنانب مامور صورت گیرد امر هم مسئولیت خویشرا بنابر مراقبت او دارد

۲- مشرف و نظارت کننده:- مشرف و نظارت کننده اگر چه از نظر واژه با مراقب و مراقبت فرق

دارد نظارت کنند مراقبت نمی نمایند بلکه صرفاً نظارت مینمایند و از اینکه واژه نظارت کننده در متن ماده متذکره ذکر نگردیده بناً در صورت تحقیق یافتن جرم شخصی نظارت کننده مسئول نمی باشد.

فرضیه

مثلاً وزیرمالیه در وزارت شخص اول اداره محسوب میگردد بر علاوه سایر وظایف از بعضی امور وزارت نظارت مینماید از جمله جمع آوری عایدات دولت که توسط ریاست مستوفیت هر ولایت جمع میگردد و به حساب دولت ازدیاد میگردد اما یکی از کارمندان جمع آوری عواید مستوفیت ولایت..... از دفاتر رهنما معاملات در اخیر سال مالیاتی قصداً مالیات بر عایدات اخذ نمی نماید بناً در این فرضیه شخص وزیر مشرف و نظارت کننده است اما شخص مستوفی همان ولایت مراقب است بر علاوه اینکه کارمند جمع آوری عواید مسؤل است شخص مستوفی نیز منحیث مراقب درجه اول مسؤلیت دارد.

جزء دوم : عنصر مادی:

عنصر مادی این جرم عبارت است از عملی که منجر به حصول فائده از امور متعلق به دولت یا سعی و تلاش برای حصول فائده، خواه برای خود باشد یا برای شخص دیگری باشد .

برای اینکه عنصر مادی را در سه روش آن توضیح داریم به عمل ، نتیجه و رابطه سببیت این جرم نیز اشاره مینمائیم.

عمل :- هر آن فعل که مرتکب بمنظور حصول منفعت به عمل از اعمال وظیفوی خویش برای خود یا برای شخصی دیگری انجام میدهد

نتیجه :- در نتیجه دو موضوع قابل بحث بوده

۱- حصول منفعت و بدست آمدن آن

۲- تشبث و یا هم شروع به جرم . بناً این جرم نیز مانند جرم رشوت تشبث و شروع حالت جرم کامل را دارد و شخص مرتکب به مجازات کامل جرم مجازات میگردد.

رابطه سببیت :- افعالی که موظف خدمات عامه بمنظور حصول منفعت غیر مشروع در اداره قراردادها، عواید، واردات یا سایر امور متعلق به دولت بالوسیله مراقبت و داشتن مکلفیت مستقیم که دارد و به سبب آن در یکی از امور فوق به اسم خود یا به اسم شخص دیگری برای خود مفادی حاصل کند یا به حصول آن تشبث نماید، به حبس که از سه سال کمتر نباشد محکوم میگردد.

جزء سوم : عنصر معنوی:

عنصر معنوی این جرم ایجاب میکند که موظف خدمات عامه:

اولاً: علم داشته باشد به تمام روش های ثلاثه عنصر مادی جرم و از خلاف قانونی بودن این عمل آگاه باشد.

ثانیاً: اراده (قصد) داشته باشد:- نیت حصول فائده را برای خود یا شخص دیگری داشته باشد، خواه این فائده برایش متحقق شود یا نشود. اما اگر قصدش تنها ضرر رساندن به دولت باشد در آن صورت این جرم متحقق نمیشود، زیرا که در متن ماده (۲۷۱) قانون جزا قصد حصول منفعت تذکر یافته است.

جزء چهارم : مجازات:

ماده ۲۷۱ قانون جزاء : "هرموظف خدمات عامه که در اداره قراردادها، عواید، واردات یا سایر امور متعلق به دولت و یا در مراقبت آن مکلفیت مستقیم داشته باشد و به اثر آن در یکی از امور فوق به اسم خود یا به اسم شخص دیگری برای خود مفادی حاصل کند یا به حصول آن تشبث نماید، به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم میگردد".

در متن ماده فوق راجع به اینکه علاوه بر جزای حبس، آیا موظف فوایدی را که حاصل نموده بود به دولت برمیگرداند یا خیر، چیزی تصریح نشده است.

مطلب ششم : جرم تسخیر (استخدام کارگران در امور شخصی)

متن ماده (۲۷۲) قانون جزا:- (هرموظف خدمات عامه که کارگران یا اجیران تحت اثر خود را در امور شخصی خود به داخل وقت رسمی استخدام نماید، یا بدون مجوز قانونی تمام یا قسمتی از اجرت آنها را حجز نماید، به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد).

سوال : در متن ماده تصریح شده است که " به داخل وقت رسمی استخدام نماید" آیا عبارت مذکور این مفهوم را میدهد اگر استخدام در خارج وقت رسمی باشد، موظف مذکور مواخذ نمیشود؟

اگر استخدام کارگران یا اجیران در امور شخصی در خارج وقت رسمی مسئولیت نداشته باشد، کار درستی نیست.

اما اگر به قانون جزا نظری اندازیم میبینیم که در طی ماده (۵۱۶) خویش حکم را تصریح داشته که چنین مشعر است (شخصیکه نیرو کار مردم را به فریب یا حيله استثمار نماید یا بفروش رساند و یا به یکی از جهات خارجی کار آنها را مورد معامله قرار دهد ، علاوه بر جبران خساره به حبس طویل محکوم میگردد).

ماده (۵۱۶) قانون جزا سوال قبلی را نسبتاً حل مینماید . و تفاوت بین دو ماده (۲۷۲) و (۵۱۶) قانون جزا روی موارد ذیل اشاره میگردد .

۱- ماده (۲۷۲) در مورد اوقات رسمی بحث نموده است .

هرگاه موظف خدمات عامه مرتکب چنین عمل میگردد چون موظف خدمات در اوقات رسمی صفت موظفیت خدمات عامه را بخود کسب مینماید و در اوقات غیر رسمی دارای این صفت نمی باشد.

۲- جرم تسخیر از جمله جرائم فساد اداری بشمار می آید ازجمله خصایص جرائم فساد اداری یکی هم همین است که اداره متضرر میگردد و علت ضرر اداره هم توسط موظف خدمات عامه که کارگران تحت اثر خود را به امور شخصی توظیف مینمایند متحقق گردیده است.

۳- ماده (۵۱۶) واضح است که در مورد اشخاص غیر از اشخاص که صفت موظف خدمات عامه را ندارند صدق مینماید اگرچه شخص مرتکب موظف خدمات عامه هم باشد لیکن در اوقات غیر رسمی مرتکب استثمار قوه فزیکتی اشخاص میگردد و توسط حيله، فریب آنها را به فروش میرساند و یا به جهت خارجی نیرو کاری اشخاص را مورد معامله قرار میدهد .

اما اگر باز هم به قیود ماده (۵۱۶) متوجه شویم سه عنصر اختصاصی را درمیابیم :
(خرید و فروش نیرو کاری ، معامله به یکی از جهات خارجی) اما از اینکه اجیران و کارگران تحت اثر خود را موظف خدمات در اوقات غیر رسمی در امور شخصی خویش به انجام کار موظف گردانند در قیود ماده فوق نیز تذکر نیافته است .

در متن ماده (۲۷۲) قانون جزا اگر دقیقاً ملتفت شویم در میابیم که در برگیرنده و معرفی کننده دو جرم میباشد:

الف : جرم تسخیر ((هرموظف خدمات عامه که کارگران یا اجیران تحت اثر خود را در امور شخصی خود به داخل وقت رسمی استخدام نماید))

ب : جرم حجز اجرت کار گر ((یا بدون مجوز قانونی تمام یا قسمتی از اجرت آنها را حجز نماید))

عناصر جرم :

اول : وصف و خصوصیت مرتکب.

دوم : عنصر مادی .

سوم : عنصر معنوی.

جزء اول : وصف و خصوصیت مرتکب :

مرتکب جرم استخدام کارگران یا اجیران در امور شخصی و جرم حجز اجورت کارگر مندرج ماده ۲۷۲ قانون جزاء، عبارت از موظف خدمات عامه در هر دو جرم میباشد .

جزء دوم : عنصر مادی :

رکن مادی هر دو جرم عبارت است از دونوع عملی است که توسط موظف خدمات عامه ارتکاب میشود و این دو جرم را توسط روش های ثلاثه عنصر مادی (عمل، نتیجه و رابطه سببیت) از هم تفکیک مینماید که این اعمال عبارت اند از :

الف : استخدام کارگران یا اجیران تحت اثر درامور شخصی.

ب : حجز تمام یا قسمتی از اجرت کارگران یا اجیران، بدون مجوز قانونی.

جزء سوم : عنصر معنوی :

موظف خدمات عامه علم داشته باشد به تمام روش های ثلاثه عنصر مادی جرم بالوسیله اراده.

یعنی در رابطه به استخدام کارگران در امور شخصی خویش بداند که این عمل یک نوع اکراه است که بالای کارگران تحمیل شده است و آنها راضی نیستند. اما در رابطه به حجز اجرت کارگران بداند که این عمل یکنوع محروم ساختن آنها از حقوق شان است.

جزء چهارم : موضوع جرم تسخیر و حجز اجورت کارگران :

موضوع جرم در جرم تسخیر و جرم حجز اجرت کارگر از هم فرق مینماید که ذیلا اشاره خواهد شد.

الف : موضوع جرم تسخیر عبارت از استخدام اجیران و کارگران در اوقات رسمی است

ب : موضوع جرم حجز اجرت ، ندادن اجرت مستحقه کارگر و اجیر بطور غیر قانونی

مبحث سوم

جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد

مطلب اول :- جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی :

جرم متذکره نیز از جمله جرایم فساد اداری بوده زیرا که اسناد رسمی از اداره ها صادر میگردد و هرگاه اسناد رسمی از اداره تلف میگردد و یا هم سرقت میگردد طبعاً به هدف و مقصد جرمی چنین عملی از جانب مرتکب صورت میگردد.

بطور مثال هرگاه مرتکب بخواهد اصل کنده وثیقه شرعی که از جانب محکمه و ثایق صادر گردیده بگیرد و آنرا تلف نماید و یا هم نزد خویش نگهداری نماید به هدف عمل جرمی تا بتواند به جانب مقابل خویش که در دعوی که با او دخیل بوده و او منحیث وسیله اثبات آنرا بالای همین شخص حجت و دلیل استعمال مینماید و این وثیقه را از اعتبار ساقط سازد گویا اصل ثبت کنده ندارد تزویری میباشد.

اگر به مثال فوق توجه نمایم این جرم ارتباط مستقیم با چند جرم دیگر فساد اداری مانند تزویر ، اخلاف در روند تطبیق عدالت دارد. و ارتباط این جرم را نیز در کتگوری جرایم فساد اداری تقویت مبخشد.

بنأ در این بخش از مبحث خویش لازم میدانیم که تعریف از اسناد رسمی را داشته باشیم تا در شناخت این و صف جرمی اشتباه ننمایم .

تعریف سند رسمی :

سند رسمی در ماده (۹۹۱) قانون مدنی چنین تعریف گردیده است :

(سند رسمی ورقی است که موظف عمومی یا کارکنان خدمات عامه به اساس احکام قانون در حدود صلاحیت اختصاصی خویش آنچه را بحضور شان گزارش می یابد یا از اشخاص ذیعلاقه کسب میکند ، در آن درج و ثبت نموده باشند .)

بادر نظر داشت تعریف فوق قانون جزا نیز در ضمن تعریف این جرم به اسناد رسمی اشاره داشته است که به تعریف قانون جزا مراجعه مینمایم .

جزء اول : تعریف جرم سرقت اسناد رسمی:-

(هرگاه به اثر اهمال موظف خدمات عامه که به حفاظت اوراق اسناد و یا دوسیه های متعلق به دولت یا اوراق دعوی قضائی مکلف باشد ، اوراق مذکور سرقت گردد و یا پنهان و یا تلف شود.....ماده (۲۸۰) قانون جزا)

در تعریف فوق قیود ذیل وجود داشته که هرکدام آنرا توضیح خواهیم داد:

- ۱- موظف خدمات عامه به حفاظت اوراق و اسناد مکلف باشد.
 - ۲- اوراق و اسناد دوسیه های متعلق به دولت باشد.
 - ۳- اوراق و اسناد مربوط دعوی قضائی باشد.
 - ۴- عمل جرمی سرقت و پنهان یا تلف کردن باشد.
 - ۵- موظف خدمات عامه به حفاظ اوراق و اسناد مکلف باشد:-
- ۱- در تعریف فوق به تفصیل ذکر گردیده به این منظور که اوراق اسناد منحصیث وظیفه به موظف خدمات عامه سپرده شده باشد و به حفاظت آن مکلف باشد در صورتیکه اوراق و اسناد منحصیث وظیفه سپرده نشده باشد اصلاً وصف جرمی برای شخص موظف خدمات عامه صدق نمی نمایند
 - ۲- اوراق و اسناد دوسیه ها متعلق به دولت باشد: توسط این قید نیز تعین وصف جرمی میگردد یعنی اوراق و اسناد متعلق به دولت نزد موظف خدمات عامه سپرده شده باشد در صورتیکه اوراق و اسناد از دولت نباشد از اشخاص غیر دولتی باشد باز هم وصف جرمی متذکره صدق نمی نمایند.
 - ۳- اوراق و اسناد مربوط دعوی قضائی باشد: اگر چه در قید دوم بشکل عام در تعریف تذکر یافته که اوراق و اسناد متعلق به دولت اما در قید سومی بخاطر اهمیت بیشتر اسناد قضائی که در دعوی منحصیث دوسیه ترتیب گردیده تذکر گردیده و یا هم به علت عمل ارتكابی که نسبت به سایر اسناد در اسناد قضائی دوسیه های و دعاوی اکثراً این جرم تحقق میابد روی این ملحوظ در تعریف جداگانه قید گردیده است.
 - ۴- عمل جرمی سرقت و پنهان یا تلف کردن باشد: البته هدف این قید در مورد فاعل جرم میباشد که در مورد فاعل جرم عنصر معنوی قصد و اراده جرمی وجود میداشته باشد که در بخش عناصر به آن

اشاره خواهیم نمود و در مورد موظف خدمات عامه هرگاه اهمال وجود داشته باشد در عنصر معنوی تحت موضوع قصد و اراده مجازات نمیگردد بلکه بالاثراً اهمال و غفلت قابل مجازات بوده است.

عناصر متشکله جرم :-

این جرم از جمله جرایم غیر عمدی میباشد که در جرایم خطاء قابل مطالعه میباشد و از همین جهت در عناصر عام آن تغییری نسبت به دیگر جرایم فساد اداری که قبلاً ذکر شد وجود دارد.

جزء اول وصف مرتکب:- موظف خدمات عامه باشد در مباحث اولی در مورد موظفین خدمات عامه بحث مفصلی صورت گرفته ضرورت به تفصیل اضافی وجود ندارد اما در جرم نیز مرتکب موظف خدمات عامه میباشد و جرم از نزد او بسبیل خطا اهمالی صورت گرفته می باشد

جزء دوم:- عنصر مادی :

عمل :- عدم دقت درست در اجراء وظیفه محوله میباشد

نتیجه :- سرقت یا تلف شدن اسناد و اوراق رسمی دولتی .

رابطه سببیت :- اهمال که بالاثراً آن اوراق ، اسناد و یا دوسیه های متعلق به دولت یا اوراق دعوی قضائی سرقت و یا تلف گردد.

جزء سوم:- عنصر معنوی :

در عنصر معنوی هم قصد وجود دارد و هم اهمال، چنانچه در عنصر معنوی دو موضوع عمده قابل بحث میباشد قصد و خطاء . در قصد اراده فاعل دخیل میباشد و همچنان در حالت صحت ادراک عقل مرتکب عمل جرمی میگردد. و در این جرم در قسمت سارق صدق مینماید.

اما در خطاء بالاثراً اهمال ، غفلت ، بی احتیاطی ، عدم مراعات مقررات و لوایح مرتکب عمل جرمی میگردد که بر خلاف قصد اراده در ارتکاب عمل جرمی مستقیماً دخیل نمی باشد. در مورد ماده (۳۶) قانون جزا چنین حکم مینماید :

(جرم وقتی غیر عمدی شمرده میشود که وقوع نتیجه جرمی از فاعل آن به سبیل خطا صدور یافته باشد خواه خطا ناشی از اهمال ، ساده لوحی ، بی احتیاطی و عدم رعایت قوانین ، مقررات و اوامر)

در متن ماده فوق یکی از عناصر جرم خطا (اهمال) میباشد در حالیکه در جرم سرقت اسناد رسمی از همین عنصر ذکر گردیده است، واضحا معلوم میگردد که این جرم در کتگوری جرایم خطا اهمالی محسوب میگردد.

در عنصر معنوی جرایم غیر عمدی طریقه خطاء غیر عمدی میباشد مانند جرم قتل عمد در نزد مرتکب قصد جرمی به اراده آزاد وجود دارد همراه با علم به ازهراق روح انسان حی وزنده همراه با قصد خاص که عبارت از قتل است. اما در قتل خطاء نزد مرتکب اراده آزاد عمل دریافت میگردد اما با وجود عدم علم نزد مرتکب به ازهراق روح انسان زنده که بلاثر اهمال و عدم توجه به قوانین مقررات ولوایح صورت گرفته است.

نتیجتا گفته شود علم در این جرم که بسبب خطاء واقع گردیده است مرتکب علم دارد که بسبب اهمال او این جرم واقع گردیده است و این اهمال بسبب نقض قوانین، مقررات، لوایح صورت گرفته است.

جزء چهارم: مجازات:

جزاء اصلی:

حالات مشدده : حبس طویل : هرگاه فاعل عمل جرمی سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی مؤظف خدمات باشد و در عمل جرمی اراده مستقیم او دخیل باشد «فاعل جرم» باشد به حبس طویل طبق فقره (۳) ماده (۲۸۰) قانون جزاء محکوم میگردد.

هرگاه سرقت و یا تلف کردن اسناد رسمی بالاثراً اکراه مؤظف خدمات عامه صورت گرفته باشد مرتکب طبق فقره (۴) ماده (۲۸۰) قانون جزاء به حبس طویل محکوم میگردد.

طبق فقره (۵) هرگاه سارق یا تلف کننده اوراق و اسناد رسمی توسط عمل جرمی خویش اسناد دارای ارزش ملی را سرقت و تلف نموده باشد به حد اکثر حبس طویل محکوم میگردد.

حالات مخففه : حبس متوسط : مرتکب غیر از مؤظف خدمات عامه و اهمال کننده مؤظف خدمات عامه حسب احوال به حبس متوسط نیز محکوم میگردد طبق فقرات (۲) و (۶) ماده (۲۸۰) قانون جزاء. طبق فقره (۲) فاعل و مرتکب که به اراده خویش با تحقق یافتن علم و قصد عنصر معنوی مرتکب این عمل جرمی میشود به حبس متوسط محکوم میگردد مشروط بر اینکه مؤظف خدمات عامه باشد.

طبق فقره (۶) اگر اوراق و اسناد دارای ارزش ملی سرقت و یا تلف گردد و این عمل بالاثر اهمال و غفلت موظف خدمات عامه صورت گرفته باشد موظف خدمات عامه اهمال کننده به حبس متوسط محکوم میگردد.

حبس قصیر و یا جزاء نقدی: در جرم متذکره حبس قصیر نیز وجود دارد و مرتکب مستوجب حبس قصیر و یا جزاء نقدی نیز دانسته میشود طبق فقره (۱) ماده (۲۸۰) موظف خدمات عامه اهمال کننده به حبس قصیر که از سه ماه کمتر و یا جزاء نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

جزای تبعی: هرگاه مرتکب از جانب محکمه به حبس بیشتر از ده سال محکوم گردد طبق ماده (۱۱۳) قانون جزا به حرمان بعضی از حقوق مندرج ماده متذکره نیز محکوم میگردد. بطور مثال محکوم علیه مامور دولت، وکیل، ولی، وصی، قیم، خدمت در اردو و غیره شده نمیتواند.

جزای تکمیلی: هرگاه محکمه بخواهد و یا هم بالاثر تقاضاء خائنوال بعد از حکم قطعی و نهائی محکمه به نشر فیصله نیز حکم نموده میتواند که در مورد فقره (۱) ماده (۱۲۰) قانون جزا حکم مینماید. (۱- محکمه میتواند به اساس صوابدید خود و یا مطالبه خائنوال نشر حکم را در فیصله تصریح نماید.

(۲- نشر حکم قبل از قطعی شدن آن جواز ندارد)

مطلب دوم: جرم سرقت، افشاء، باز نمودن تلگراف و مکتوب پوستی :

جرم متذکره از جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی در عناصر خویش مجزا بوده از همین جهت این جرم جداگانه اشاره خواهیم نمود .

تعریف: (هرگاه موظف پوست تلگراف مکتوب یا تلگراف تسلیم شده را پنهان، افشا یا باز نماید و یا بمنظور این امر برای دیگران سهولت فراهم سازد) ماده (۲۸۱) قانون جزا از تعریف فوق جرم متذکره معلوم و هویدا میگردد که دارای عناصر جداگانه بوده که توسط همین عناصر از جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی مجزا میگردد.

که عناصر افتراقی این جرم با جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی قرار ذیل میباشد:

جزء اول وصف مرتکب :

عبارت از آن موظفین خدمات عامه استند که مسئولین پوست و تلگراف استند و همین مکتوب و تلگراف منحیث و وظیفه برای آنها تسلیم شده باشد.

جزء دوم عنصر مادی :

این جرم در قسمت روش عمل یا فعل آن پنهان کردن ، افشا کردن یا باز نمودن تلگراف و مکتوب است و یا به این منظور به دیگران سهولت باز نمودن ، پنهان نمودن تلگراف را فراهم میسازد.

جزء سوم عنصر معنوی :

مانند جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی اهمال و جود ندارد بلکه مامور موظف علم و اراده به عمل ارتكابی دارد به عباره دیگر به تمام روشهای عناصر مادی جرم علم دارد که چنین عمل جرمی را انجام میدهد.

جزء چهارم موضوع جرم :

موضوع در این جرم عبارت از پوست ، تلگراف یا مکتوب تسلیم شده است.

جزء پنجم : مجازات جرم سرقت تلگراف و مکتوب پوستی:

جزای اصلی: طبق ماده (۲۸۱) قانون جزا به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد یا جزا نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

جزای تکمیلی : بر علاوه جزای اصلی به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه نیز محکوم میگردد.

مبحث چهارم**جرایم رویه سوء موظف خدمات عامه علیه افراد**

جرایمی که تحت این فصل در قانون جزاء افغانستان تحدید گردیده است عبارت اند از:-

- ۱- جرم تعذیب متهم بمنظور اعتراف .
- ۲- جرم مجازات محکوم علیه بیشتر از محکوم بها.
- ۳- جرم هتک حرمت منزل از جانب موظف خدمات عامه.
- ۴- جرم خشونت موظف خدمات عامه علیه افراد.
- ۵- جرم غصب ملک غیر از جنانب موظف خدمات عامه.

که هرکدام از جرایم فوق در مواد ۳۷۵ الی ۲۷۹ قانون جزاء جداگانه بحث شده که در مواد متذکره اصل متن ماده قانون را بحیث تعریف هر کدام از جرایم متذکره را در ضمن عناصر متشکله با در نظر داشت مجازات مشخص آن اشاره خواهیم نمود.

مطلب اول : جرم تعذیب متهم بمنظور اعتراف

متن ماده (۲۷۵) قانون جزاء:- "هرگاه موظف خدمات عامه متهم را بمنظور گرفتن اعتراف شکنجه نمایند و یا به آن امر نمایند، و یا به آن امر نمایند به حبس طویل محکوم می گردد."

اساساً شکنجه و تعذیب انسان جواز ندارد از همین جهت است که هرگاه کسی به چنین عملی دست میزند و مظنون و متهم را شکنجه و تعذیب مینماید چنین عمل جرم میباشد و شخص مرتکب مجازات میگردد چنانچه عدم مشروعیت تعذیب انسان در متن قانون اساسی نیز تذکر یافته است که چنین صراحت دارد:

ماده (۲۹) قانون اساسی

(تعذیب انسان ممنوع است).

هیچ شخص نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگر چه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد

تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است.

متن ماده قانون اساسی بطور مطلق تعذیب و شکنجه را ممنوع قرار داده است حتی اگر به منظور کشف حقایق هم باشد که هدف مقنن در اینجا همانا اعتراف به جبر است که توسط شکنجه بدست می آید و هرگاه چنین اعتراف هم اخذ گردد مورد اعتبار و استناد قانونی اثبات جرم شده نمیتواند چنانچه در مورد ماده (۳۰) قانون اساسی چنین حکم مینماید:

(اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه به دست آورده شود، اعتبار ندارد).

اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل، در حضور محکمه با صلاحیت.

عناصر جرم تعذیب متهم بمنظور اعتراف:

برای این جرم عناصری وجود دارد که قرار ذیل می باشد:

جزء اول وصف مرتکب :- مرتکب موظف خدمات عامه باشد و از صلاحیت وظیفوی خویش سوء استفاده نماید.

موظفین خدمات عامه عبارت از اشخاص اند که در ماده (۱۲) قانون جزا بر شمرده شده اند موضوعات تفصیلی آنها قبلاً ذکر گردیده است.

جزء دوم عنصر مادی :-

عمل و فعل :- در جرم متذکره عمل (فعل) هر آن فعل است که موجب تعذیب متهم از جانب موظف خدمات عامه گردد.

فعل تعذیب به هر نوع عمل خلاف قانون موظف خدمات عامه به منظور اخذ اعتراف اطلاق میگردد ، فعل موظف خدمات عامه بالای متهم اثر مادی دارد و یا هم اثر معنوی که در دو مثال هرکدام آنرا جداگانه واضح میسازیم:

مثال اول : فعل موظف خدمات عامه که اثر مادی دارد:

میرزاد افسر پولیس جنائی است جانداد را با ظن سرقت یک پایه کمپیوتر از دفتر گمرک دروازه تورخم گرفتار نموده است اما جانداد از ظن منسوبه ابا میورزد و خود را بی گناه وانمود میسازد میرزاد در جریان استنتاج عصبانی میشود و جانداد را توسط کمربند خویش لت و کوب مینماید تا به جرم خویش اعتراف نماید.

بالای وجود جانداد اثرات کمربند و جود دارد که به چشم قابل دید و مشاهده می باشد .

مثال دوم : فعل موظف خدمات عامه که اثر معنوی دارد:

اگر درعین مثال فرض کنیم که عوض لت و کوب جانداد از جانب میرزاد افسر پولیس او را سه شب به خواب نگذاشته تا او وادار به اعتراف عمل جرمی اش گردد و یا هم فرض کنیم که پولیس به جانداد

میگوید اگر اعتراف نکنی خانم شما را هم در این قضیه دخیل میسازم و او را هم گرفتار و تحت نظارت قرار میدهم ، در هردو حالت جانداد شکنجه روحی میگردد

نتیجه :- غرض از تعذیب متهم مجبور نمودن اوبه اعتراف میباشد.

سوال در اینجا وارد میگردد که در متن ماده قانون صرفاً از متهم ذکر نموده است اگر فرضاً همین شخصیکه از او اعتراف به جبر اخذ میگردد مظنون باشد .

به این سوال پاسخ ارائیه مینمایم که چون قانون جزا در سال ۱۳۵۵ هـ ش نافذ گردیده و تفکیک مظنون و متهم در قوانین بعدی صورت گرفته است که از جمله قانون کشف و تحقیق و قانون اجراءات جزائی موقت میباشد.

بنأ اشکالی در اصطلاح مظنون و متهم و جود ندارد بلکه هدف نتیجه جرمی است که اخذ اعتراف از مظنون و متهم است.

رابطه سببیت :- به سبب فعل اکراه اعتراف بدست آید .

جزء سوم عنصر معنوی :-

علم - و اراده (قصد)

علم :- شخص موظف خدمات عامه علم به تمام روشهای عنصر مادی داشته باشد.

اراده (قصد) :- مرتکب عمدأ و قصدأ مرتکب این عمل گردد و متهم را تعذیب نماید بمنظور اخذ اعتراف. این جرم تقاضاء قصد خاص را به مجرد تعدی و ضرب از جانب موظف خدمات عامه میکند و این قصد خاص عبارت از اخذ اعتراف از متهم به سبیل اکراه و تعذیب.

جزء چهارم : مجازات :-

چونکه این عمل توسط وصف و عناصر خاص اش جرم دانسته شود بنأ مجازات خاصی نیز برایش در قانون جزاء وجود دارد.

جزای اصلی :-

الف : حالت مخففه : در جرم متذکره شخص مرتکب طبق فقره (۱) ماده (۲۷۵) قانون جزاء به حبس طویل محکوم میگردد.

ب : حالت مشدده : و هرگاه متهم در نتیجه شکنجه به قتل برسد طبق فقره (۲) (۲۷۵) قانون جزاء به جزاء پیشبینی شده قتل عمد یعنی ماده (۳۹۵) و (۳۹۶) قانون جزاء محکوم میگردد.

جزای تبعی :- مرتکب بر علاوه جزاء اصلی طبق ماده (۱۱۳) قانون جزاء به حرمان از حقوق مدنی خویش بدون در نظر داشت اینکه محکمه در فیصله خویش به این جزاء تصریح نماید محکوم میگردد مشروط بر اینکه مجازات اصلی از حبس ده سال بیشتر باشد.

ماده (۱۱۳) فقره (۱) قانون جزا چنین صراحت دارد:

"شخصیکه به حبس دوام یا حبس طویل بیش از ده سال محکوم گردد از حقوق و امتیازات آتی نیز محروم میگردد:

- ۱- ماموریت دولت
- ۲- خدمت در اردو
- ۳- عضویت پارلمان ، شاروالیها ، جرگه های ولایتی و محلی
- ۴- سهمگیری در انتخابات بحیث رأی دهنده
- ۵- استعمال عناوین و تعلیق نشانهای دولتی اعم از داخلی و خارجی .
- ۶- عضویت در هیئت مدیره شرکتها و بانکها.
- ۷- وصایت و وکالت در معاملات و دعاوی.
- ۸- شهادت در عقود و معاملات در مدت محکومیت.
- ۹- عقد قرار داد با دوایر دولتی و یا کسب امتیاز از طرف دولت .
- ۱۰- صاحب امتیاز ، مدیر مسول ، ریاست هیئت تحریر مجلات و روز نامه ها.
- ۱۱- اداره اموال و املاک در مدت محکومیت با استثناء وقف و وصیت."

جزای تکمیلی:-

- ۱- طبق ماده (۱۱۸) قانون جزا محکمه میتواند هنگام حکم به حبس طویل الی ده سال یا حکم به حبس متوسط علاوه بر علاوه بر جزا اصلی جرم شخص را از بعضی حقوق و امتیازات مندرج

فقرات (۱-۱۱) مندرج ماده (۱۱۳) قانون جزا محروم سازد مشروط بر اینکه مدت محرومیت از یکسال کمتر و از سه سال بیشتر نباشد.

فقرات (۱-۱۱) ماده (۱۱۳) قانون جزا در بخش جزا تبعی اشاره شد
۲- در صورت صوابدید محکمه یا پیشنهاد خارنوال محکمه میتواند بر علاوه جزای اصلی نشر حکم را بعد از قطعی شدن آن نشر نماید در مورد ماده (۱۲۰) قانون جزا صراحت دارد

مطلب دوم : جرم مجازات محکوم علیه بیشتر از محکوم بها :-

جرم متذکره نیز تحت فصل جرم رویه سوء مؤظف خدمات عامه علیه افراد قابل مطالعه بوده که ذیلاً در قدم اول به تعریف ، بعداً به عناصر و مجازات آن اشاره خواهیم نمود.

متن ماده (۲۷۶) قانون جزا

((هرگاه مؤظف خدمات عامه محکوم علیه را از جزاء محکوم بها شدید تر مجازات کند و یا به آن امر نمائید و یا جزاء را بروی تطبیق نمائید که به آن حکم نشده باشد ، علاوه بر جزای حبس متوسط به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه نیز محکوم می گردد.))
بنابر متن ماده فوق قانونی جرم متذکره برای خویش وصف جدید در ضمن جرایم رویه سوء مؤظف خدمات عامه در برابر افراد کسب مینماید که دارای عناصر متشکله بوده که از متن فوق استخراج میگردد.

عناصر جرم:-

جزء اول :- وصف مرتکب :- مرتکب مؤظف خدمات عامه باشد.

جزء دوم:- عنصر مادی:

عمل وفعل:- تجاوز کردن مؤظف خدمات عامه به مجازات بیشتر از محکوم بها.

نتیجه :- تطبیق مجازات بیشتر از محکوم بها.

رابطه سببیت :- بسبب فعل تجاوز نتیجه بدست میاید .

بخاطر وضاحت بیشتر میخواهیم به فرضیه ذیل اشاره نمایم:

فرضیه

در این فرضیه روشهای ثلاثه مادی جرم را ذیلا اشاره مینمایم :

عبدالقادر به ارتکاب جرم فریبکاری به مدت یکسال حبس تنفیذی محکوم به مجازات گردیده بود ، و از مدت محکوم بها شش ماه اضافه را در محبس سپری نموده است . و علت شش ماه حبس اضافی هم عدم تادیه موضوع جرم فریبکاری (مبلغ ۱۰۰۰۰۰ افغانی) بود که به مدعی حق العبد از جانب عبدالقادر پرداخته نشده.

مدعی حق العبد بخاطریکه پول خویشرا حصول ننموده است از طریق مجرای غیر قانونی به مدیر محبس که از جمله خویشاوندان او است میگوید که عبدالقادر را در وقت تکمیل حبس محکوم بها اش رها ننماید تا زمانیکه پول او را نپرداخته است مدیر محبس قبول مینماید و عبدالقادر را شش ماه اضافه از حبس اش نگه میدارد .

خارنوال نظارت بر محلات سلب آزادی حین بررسی محبس ، اسناد وسوابق زندانیان میبیند که عبدالقادر اضافه از حبس محکوم بها اش در محبس مانده است خارنوال در قدم اول به رهائی عبدالقادر اقدام مینماید . ثانیاً قضیه را انکشاف میدهد در جریان انکشاف و بررسی قضیه در میابد که مدیر محبس قصداً به این عمل دست زده است.

خارنوال نظارت بر محلات سلب آزادی موضوع را به خارنوال ذیصلاح غرض تحقیق و تعقیب عدلی احاله میدارد.

۱- **عمل (فعل)** در قضیه فوق عبارت است از عدم رهائی عبدالقادر در وقت معینه و تکمیل حبس محکوم بها (یکسال) بسبیل تعدا و تجاوز بر آزادی عبدالقادر.

۲- **نتیجه جرمی** : عبارت است از شش ماه حبس اضافی است که به آن محکمه حکم ننموده بود.

۳- **رابطه سببیت**: بسبب عدم رهائی به موقع عبدالقادر که توسط فعل مدیر محبس صورت گرفته منتج به سپری نمودن شش ماه حبس اضافی غیر حق گردیده است .

خلاصه اینکه عمل مدیر محبس با در نظرداشت روشهای ثلاثه (عمل ، نتیجه و رابطه سببیت) عنصر مادی جرم میباشد . و دروصف جرمی جرم مجازات محکوم علیه بیشتر از محکوم بها قابل مجازات میباشد .

جزء سوم :- عنصر معنوی**علم - و اراده**

علم:- موظف خدمات عامه به تمام ورش های عنصر مادی علم داشته باشد

اراده :- شخصی مرتکب به اراده آزاد خویش بدون کدام اکراه مادی یا معنوی مرتکب همین جرم گردد.

یعنی موظف خدمات عامه قصداً و عمداً بالای محکوم علیه مجازات بیشتر از محکوم بها را تطبیق نمائید و قصد جرمی نزد مرتکب وجود داشته باشد، زیرا که این جرم نیز از جمله جرائم عمدی بحساب می آید.

جزء چهارم مجازات:-

جزای اصلی:- مرتکب به اساس ماده (۲۷۶) قانون جزاء مستوجب مجازات حبس متوسط محکوم میگردد.

جزای تکمیلی :- بر علاوه مجازات جزاء اصلی حبس متوسط مرتکب به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه نیز طبق ماده (۲۷۶) قانون جزاء محکوم میگردد.

ماده (۲۷۶) قانون جزا

هرگاه موظف خدمات عامه محکوم علیه را از جزای محکوم بها شدیدتر مجازات کند و یا به آن امر نماید و یا جزای را بر وی تطبیق نماید که به آن حکم نه شده باشد، علاوه بر جزای حبس متوسط به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه نیز محکوم می گردد.

مطلب سوم : جرم هتک حرمت منزل از جانب موظف خدمات عامه :

اساساً منزل شخص از تعرض مصون میباشد هیچکس حتی دولت حق ندارد به حریم شخصی کسی داخل شود یا هم تثبیت نمائید روی همین اصل است که قاعده مصونیت مسکن در رشته حقوق به رسمیت شناخته شده است و این اصل نه تنها که در حقوق موضوعه رسمیت دارد بلکه از اصل شرعی آیه متبرکه الهام گرفته است.

((یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلموا الی اهلها))

((ای آن کسانیکه ایمان آورده اید داخل نشوید به خانه ها غیر از خانه های خود تا وقتیکه اجازه نگیرد و سلام برای اهل همان خانه اداء ننمائید)).

در آیه متبرکه به حرمت داخل شدن منزل غیر اشاره شده است.

قانون اساسی افغانستان طی ماده (۳۸) خویش باتبعیت از آیه متبرکه فوق چنین تصریح نموده است.

(مسکن شخص از تعرض مصون است . هیچ شخصی به شمول دولت ، نمی تواند بدون اجازه ساکن یا قرار محکمه یا صلاحیت به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده است به مسکن شخصی داخل شود یا آن را تفتیش نماید).

در مورد جرم مشهود ، مامور مسئول میتواند بدون اجازه قبلی محکمه ، به مسکن شخصی داخل شود یا آن را تفتیش کند . مامور مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش در خلال مدتی که قانون تعیین میکند قرار محکمه را حاصل نماید).

در متن ماده فوق به اصل حرمت مسکن اشاره شده و این اصل مطلق نبوده ، که استثناء را قبول نکند بعداً در متن ماده (۳۸) مقنن اشاره داشته است که این اصل در صورت جرم مشهود نقض میگردد. مامور موظف مکلف به اخذ اجازه محکمه نبوده میتواند منزل مسکونی شخصی را مورد تلاشی قرار دهد . اما مامور موظف مکلف است تا در خلال مدتی که قانون تعیین میکند صحت اقدام اجراءات خویشرا از محکمه اخذ نماید .

خلال مدتی را که ماده متذکره اشاره داشته در ماده (۳۴) قانون تعدیل اجراءات جزائی مدت یکماه پیشبینی گردیده است یعنی مامور موظف در حالت جرم مشهود هرگاه داخل منزل مسکونی شخصی میشود در خلال مدت یکماه باید صحت اقدام اجراءات خویشرا از محکمه اخذ نماید.

هدف از تبصره کوچک در مورد این بوده تا اشاره به اصل حرمت مسکن شخصی داشته باشیم هرگاه موظف خدمات عامه در غیر از موارد که در قانون پیشبینی گردیده داخل منزل شخص میشود وصف جرمی ، جرم هتک حرمت منزل از جانب موظف خدمت عامه بالای او صدق می نماید . و قابل مجازات بنا بر رویه سوء موظف خدمت عامه علیه افراد دانسته میشود.

بناً در این بخش خویش به تعریف ، عناصر متشکله و مجازات جرم متذکره اشاره خواهیم داشت.

متن ماده (۲۷۷) قانون جزا :-

((هرگاه موظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظيفوی خود در منزل شخص بدون اجازه او و در غير از حالات و ترتیبی که قانون به آن تصریح نموده داخل شود، به حبس یک سال بیشتر نباشد یا جزا نقدی که از بیست چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.))

در متن ماده فوق اشاره شده به حالات غیر قانونی دخول به منزل هرگاه موظف خدمات عامه داخل منزل شخصی شخص بدون حالت قانونی گردد تحت مؤیده جزائی وصف فوق میاید.

اگر بخواهیم با عناصر و خصائص این جرم آشنا شویم باید به عناصر اختصاصی آن مراجعه نمائیم که به تعقیب اشاره میگردد.

عناصر جرم:-

جزء اول:- وصف مرتکب :- مرتکب عملی جرمی موظف خدمات عامه باشد.

جزء دوم:- عنصر مادی

عمل:- فعل دخول شدن به منزل مسکونی بدون موجب قانونی

نتیجه :- نقض حرمت منزل شخص

رابطه سببیت :- به سبب فعل داخل شدن به منزل بدون موجب قانونی که منتج به هتک حرمت منزل میگردد.

جزء سوم:- عنصر معنوی:-

علم – و اراده

علم :- شخصی مرتکب و موظف خدمات عامه بداند به روش های ثلاثه عنصر مادی که داخل شدن به منزل مسکونی شخص بدون مجوز قانونی جواز ندارد.

اراده:- شخص مرتکب با اراده آزاد خویش در حالت صحت ادراک عقل بدون جهالت مرتکب جرم هتک حرمت منزل شخصی شخص میگردد.

که در اینجا نیز به یک قضیه فرضی برای وضاحت عنصر معنوی اشاره مینمایم.

قضیه فرضی

پولیس منطقه ده بری مربوط حوزه سوم شهرکابل ساعت (۱۰) بجه شب در حالت گشت زدن و گزمه میباشد در یکی از کوچه های فرعی سر صدا را میشنود (هله کمک نماید که مرا میکشد) پولیس بلا درنگ به محل صدا شتافته و داخل منزل که از او صدا بر میاید میشوند . میبیند که تمام اعضا فامیل مشغول دیدن یک فلم سینمایی در تلویزیون استند و نا آگهان پولیس داخل مشوند و صدا میزنند که از جای خویش تکان نخورند . پولیس در اولین مشاهده خویش میبیند که کدام جرم قتل در حالت و قوع نمی باشد . پولیس از این خطا خویش معذرت میخواهد و از منزل خارج میشود .

اما مالک و اعضا فامیل که بسیار از این حرکت پولیس ترسیده بودند به وزارت داخله عارض و خواهان پیگیری این قضیه میگرددند و همچنان در ورقه عرض خویش بیان داشته اند که پولیس به کدام عمل شومی جرمی وارد منزل شده بودند و حینکه دیدند تمام اعضا فامیل بیدار استند به عمل شومی خویش نایل نشدند و به گفتن معذرت خواهی منزل را ترک کردند.

قضیه از جانب حارنوالی پیگیری گردید دیده شد که پولیس به قصد جرمی وارد منزل مذکور نشده است و همچنان عمل ارتكابی جهالتی بود که ایشان از صدا خواستار کمک به این عمل دست زدند

نتیجه: در این عمل پولیس عنصر معنوی و جود ندارد که عبارت از علم و اراده (قصد) میباشد بناء ما این عمل را نه تنها در وصف هتک حرمت منزل از جانب موظف خدمات عامه آورده نمیتوانیم بلکه اصلا جرم گفته نمیتوانیم.

جزء چهارم - مجازات :-
جزاء اصلی:-

الف :- جزاء حبس شخص مرتکب در وصف جرمی هتک حرمت منزل از جانب موظف خدمات عامه طبق ماده (۲۷۶) قانون جزاء به حبس که از دو سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

ب:- جزاء نقدی مرتکب نسبت حالات و احوال جرم و مجرم که از بیست چهار هزار افغانی تجاوز ننماید نیز محکوم شده میتواند.

جزاء تبعی :- این جرم جزاء تبعی ندارد زیرا که مجازات حدنهایی آن الی دوسال حبس است و خصیصه جزاء تبعی اینست که هرگاه شخص به بیشتر از ده سال محکوم گردد از حقوق مدنی خویش که در ماده (۱۱۳) قانون جزاء پیشبینی گردیده بدون حکم محاکم تبعاً محروم میگردد.

جزاء تکمیلی:- هرگاه محکمه بخواهد بعد از حکم قطعی و نهائی میتواند در حکم خویش طبق ماده (۱۲۰) قانونه جزاء به نشر حکم نیز تصریح نماید.

مطلب چهارم : جرم خشونت مؤلف خدمات عامه علیه افراد:-

جرم متذکره نیز تحت فصل جرایم رویه سوء مؤلف خدمات عامه میاید و در قانون جزاء تحت یک ماده جداگانه پیشبینی گردیده است که ذیلاً اول به تعریف قانونی آن اشاره خواهیم نمود:

متن ماده ۲۷۸ قانون جزاء :- ((هرگاه موظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود با شخص طوری شدت و خشونت نماید که موجب الام جسمی یا منافی آبرو و حیثیت او گردد، حسب احوال به حبسیکه از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.))

عناصر جرم :-

جزء اول :- وصف مرتکب :- مرتکب جرم مؤلف خدمات عامه باشد. و در محدوده وظیفوی خویش مرتکب چنین جرم گردد.

جزء دوم:- عنصر مادی:-

فعل :- عبارت است از هر فعل و عمل خشونت بار از جانب مرتکب (موظف خدمات عامه) بالای اشخاص مشروط بر اینکه موجب الام جسمی یا منافی آبرو و حیثیت آنها گردد.

نتیجه:- موجب الام جسمی یا منافی آبرو و چیشت شخص گردد.

رابطه سببیت:- سبب حاصل شدن فعل خشونت از جانب مؤلف خدمات عامه منجر به الام جسمی و منافی آبرو و حیثیت شخص گردد.

جزء سوم : مجازات:-**جزاء اصلی:-**

جزاء حبس :- شخص مرتکب طبق ماده (۲۷۸) قانون جزاء به حبس که از دو سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

جزاء نقدی :- بغیر از جزاء حبس به جزاء نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

جزاء تکمیلی :- محکمه بالاثّر صوابدید خود و یا هم تقاضا خاړنوالی بعد از حکم قطعی و یانهای حکم میتواند در فیصله خویش به نشر حکم تصریح نماید.

مطلب پنجم : جرم غصب ملک غیر از جانب مؤلف خدمات عامه:-

این جرم نیز تحت فصل جرائم رویه سوء مؤلف خدمات عامه در قانون جزاء تحدید شده است زیرا که مؤلف خدمات عامه دارای اعمال نفوذ قدرت دولتی خویش بوده وبالاثر غریضه خود پسندی خویش امکان دارد از رویه سوء علیه افراد استفاده نمایند و بدون رضایت شخصی مالک آنرا خریداری و یا هم غصب نمایند اگر چه خریداری بدون رضایت نیز در حکم غصب میاید.

اگر به موضوعات بیع و عقود مراجعه نمائیم از جمله ارکان عقد در مجموع ایجاب و قبول به رضایت بوده هرگاه در ایجاب و قبول رضایت وجود نداشته باشد و رضایت طرفین چی در خرید و چی هم در فروش سلب گردیده باشد این عقد بالاثر فقدان ارکان آن باطل میباشد و اصلاً متحقق نمیگردد بطلان عقد مؤیده مدنی آن بوده اما بر علاوه مؤیده جزائی نیز دارد شخص مرتکب از وظیفه خویش سوء استفاده نموده مورد مجازات دانسته میشود.

متن ماده (۲۷۹) قانون جزاء ((هرگاه مؤلف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود مال منقول یا غیر منقول را از مالک آن به زور بخرد یا بدون حق آنرا در تصرف مالکانه خود در آورد و یا مالک را بفروش مال به شخص دیگری مجبور سازد ، علاوه به حبسی که از دو سال بیشتر و جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی متجاوز نباشد به جزای طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه و به رد شی غصب شده و یا قیمت آن، اگر عین شی موجود نباشد محکوم می گردد.))

در متن ماده فوق به سه حالت اشاره شده است.

الف:- حالت بیع به جبر که رضایت سلب می‌گردد که در حکم غصب می‌باشد

ب:- حالت دیگر بدون سپردن تعویض به جانب مقابل آنرا در تصرف خود بیاورد

ج:- حالت سومی مالک را مجبور می‌گرداند که ملک خویشرا بدون رضایت به شخصی بفروش برساند.

عناصر جرم :-

عناصر متشکله این جرم را نیز از متن ماده (۲۷۹) قانون جزا در ضمن قیود آن استنباط مینمائیم

جزء اول:- وصف مرتکب : مرتکب دارای وصف مؤلف خدمات عامه باشد.

جزء دوم عنصر مادی:

عمل و فعل: گرفتن و غصب کردن مال غیر بدون حق و یا هم خرید و فروش ملک غیر بدون رضاء مالک اش.

نتیجه :- اخذ مال و ملکیت مجنی علیه بدون رضایت او بقصد تصاحب از جانب مؤلف خدمات عامه

رابطه سببیت :- رابطه فعل که خرید و فروش است بسبب اکراه مالک مال مبنی بر اعطاء ملکیت اش بر شخصی غیر بدون رضایت

جزء سوم:- عنصر معنوی:-

در عنصر معنوی دو حالت وجود دارد.

1- علم به عمل ارتكابی داشته باشد که تحت تصرف می‌آورد ملک غیر را و یا هم علم به روشهای

ثلاثه عنصر مادی داشته باشد که این عمل او خلاف قانون است.

2- نفس اکراه مالک مال به قصد باشد.

جزء چهارم مجازات :-

جزاء اصلی :-

جزاء حبس: طبق ماده (۲۷۹) قانون جزاء به حبس که از دو سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

جزاء نقدی :- بغیر از حبس محکمه میتواند مرتکب را به جزاء نقدی که بیست و چهار هزار افغانی تجاوز ننماید محکوم مینماید.

جزاء تکمیلی:- بر علاوه مجازات اصلی محکمه میتواند شخص مرتکب را که از وظیفه خویش سوء استفاده نموده است و به عهد و سوگند وفا دارای خویش که در ابتداء کسب وظیفه اداء نموده وفا دار نبوده به طرد از مسلک یا انفصال از آن نیز محکوم میگردد. طبق ماده (۲۷۹) قانون جزا طبق ماده (۱۲۰) قانون جزا محکمه به صوابدید خود یا تقاضا خرنوال میتواند در فیصله بعد از قطعیت و نهایت حکم به نشر حکم تصریح بدارد.

مبحث پنجم

جرم تزویر

متن ماده (۳۰۹) قانون جزاء: (تزویر عبارت است از ساختن نوشته ها، اسناد، امضاء و مهر، خلاف حقیقت یا تغییر دادن آن به وسیله اضافت، تبدیل، تقلید یا حذف)

تزویر، جعل و تقلید جرایمی اند که هر کدام در فصلهای جداگانه قانون جزاء افغانستان گنجانیده شده اند و از جمله جرایم مماثل بحساب میایند

جرم جعل از ماده ۳۰۲ الی ماده ۳۰۸ .

جرم تزویر از ماده ۳۰۹ الی ماده ۳۲۲ .

جرم تقلید از ماده ۳۲۳ الی ماده ۳۲۴. قانون جزاء افغانستان، جعل و تزویر را تعریف کرده و تقلید را تعریف نکرده است. در قانون مذکور، جعل اصطلاحی است که بر پول وضع شده، یعنی موضوع جرم جعل را پول و مسکوکات تشکیل میدهد و در فقره ۲ ماده ۳۰۲ چنین تعریف شده است: " تقلید پول مروج، تنقیص مقدار اصلی مسکوکات یا ملمع کردن آن به قسمی که با پول مروج دیگر که ارزش آن بیشتر باشد شبیه گردد، جعل شمرده میشود.)

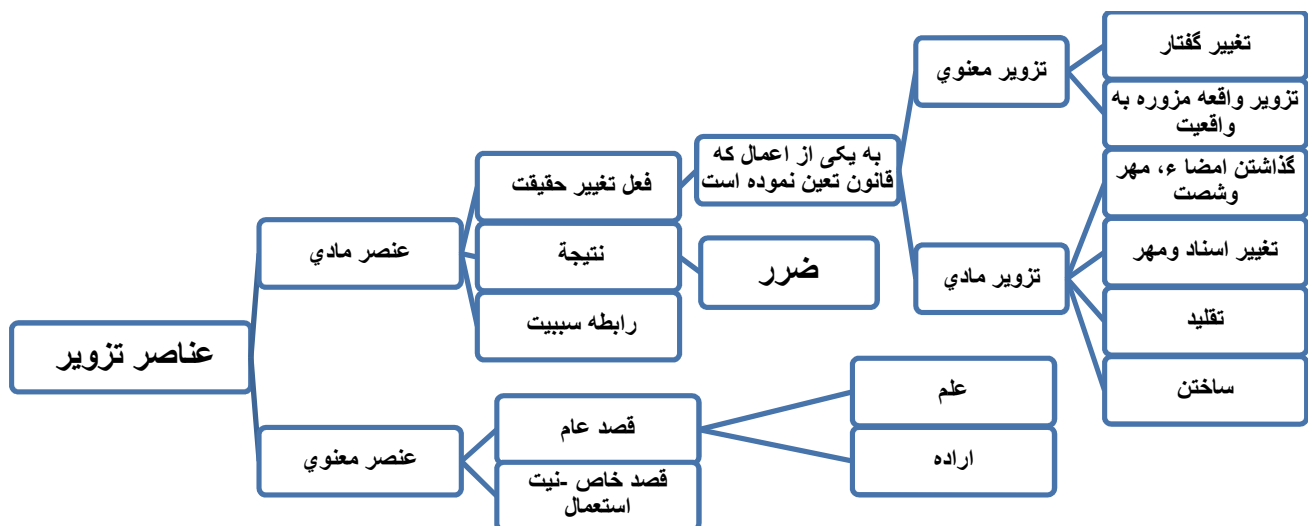
تزویر اصطلاحی است که به نوشته ها، اسناد، امضاء و مهر، وضع شده که گفته می‌توانیم موضوع جرم تزویر اسناد است و در ماده ۳۰۹ چنین تعریف شده است: "تزویر عبارت است از ساختن نوشته ها، اسناد، امضاء و مهر، خلاف حقیقت یا تغییر دادن آن به وسیله اضافت، تبدیل، تقلید یا حذف".

و تقلید اصطلاحی است که به علامات و اشیای مطبوع پستی، تلگرافی و مالیاتی وضع شده است.

بناء اگر خواسته باشیم اصطلاحات مذکور را رعایت کنیم، هر کدام را به جایش استعمال نمائیم؛ یعنی بگوئیم: (پول جعلی) (اسناد مزور، امضاء مزور، مهر مزور) (تکت پستی تقلیدی).

به هر حال؛ می‌خواهیم روی این مطلب اشاره کنیم که در این مجموعه فقط روی مسائل مربوط به تزویر بحث صورت گرفته است.

ب - عناصر جرم تزویر: جرم تزویر مانند هر جرم دیگری دارای عناصر می‌باشد که ذیلاً اشاره می‌گردد.



جزء اول عنصر مادی:

عنصر مادی جرم تزویر نیز دارای روش های ثلاثه ذیل می‌باشد.

عمل و فعل مرتکب: - در عمل و فعل تغییر حقیقت است توسط ساختن اعمال و سیلوی و مبنی بر امضا، مهر، نشان انگشت، اضافت، تبدیل، تقلید یا حذف در کتابت اسناد که به دونوع ذیل عمل و فعل قابل بحث می‌باشد.

فعل مثبت(ایجابی): که همان تغیر حقیقت در یک نوشته دارای ارزش و سندیت، به یکی از صور پیش‌بینی شده در قانون است، که فوقا اشاره شد.

نتیجه :- نفس تبدیل د رتغیر حقیقت که در موارد ذیل آنرا توضیح مینمائیم .

رابطه سببیت:- مرتب شدن نتیجه بسبب یکی از افعال که قانون تعیین نموده است از قبیل ساختن امضا ، مهر ، نشان اضافت ، تبدیل ، تقلید و حذف که نتیجه فعل مرتکب باشد.

موارد عنصرمادی تزویر:

الف: تحصیل غافل گیرانه امضاء واقعی:

هرگاه به طور غافل گیرانه و توأم با قصد جرمی از شخصی امضا گرفته شود، هر چند که امضاء، واقعی می باشد ولی دو شرط تزویر و غافل گیرانه بودن موجب می شود که جرم تزویر تحقق پیدا کند. و این همانند مثال زاهد است که فوقا به گونه مثال ذکر شد و با استفاده از فرصت ضعف بیسوادی زاهد امضاء او در سند فروش غیر محدوده تعیین شده از جانب او گرفته شده است .

ب: تراشیدن و خراشیدن:

خراشیدن، از بین بردن یک جزء کلمه است مثل اینکه کلمه "نمی فروشم " را به "می فروشم" به تراش کردن حرف "نون" تبدیل کند .

ج: اضافت در نوشته:

عبارت است از تغییر و تبدیل حروف و کلمات یا ارقام موجو د، بدون اینکه کلمه یا رقم جدیدی اضافه شود مثل اینکه عدد ۱ را به ۲ یا ۳ تبدیل کند. یا عینا در مثال فوق عوض کلمه "می فروشم " بالوسيله اضافت "نون" "نمی فروشم " شود.

د: اعتبار بخشیدن به نوشته یا سند:

عبارت از اعتبار بخشیدن به سند یا نوشته باطل از طریق پاک کردن و از بین بردن علامت بطلان سند یا کلمه "باطل" از روی سند است.

ه: الحاق و الصاق:

درالصاق، حداقل دو نوشته متفاوت از یک شخص به همدیگر وصل و چسبانده می‌شود به طوری که در نظر اول یک سند به حساب می‌آیند ولی در الحاق، رقم یا حرف یا کلمه ای در متن یا حاشیه یک سند اضافه می‌شود.

بر علاوه موارد که فوقاً تذکر یافت قانون اصول محاکمات مدنی در قسمت اسناد و وثایق تزویری موارد آتی را نیز در اثبات جرم تزویر مد نظر می‌گیرد که در ماده (314) خویش در نظر گرفته است.

ماده متذکره چنین حکم مینماید :

"رعایت نکات آتی در رسیدگی اسناد مشبوه و جعلی ضروری است:

۱- دقت در خط

۲- دقت در امضا

۳- دقت در مهر

۴- دقت در نشان شصت

۵- گل و تراش و قلم خوردگی بدون تصحیح

۶- برآمده گی بدون مهر و امضاء

۷- فوتو مشمولین وثیقه

۸- تفاوت در اصل و ثبت و وثیقه"

جزء دوم عنصر معنوی:

عبارت از علم و قصد در فعل یا ترک فعل است؛ یعنی علم به روشهای ثلاثه عنصر مادی جرم تزویر مرتکب داشته باشد و در قبال عمل خویش عمد و قصد داشته باشد .

بناء اگر شخص یک عمل خلاف حقیقت را بدون قصد تزویر مرتکب شود، تزویرکار شمرده نمی‌شود. مثلاً شخصی قلم و کاغذ روی دست گرفته امضاهای گونه گون مینماید یا برای خود یک نوع امضای خوب انتخاب کند، در نتیجه امضایی را برای خود برگزید که شباهت با امضای رئیس ارزاق داشت، آیا میتوان این شخص را به جرم تزویر امضای رئیس ارزاق متهم کرد؟

در مورد قصد میتوان گفت که در جرم تزویر هم قصد عام و جود دارد و هم قصد خاص که ذیلاً توضیح میداریم

الف : قصد عام : در جرم تزویر مرتکب در عمل جرمی خویش قصد خاص دارد ، نفس عمل جرمی تزویر تقاضا کننده قصد خاص میباشد یعنی تمام اعمال وسیلوی از قبیل (ساختن امضا ، مهر ، نشان اضافت ، تبدیل ، تقلید و حذف تبدیل) را تحت قصد عام جرمی عنوان میکنیم .

ب : قصد خاص : در جرم تزویر قصد خاص هم متحقق شده میتواند . هرگاه مرتکب قصد خاص جرم تزویر بخواهد که اسناد تهیه شده تزویری را استعمال نماید عمل جرمی استعمال اسناد مزور تحت قصد خاص عنوان میگردد .

وهمچنان شخص مرتکب در استعمال اسناد تزویری علم داشته باشد به تزویر بودن اسناد در وقت استعمال آن ، در قصد عام شرط نیست که هرگاه نزد شخص اسناد مزور دریافت گردد و او به مزور بودن آن علم نداشته طبعا که علم نداشته باشد قصد عام بوجود نمی آید .

مثال: اگر فرض کنیم که خالد وکیل مدافع محمود در محکمه مدنی ابتدائیه حوزه سوم شهر کابل در قسمت یک دربند حویلی است و محمود برای خالد وکیل مدافع سند ملکیت موضوع دعوی (حویلی) را میدهد و برایش وانمود میسازد که این سند ملکیت بدون کدام تزویر است در جریان پیشبرد دعوی محکمه در مورد صحت و سقم سند ملکیت که از جانب خالد وکیل مدافع به محکمه تقدیم گردیده از آمریت مخزن ریاست محکمه استیناف ولایت کابل متقاضی معلومات میگردد در زمینه آمریت مخزن از تزویری بودن سند متذکره ابراز نظر مینماید .

در این فرضیه خالد وکیل مدافع کدام مسولیت جزائی ندارد زیرا که او به تزویری بودن سند متذکره علم نداشت که به قصد عام خویش آنرا استعمال نماید. و هرگاه ثابت گردد که خالد وکیل مدافع هم علم به تزویری بودن سند متذکره داشت و آنرا به قصد عام خویش استعمال نموده در این صورت مسولیت جزائی دارد و در وصف جرم تزویر قابل مجازات میباشد.

چنانچه در (۳۱۰) قانون جزاء با و جود علم به قصد عام اشاره شده است و چنین صراحت دارد

1- شخصی که یکی از اشیاء آتی را تزویر یا با وجود علم به تزویر آن استعمال یا آنرا به افغانستان داخل نماید حسب احوال به حبس طویل محکوم می گردد:

- ۱- قانون، فرمان یا امر ریاست جمهوری ، تصویب حکومت و یا فرمان صدارت و یا حکم قطعی محکمه
- ۲- مهر دولت ، مهر یا امضای رئیس دولت.

۳- شخصی که یکی از اشیای آتی را به قصد تزویر بسازد یا با وجود علم به تزویر آن استعمال یا آنرا به افغانستان داخل نماید حسب احوال به حبس متوسط محکوم میگردد:

۱- مهر ، تاپه یا علامه یکی از ادارات یا تصدیهای دولت.

۲- امضاء یا علامه یکی از موظفین خدمات عامه.

۳- علامه رسمی مشخصه عیار طلا و نقره .

۴- جدول معاش یا اسناد صادره خزائن دولت.

۵- اوراق مالی بانکها که صدور آن قانوناً مجاز باشد.

۶- شهادت نامه یا اسناد تحصیلی اعم از داخلی و خارجی .

جزء سوم موضوع جرم تزویر:-

موضوع جرم تزویر عبارت از اسناد است که در جرم تزویر من حیث موضوع جرم مد نظر گرفته شده است و این اسناد که موضوع جرم تزویر را تشکیل میدهد به صورت نوشته، درسند یا چیز دیگر تجلی پیدا می‌کند. در قانون، آنجا که صحبت از «نوشته ها» می‌شود، مطلق نوشته مورد حکم قرار می‌گیرد ولی آنجا که صحبت از « اشیاء» می‌شود، اشکال خاص آن مهر، تاپه، علامت، و... مدنظر می‌باشد. نوشته موضوع تزویر باید سندیت داشته باشد؛ بدین معنی که بتواند مثبت حق بوده و دارای قابلیت استناد در مراجع قانونی باشد

قضیه فرضی

خالد یک عراده موتر کرولا نو وارد را خریداری نموده بود مراحل اخذ نمبر پلیت را طی مراحل ننموده بود.

روزجمعه میخواست با دوستان اش به قرغه بخاطر میله برود در منزل موصوف نمبر پلیت موتر دیگر موجود بوده آنرا به موتر نو وارد نصب مینماید و به طرف میله میروند در جریان راه پوسته های تلاشی موتر را متوقف میسازد و از خالد خواستار اسناد موتر (جواز سیر) میگردد خالد در جواب بیان میدارد که اسناد موتر ندارد و موتر جدیداً وارد گردیده است خالد به اتهام نصب پلیت غیر واقعی تحت باز پرس قرار میگیرد پولیس بعداً قضیه را به خاړنوالی راجع میسازد شما من حیث خاړنوال سوالات ذیل را چگونه تحلیل مینماید :

۱- آیا عمل خالد جرم است و یا خیر ؟

۲- اگر جواب جزء فوق مثبت باشد (عمل خالد جرم است) پس وصف جرمی عمل ارتكابی خالد چی است .

جزء چهارم :- عنصر ضرر وارده:

نتیجه جرم همان ضرر است؛ یعنی به واسطه تزویر، ضرری به غیر وارد شود. عنصر ضرر در تزویر، مفروض گرفته شده است و ضرورتی ندارد که مدعی تزویر در مقام اثبات آن برآید. همچنین احتمال وجود ضرر کفایت می کند و لازم نیست که ضرر، تحقق خارجی داشته باشد.

جزء پنجم:- وصف و خصوصیت مرتکب:

اشخاصی که مرتکب جرم تزویر شمرده میشوند عبارت اند از: تزویرکار، استعمال کننده تزویر و وارد کننده آن به افغانستان.

ماده ۲۱۰ قانون جزاء در زمینه چنین تصریح میکند:

"شخصیکه یکی از اشیای آتی را تزویر یا باوجود علم به تزویر آن استعمال، و یا آنرا به افغانستان داخل نماید، حسب حالات به حبس طویل محکوم میگردد".

بر اساس قید ماده فوق که ذکر (شخص) آمده است اشخاصی که مرتکب جرم تزویر شمرده میشوند، متشکل از افراد عادی یا موظفین دولت می باشند.

جرم تزویر را در کتگوری جرائم فساد اداری مورد مطالعه قرار میدهم از دو لحاظ قابل دقت و تذکر میباشد:

۱- از لحاظ اینکه که ضرر جرم اکثراً متوجه اداره میباشد و جرائم فساد اداری با اضافت (اداره) این وصف را به خود کسب میکند.

۲- از لحاظ اینکه بعضاً جرم تزویر از جانب موظف خدمات عامه در خلال وظیفه اش صورت میگیرد.

بنأ در عنصر وصف و خصوصیت مرتکب که باید موظف خدمات عامه باشد صرفاً عمل مرتکب را در کتگوری جرم فساد اداری مورد مطالعه قرار میدهم.

وهرگاه مرتکب جرم تزویر اشخاص عادی باشند که دارای وصف موظفیت خدمات عامه که در ماده (۱۲) قانون توصیف شده اند نباشد نمیتوانیم جرم مرتکب اشخاص عادی را کتگوری جرائم فساد اداری تحديد نمایم

جزء ششم : مجازات جرم تزویر:

1- جزای اصلی:- جزای اصلی تزویر نظر به موضوع و وصف مرتکب آن، تفاوت میکند. بناء تفاوت جزای تزویر را از دوزاویه مورد مطالعه قرار میدهم:

اول : تفاوت جزای تزویر نظربه موضوع آن

دوم : تفاوت جزای تزویر نظربه وصف مرتکب آن

اول : تفاوت جزای تزویر نظر به موضوع آن قرارذیل است:

الف : حبس طویل: (شخصیکه یکی از اشیای آتی را تزویر، یا باوجود علم به تزویر آن استعمال ویا آنرا به افغانستان داخل نماید، حسب حالات به حبس طویل محکوم میگردد:

۱- قانون، فرمان یا امر ریاست جمهوری، تصویب حکومت ویا فرمان صدارت ویا حکم قطعی محکمه.

۲- مهر دولت، مهر یا امضای رئیس دولت. (م ۳۱۰ ق.ج)

اعمال فوق را خواه اشخاص عادی مرتکب شوند یا موظفین خدمات عامه، مسئولیت یکسان دارند، چون کلمه "شخص" دربرگیرنده تمام افراد اعم از موظف و غیرموظف میباشد.

ب : حبس متوسط : (شخصیکه یکی از اشیای آتی را به قصد تزویر بسازد، یا باوجود علم به تزویر آن استعمال ویا آنرا به افغانستان داخل نماید، حسب حالات به حبس متوسط محکوم میگردد:

۱- مهر، تاپه یا علامه یکی از ادارات یا تصدیهای دولت.

۲- مهر، امضاء یا علامه یکی از موظفین خدمات عامه.

۳- علامه رسمی مشخصه عیار طلا و نقره.

۴- جدول معاش یا اسناد صادره خزائن دولت.

۵- اوراق مالی بانک که صدور آن قانونا مجاز باشد.

۶- شهادت نامه یا اسناد تحصیلی اعم از داخلی و خارجی.

دوم : تفاوت جزای تزویر نظربه وصف مرتکب آن:

ج : حبس طویل : " ماده ۳۱۳ قانون جزاء:

فقره ۱ : (هرگاه موظف خدمات عامه دراثنای اجرای وظیفه، احکام صادره، تصویب، وثایق، کتب ثبت اسناد، دفاتر وسایر اسناد ونوشته جات رسمی را عمداً تزویر نماید، حسب حالات به حبس طویل محکوم میگردد).

فقره ۲ : (اگر تزویر مندرج فقره فوق (یعنی فقره ۱ ماده ۳۱۳) در اسناد عرفی صورت گیرد، مرتکب حسب حالات به حبس متوسط یا قصیر محکوم میگردد)

تعدیل ماده ۳۱۴ قانون جزا) هرگاه مرتکب جرائم مندرج ماده (۳۱۳) این قانون موظف خدمات عامه نباشد، حسب حالات به حبس قصیر یا متوسط محکوم میگردد) فرمان شماره (۲۰۰۷) مورخ ۱۳۵۶/۱۰/۲۹ در مورد تعدیل ماده متذکره.

2- جزای تبعی :

مرتکب بر علاوه جزاء اصلی به محرومیت حقوق که در ماده (113) قانون جزا تحدید شده بدون اینکه محکمه در حکم خویش تصریح کند نیز محکوم میگردد مشروط بر اینکه مجازات اصلی حبس از ده سال بیشتر باشد.

3- جزای تکمیلی :

مصادره: وسایل ، اسناد و اشیا که در تزویر استفاده میگردد طبق ماده (۱۱۹) قانون جزا قابل مصادره میباشد.

حرمان از بعضی حقوق: هرگاه جزا اصلی حبس طویل که از ده سال کمتر باشد محکمه میتواند به حرمان بعضی از حقوق ماده (۱۱۳) قانون جزا نیز حکم صادر نماید در مورد ماده (۱۱۸) قانون جزا چنین حکم مینماید.

(محکمه میتواند هنگام حکم به حبس طویل الی ده سال یا حکم به حبس متوسط علاوه بر جزای اصلی جرم شخصی را از بعضی حقوق و امتیازات مندرج فقرات (۱-۱۱) مندرج ماده (۱۱۳) این قانون محروم سازد مشروط بر اینکه مدت محرومیت از یکسال کمتر و از سه سال بیشتر نباشد.)

نشر حکم: محکمه به صوابدید خود یا پیشنهاد حارنوال میتواند بعد از نهائی و قطعی شدن حکم به نشر آن نیز در فیصله خویش تصریح کند.

حالت تبرئه کننده:

هرگاه مرتکب جرم تزویر، از عمل خود پشیمان شود؛ پشیمانی او دو حالت دارد :

اول : پشیمانی قبل از اتمام جرم یا قبل از آغاز تحقیق (یعنی قبل از اینکه مراجع دولتی از جرم او آگاه شوند)

دوم : پشیمانی او بعد در مرحله محاکمه.

در رابطه به حالت اول، ماده ۳۱۱ قانون جزاء چنین تصریح میکند: "در حالات مندرج ماده ۳۱۰

این قانون، مجرمیکه قبل از اتمام جرم یا آغاز تحقیق، از جرم خود به مراجع با صلاحیت دولت اطلاع دهد، از جزاء معاف میگردد".

در رابطه به حالت دوم، ماده ۳۱۲ قانون جزاء چنین تصریح میکند: "محکمه میتواند مجرم مندرج ماده (۳۱۱) این قانون را بعد از آغاز تحقیق، از جزا معاف نماید، مشروط بر اینکه اطلاع وی مراجع با صلاحیت دولتی را قادر گرداند که سایر مرتکبین این جرم و یا جرایم ممثل آنرا گرفتار نماید"

مبحث دوم

انواع جرم تزویر

در قانون جزاء انواع جرم تزویر با احکام متفاوت قانونی تحت یک فصل پیشبینی گردیده است که عبارت اند از:

۱- تزویر اسناد رسمی از جانب موظف خدمات عامه

۲- تزویر اسناد غیر رسمی از جانب موظف خدمات عامه

۳- تزویر اسناد رسمی از جانب اشخاص عادی

۴- تزویر اسناد غیر رسمی از جانب اشخاص عادی

۵- تزویر معنوی

۶- استعمال اسناد تزویری

۷- تزویر در اعمال طبی

که به هر کدام طبق مواد قانون صرفاً معرفی مینمایم

جزء اول : تزویر اسناد رسمی از جانب موظف خدمات عامه:

ماده سه صد و سیزدهم

۱- هرگاه موظف خدمات عامه در اثنای اجرای وظیفه احکام صادره ، تصاویر ، وثایق ، کتب ثبت اسناد ، دفاتر و سایر اسناد و نوشته جات رسمی را عمداً تزویر نماید، حسب احوال به حبس طویل محکوم میگردد.

جزء دوم : تزویر اسناد غیر رسمی از جانب موظف خدمات عامه

ماده سه صد و سیزدهم

۲ - اگر تزویر مندرج فقره فوق در اسناد عرفی صورت گیرد، مرتکب حسب احوال به حبس متوسط یا قصیر محکوم می گردد.

جزء سوم : تزویر اسناد رسمی از جانب اشخاص عادی:

ماده سه صد و چهاردهم

هرگاه مرتکب جرائم مندرج ماده (313) این قانون موظف خدمات عامه نباشد، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال تجاوز نکند محکوم می گردد.

نوت:

مجازات ماده فوق حبس طویل از ده سال تجاوز نکند به حبس قصیر یا متوسط تعدیل شده است.

جزء چهارم : تزویر اسناد غیر رسمی از جانب اشخاص عادی:

در این نوع جرم تزویر هم ماده (314) صراحت دارد زیرا که ماده متذکره به ماده (313) حواله داده است و در ماده (313) به هردو جرم اشاره شده است که عبارت اند از اسناد رسمی و اسناد غیر رسمی استند.

جزء پنجم : تزویر معنوی:

ماده سه صد و پانزدهم

هر موظف خدمات عامه که به قصد تزویر متن یا شکل اسناد را هنگام تحریر آن من حیث وظیفه تغییر بدهد خواه این تغییر در اقرار شخص باشد که سند برای او تحریر می شود و یا واقعه مزوره را با وجود علم به تزویر آن به شکل واقعه صحیح درج نماید، حسب احوال به حبس طویل محکوم می گردد.

جزء ششم : استعمال اسناد تزویری:

ماده سه صد و شانزدهم

شخصی که اوراق تزویر شده مندرج مواد (313 - 314 و 315) این قانون را با وجود علم به تزویر آن استعمال نماید، حسب احوال به حبس طویلی که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

ماده سه صد و هفدهم

شخصی که در نوشته شخص دیگری مرتکب تزویر گردد یا با وجود علم به تزویر ورق تزویر شده را استعمال نماید، حسب احوال به حبس متوسط محکوم می گردد.

ماده سه صد و هجدهم

شخصی که غیر حق مهر حقیقی دولت یا مهر یکی از ادارات یا تصدیهای دولت را بدست آورد و آنرا بضرر منافع عامه یا خصوصی استعمال نماید، علاوه بر جبران خساره عاید به حبس متوسط محکوم می گردد.

جزء هفتم: تزویر در اعمال طبی:

ماده سه صد و نهم

1 - طبیب، جراح و یا قابله ای که تصدیق یا اظهارات مزور را با وجود علم به تزویر آن در موارد حمل، مرض، معلولیت، عیب و یا وفات به شخص بدهد، حسب احوال به حبس متوسط و یا جزای نقدی که از (دوازده هزار) افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم میگردد.

2- اگر جرم مندرج فقره فوق به اثر طلب چیزی برای خود و یا شخص دیگری و یا در بدل قبول و یا اخذ وعده یا بخشش ارتکاب گردد، مرتکب به حبس متوسط و یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

ماده سه صد و بیستم

شخصی که خود او یا توسط شخص دیگر تصدیق را در مورد اثبات معلولیت برای خود و یا برای شخص دیگر بمنظور تقدیم آن به محکمه یا به قصد اینکه خود یا شخص دیگری را از یکی از خدمات عامه رها سازد بنام طبیب یا جراح تزویر نماید، حسب احوال به حبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

مبحث ششم

جرایم تحت فصل تجاوز موظف خدمات عامه از حدود صلاحیت اش

در قانون جزاء دو نوع جرایم موظف خدمات عامه در دو فصل جداگانه پیشبینی گردیده است که یکی آن در مقابل مصلحت عامه است و دیگری آن در مقابل مصلحت فرد و یا افراد است.

جرایم که از جانب موظف خدمات عامه در مقابل مصلحت فرد میباشد مثل جرایم فصل پنجم باب اول کتاب دوم قانون جزاء جرایم رویه سوء موظف خدمات عامه علیه افراد که در لابلای بحث چهارم به آن مفصلاً اشاره نمودیم، جرایم که از جانب موظف خدمات عامه بر ضد و مصلحت اجتماع میباشد مثل

جرایم فصل هفتم باب اول کتاب دوم قانون جزاء جرایم تجاوز مؤلف خدمات عامه از حدود صلاحیت شان که این جرایم در یک فصل قرار ذیل تصنیف بندی شده اند.

۱- جرم ممانعت در روند یا اخلال و تطبیق عدالت.

۲- جرم متوقف ساختن اوامر صادره مراجع ذیصلاح از جانب مؤلف خدمات عامه.

۳- جرم استنکاف از وظیفه

که به هر کدام از جرایم فوق در این بحث خویش اشاره خواهیم داشت

مطلب اول : جرم ممانعت در روند یا اخلال در تطبیق عدالت

این جرم در قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری نیز طی فقره (۷) ماده (۳) تذکر یافته است مؤلف خدمات عامه بمنظور عدم تطبیق عدالت و مانع شدن آن اعمالی را انجام میدهد که اخلال وارد مینماید . که در قدم اول به متن ماده قانون و بعداً به عناصر و مجازات آن اشاره خواهیم نمود.

متن ماده (۲۸۲) قانون جزاء ((هرگاه مؤلف خدمات عامه بمقصد رسانیدن نفع یا ضرریکی از طرفین دعوی نزد قاضی یا محکمه به صیغه امر یا اتماس یا خواهش و یا سفارش واسطه شود ، به حبس قصیر که از سه ماه کمتر نباشد یا جزا نقدی که از سه هزا افغانی کمتر واز دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.))

در متن ماده فوق تذکر یافته است ، هرگاه شخصی توسط اعمال که در متن ماده قانون ذکر گردیده به قاضی و یا محکمه واسطه میگردد طبعاً در روند عدالت اخلال واقع میگردد و این خود یک نوع فساد اداری میباشد مرجع عدالت که محکمه بنابر تعبیر مکانی و قاضی تمثیل کننده عدالت را توسط واسطه تحت تاثیر آورده و بالاثراً آن عدالت خدشه دار و تطبیق نمیگردد

جزء اول:- وصف مرتکب :- مرتکب دارای اوصاف و خصوصیات مندرج ماده (12) قانون جزا باشد یعنی مؤلف خدمات عامه باشد.

جزء دوم:- عنصر مادی

عمل - فعل:- واسطه شدن و طریقه آن از طریق (امر، التماس یا خواهش یا سفارش.

نتیجه:- اخلال در روند تطبیق عدالت، وعدم تامین عدالت

رابطه سببیت :- به سبب امر التماس یا خواهش یا سفارش منتج به اخلال در روند تطبیق عدالت میگردد به نفع یکی از طرفین دعوی باشد.

جزء سوم:- عنصر معنوی:- (علم – و اراده)

علم:- شخصی مرتکب علم به روش ثلاثه عنصر مادی داشته باشد

اراده (قصد):- اراده و قصد مرتکب در واسطه شدن بقصد رساندن ضرر یا نفع به یکی از طرفین دعوی باشد

جزء چهارم :- موضوع جرم :

این عنصر میتواند که جرم متذکره را بطور خاص توصیف نماید و از سایر جرایم مثال تفکیک و تفریق گردد روی همین اصل است که موضوع جرم ممانعت در ورنه یا اخلال در تطبیق عدالت را از متن ماده قانونی که این جرم را پیشبینی نموده استخراج نمودیم که عبارت است از واسطه شدن نزد قاضی.

جزء پنجم مجازات:-

1- جزاء اصلی:-

حبس :- طبق ماده (۲۸۲) قانون جزاء شخص مرتکب متوجب مجازات حبس قصیر از سه ماه کمتر نباشد محکوم میگردد.

جزاء نقدی :- غیر از مجازات حبس فوق مرتکب به جزاء نقدی که از سه هزار افغانی کمتر از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

2- جزاء تبعی :- جرم متذکره نسبت وصف جنحوی بودن آن مجازات تبعی ندارد.

جزاء تکمیلی :- هرگاه محکمه بخواهد و یا څارنوال تقاضاء نمایند بعد از قطعیت و نهایت حکم محکمه ، محکمه در فیصله خویش تصریح به نشر حکم نیز نموده میتواند.

مطلب دوم : جرم متوقف ساختن اوامر صادره مراجع ذیصلاح از جانب موظف خدمات عامه

جرم متذکره نیز از جمله جرایم فساد اداری بوده و از دو جهت و وصف در کتگوری جرایم فساد اداری میاید یکی اینکه مرتکب موظف خدمات باشد و دیگر اینکه از جانب همین موظف خدمات عامه در اداره جرم واقع میگردد. یعنی هر موظف خدمات عامه که قانوناً مکلف به اجراء اوامر صادره مراجع ذیصلاح باشد و آنرا انجام نمیدهد و بالاثّر آن در روند کار های اداری خلل واقع میگردد یا اجراءات متوقف میگردد جرم فساد اداری بوده که ذیلاً به متن ماده قانونی، عناصر و مجازات اشاره خواهیم نمود.

متن ماده (۲۸۵) قانون جزاء ((هرگاه موظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود عمداً احکام قوانین مقررات حکم ، قرار اوامر محکمه یا اوامر صادره مراجع با صلاحیت حکومت و یا تحصیل اموال مالیاتی را که به حکم قانون تعیین گردیده بدون مجوز قانونی متوقف سازد حسب احوال به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزا نقدی ایکه از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد))

در ماده فوق جرم متذکره توصیف گردیده هرگاه موظف خدمات عامه عملاً موارد متذکره را نقض مینماید محکوم بمجازات میگردد که خوبتر وصف این جرم را در عناصر متشکله آن که از تعریف فوق استنباط میگردد استفاده مینمائیم.

جزء اول:- وصف مرتکب موظف خدمات عامه باشد بحث از موظف خدمات عامه مفصلاً ذکر شد در بحث های قبلی ضرورت به تکرار ندارد.

جزء دوم :- عنصر مادی

عمل- فعل:- عمل نکردن موظف در حدود صلاحیت خویش که به هر وسیله باشد.

نتیجه:- از عمل ارتکاب نتایج ذیل بدست آید و یا مانع آن گردد

۱- توقف احکام قوانین و مقررات « اسناد تقنینی»

۲- احکام ، قرار ها اوامر محکمه

۳- اوامر صادره مراجع با صلاحیت

۴- تحصیل اموال و مالیات که بحکم قانون تعیین گردیده باشد.

رابطه سببیت :- استعمال قدرت و وظیفوی که به سبب آن نتیجه جرمی توسط فقرات چهارگانه فوق بدست آید

جزء سوم:- عنصر معنوی:-

در تعریف هم اگر نظر اندازیم به وضاحت به قصد مرتکب اشاره داشته است که عمدا مرتکب عمل جرمی گردد بناً در عنصر معنوی این جرم «قصد» مد نظر گرفته میشود و همچنان مرتکب علم داشته باشد که او مکلف است قانوناً تا اوامر و اسناد تقنینی را در اجراءات خویش عملی نماید.

جزء چهارم مجازات:-

1- جزاء اصلی :-

حالات مشده :- بر اساس فقره ماده (۲۸۵) قانون جزاء مرتکب بالاثّر عمل جرمی خویش هرگاه در اجراءپلا نهای دولت تا خیر رونما میگردد و یا به دارای عامه صدمه برسد به حبس طویل با متوسط حسب احوال محکوم میگردد.

حالات مخففه :- هرگاه علت فوق وجود نداشته باشد مرتکب به حبس قصیر که از سه ماه کمتر نباشد و یا جزاء نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

2- جزاء تبعی :- هرگاه مرتکب به حبس بیشتر از ده سال محکوم میگردد از حقوق که در ماده (۱۱۳) قانون جزاء تسجیل گردیده محروم میگردد.

3- جزاء تکمیلی:- هرگاه از رهگذر ارتکاب جرم مالی را بدست آورده باشد مرتکب به رد آن نیز محکوم گردیده میتواند.

مطلب سوم : جرم استتکاف از وظیفه :

جرم استتکاف از وظیفه هم از جمله جرایم فساد اداری بوده و در قانون جزاء در دو بخش طی احکام جداگانه برای اشخاص و موظفین خدمات عامه جداگانه پیشبینی گردیده است .

۱- استتکاف قاضی از حکم

۲- استتکاف مامور دولت از وظیفه که به هرکدام جداگانه اشاره خواهیم نمود.

۱- جرم استتکاف قاضی از حکم:-

هرگاه برای محکمه غرض انفصال قانونی قضیه رجعت میابد قاضی نمیتواند بوجه قانونی از فیصله آن استتکاف نمایند مگر اینکه موارد قانونی وجود داشته باشد چنانچه در قانون اصول محکامات مدنی ، اصول مکامات تجارتي و اجراءات جزائی برای قاضی احکام وجود داد که او را اجازه میدهد تا از فیصله تحت شرایط خاصی امتناع ورزد و یا هم از جانب خصوم دلایل موجه قانونی ارایه گردد ورد قاضی را مطالبه نمایند.

اما در این وصف جرمی که بالای قاضی صدق مینماید در حالت ارتکاب عمل جرمی باید اولاً به متن ماده قانونی آن مراجعه نمائیم.

متن ماده (۲۸۳) قانون جزاء:- ((هرگاه قاضی بدون مجوز قانونی از اصدار فیصله و حکم امتناع ورزد و یا ثابت گردد که بنابه یکی از اسباب مندرج ماده (۲۸۲) این قانون فیصله نا حق صادر نموده است ،حسب احوال به حبس متوسط و طرد از مسلک محکوم می گردد.))

در تعریف فوق اگر نظر اندازیم قید در میابیم که تحدید داشته قاضی بدون مجوز قانونی چنین عمل را انجام میدهد و هرگاه مجوز قانونی وجود داشته باشد اصلاً جرم نبوده.

عناصر متشکله

جزء اول وصف مرتکب :- مرتکب موظف خدمات « قاضی » باشد

جزء دوم :- عنصر مادی

فعل :- نفس امتناع از حکم توسط قاضی که در حل و فصل موضوع دعوی مأمور باشد. روش هذا عنصر مادی این جرم از جمله جرم امتناعی محسوب میگردد یعنی توسط این عمل خویش از عملی که قانونا به اجرای آن مکلف است امتناع میورزد.

نتیجه :- خدشه وارد کردن به عدالت

رابطه سببیت :- سبب امتناع از حکم بغیر حق که منتج به خدشه وارد کردن عدالت میگردد.

جزء سوم :- عنصر معنوی:

علم : قاضی علم به عناصر ثلاثه رکن مادی داشته باشد.

اراده : عنصر معنوی عبارت از قصد است که نزد قاضی جرمی به هدف و امتناع از حکم و یا قضاء بغیر حق که از جانب موظف خدمات عامه دیگر به طریق امر ، التماس ، یا واسطه صورت گرفته باشد.

قضیه تمرینی

یک قضیه جزائی سرقت به محکمه ولسوالی چهار آسیاب ولایت کابل غرض انفصال شرعی و قانونی مواصلت ورزیده بود درحالیکه متهم نیز تحت توقیف قرارداد قاضی روی هر علت که بوده بدون عذر قانونی از اصدار فیصله امتناع میورزد و بالای این قضیه مدت سه ماه میگذرد .

در این عمل قاضی، شما عناصر مادی، معنوی جرم استتکاف قاضی از حکم را بیان دارید.

جزء چهارم :- مجازات

جزاء اصلی :- طبق حکم ماده (۲۸۳) قانون جزاء قاضی مرتکب عمل جرمی متذکره به حبس متوسط محکوم میگردد.

جزاء تکمیلی :- قاضی مرتکب جرم متذکره چون از صلاحیت وظیفوی خویش سوء استفاده نموده است و قانون بخاطر اجراء حل و فصل دعاوی و عدالت در مسندقضاء تکیه زده است و به مسلک خیانت نموده

بنأ در آینده صالح به این مسلک نبوده همچنان بر علاوه جزاء اصلی حبس به طرد از مسلک قضاء نیز محکوم میگردد.

۲- استنکاف موظف خدمات عامه از وظیفه :-

تنها قاضی نیست که هرگاه از اصدار حکم بر خلاف قانون امتناع ورزد قابل مجازات میباشد بلکه دیگر موظفین خدمات عامه هم هرگاه از وظیفه خلاف قوانین امتناع و استنکاف میورزند قابل مجازات میباشند زیرا بالاثـر عمل غیر قانونی او روند اجراءات رسمی به سکتگی مواجه میگردد اگر خواهیم این جرم را خـوبتر بشناسیم به متن ما ده قانون مراجعه مینمایم.

متن ماده (۲۸۷) قانون جزا :- (هرگاه موظف خدمات عامه به قصد اخـلال یا تعطیل در جریان کار وظیفه خود را ترک کند یا به این منظور از ادای وظیفه استنکاف ورزد به حبس قصیر که.....)

عناصر متشکله :-

جزء اول وصف مرتکب :- مرتکب موظف خدمات عامه باشد.

جزء دوم :- عنصر مادی :-

عمل و فعل :- نفس هر عمل و فعل که اخـلال و تعطیل در اجراء وظیفه را به بار بیاورد.

نتیجه :- ترک و استنکاف از وظیفه

رابطه سببیت :- به سبب ترک و استنکاف وظیفه منتج به اخـلال و تعطیل در اجراء وظیفه گردد

جزء سوم مجازات :-

جزاء اصلی :-

حالات مشدده :- طبق فقره (۲) ماده (۲۸۷) قانون جزاء به حبس دوچند جزاء حبس قصیر یکـه از سه ماه کمتر نباشد و جزاء نقدی که از سه هزار کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

حالات مخففه :- مرتکب طبق فقره (۱) ماده (۱۸۷) قانون جزاء به حبس قصیری که از سه ماه کمتر و یا جزاء نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

جزاء تبعی :- این جرم نیز مانند جرم قبلی نسبت وصف جنحوی بودن او مجازات تبعی ندارد.

جزاء تکمیلی :- هرگاه محکمه بخواهد و یا هم څارنوال تقاضا نماید طبق ماده (۱۲۰) قانون جزاء نشر حکم در فیصله نیز تصریح شده میتواند و همچنان طبق فقره (۲) ماده (۲۸۸) قانون جزاء به طرد از مسلک نیز محکوم شده میتواند.

مجازات محرک :- مجازات محرک نسبت به فاعل جرم در جرم متذکره از نظر شدت و خفت جرم فرق مینماید که به این بخش نیز اشاره مینمائیم:

حالات مشدده مجازات محرک :- طبق فقره (۱) ماده (۲۸۹) قانون جزاء هرگاه مؤلف خدمات عامه را کسی تحریک و یا تشجیح به ترک وظیفه و استنکاف نمائید و برآن کدام اثر مرتب نگردد به حبس سه ماه یا و جزاء نقدی الی سه هزار افغانی محکوم میگردد.

و هرگاه اگر محرک مؤلف خدمات عامه باشد طبق فقره (۲) ماده متذکره به دو چند جزاء فوق محکوم میگردد.

ضمیمه

مواد قانون جزاء

در مورد جرایم فساد اداری

مواد قانون جزا در رابطه به رشوت:

ماده دو صد و پنجاه و چهارم

هر موظف خدمات عامه که بمقصد اجراء یا امتناع و یا اخلاص وظیفه ای که به آن مکلف باشد باسم خود یا شخص دیگری پول نقد، مال یا منفعتی را طلب نماید یا از شخص وعده آنرا گیرد و یا بخششی را قبول کند، رشوت گیرنده شمرده می شود.

ماده دو صد و پنجاه و پنجم

1- رشوت گیرنده به حبسی که از دو سال کمتر و از ده سال بیشتر نباشد و به جزای نقدی معادل آنچه که بحیث رشوت طلب کرده یا برایش داده شده و یا به آن وعده داده شده، محکوم می گردد.
2 - رشوت دهنده و واسطه رشوت به عین جزای مندرج فقره فوق محکوم می گردند.

ماده دو صد و پنجاه و ششم

هرگاه غرض از رشوت ارتکاب فعل جرمی باشد که جزای معینه آن در قانون نسبت به جزای معینه رشوت شدیدتر باشد، رشوت گیرنده، رشوت دهنده و واسطه رشوت علاوه به جزای نقدی معینه رشوت به جزای معینه همان جرم نیز محکوم می گردند.

ماده دو صد و پنجاه و هفتم

شخصی که موظف خدمات عامه را از طریق اکراه مادی یا معنوی به ادای کار ناحق مجبور سازد یا مانع اجرای یکی از مکلفیت های وظیفه او گردد و یا باعث اخلاص در آن شود، در حکم رشوت گیرنده محسوب و به جزای معینه آن محکوم می گردد.

ماده دوصد و پنجاه و هشتم

هر گاه موظف خدمات عامه در برابر انجام وظیفه به اسم خود یا به اسم شخص دیگر چیزی را طلب نماید یا از شخصی که از لحاظ وظیفه کاری را بوی انجام داده بخشش اخذ یا قبول نماید و یا بمنظور گرفتن بخشش در یکی از مکلفیت های وظیفوی خود بعد از انجام کار خللی وارد نماید و یا بدون موافقه قبلی به قصد گرفتن مکافات از آن امتناع ورزد و یا خللی در آن وارد نماید، به حبس متوسط و جزای نقدی معادل آنچه که طلب بخشش و یا وعده شده محکوم می گردد.

ماده دو صد و پنجاه و نهم

هرگاه عضو پارلمان، شاروالی، جرگه های ولایتی و محلی چیزی را برای خود و یا شخص دیگر طلب نماید یا وعده آنرا قبول نماید و یا بخشش اخذ کند و به این منظور اعمال نفوذ نموده از مقامات با صلاحیت خدمات عامه احکام، قرار، اوامر، تعهد، ترخیص، موافقه، توريد، توظيف، قرار داد و یا هر نوع خدمت و امتیاز دیگری را حاصل نماید، در حکم رشوت گیرنده محسوب شده مطابق احکام این قانون مجازات می گردد.

ماده دو صد و شصت

هرگاه شخص رشوت را عرضه کند ولی از طرف موظف خدمات عامه قبول نگردد، رشوت دهنده بحبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

ماده دو صد و شصت و یکم

هر گاه موظف خدمات عامه با داشتن علم به خاصیت جرمی عمل مطابق احکام مندرج مواد (254 - 258) این قانون قسمت ناچیزی از بخشش یا از منفعتی را بالواسطه قبول نماید، به حبسی که از یکسال بیشتر نباشد و به جزای نقدی معادل آنچه که اخذ یا قبول کرده، محکوم می گردد.

ماده دو صد و شصت و دوم

در تمام احوال مندرج این فصل به مصادره آنچه که رشوت دهنده یا واسطه رشوت عرضه نموده حکم کرده می شود.

ماده دوصد و شصت و سوم

هرگاه رشوت منجر به اتلاف دارائی عامه و یا مفضی به ابطال یا کتمان حق یا احقاق باطل شده باشد، مرتکب به حد اکثر جزای پیش بینی شده ماده (254) این قانون، محکوم می گردد.

ماده دو صد و شصت و چهارم

هر گاه شخصی که از وی رشوت تقاضا شده مقامات صلاحیت دار را مطلع سازد و به اثر اتخاذ تدابیر مقامات مذکور ثابت گردد که موظف خدمات عامه به این عمل دست زده است، رشوت گیرنده مطابق احکام این قانون مجازات و اطلاع دهنده بری الذمه شناخته می شود.

ماده دو صد و شصت و پنجم

هرگاه شخصی که به وی رشوت عرضه شده مراجع صلاحیت دار را قبل از اخذ رشوت مطلع سازد و در نتیجه عرضه کننده بالفعل گرفتار شود، مطابق احکام این قانون مجازات می گردد.

ماده دو صد و شصت و ششم

شروع به جرم رشوت در حکم ارتکاب آن است.

ماده دو صد و شصت و هفتم

حکم قطعی محکمه مبنی بر محکومیت شخص به جزای رشوت نشر می شود.

مواد قانون جزا جرائم اختلاس و غدر

ماده دو صد و شصت و هشتم

- 1- هر موظف خدمات عامه که اموال دولت یا اموال افراد را که منحیث وظیفه به او سپرده شده اختلاس یا پنهان نماید به حبس طویلی که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.
- 2 - اگر جرم مندرج فقره فوق را خزانه دار، تحویلدار، مامور تحصیلی، صراف، مامور بطرول، مامور شکر، گدامدار، معتمدین نقدي و جنسي و موظفین ارزاق یا سایر اشخاصی که منحیث وظیفه به حفاظت اشیای اختلاس شده و یا پنهان شده مکلف باشند مرتکب گردند، به حبس طویل محکوم می گردند.
- 3 - موظف خدمات عامه که به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه محکوم می شود، بعد از اعاده حیثیت طبق احکام قانون اجراءات جزائی مجدداً به ماموریت یا خدمت دولت پذیرفته می شود.

ماده دو صد و شصت و نهم

- هر موظف خدمات عامه که پول، اوراق بهادار، امتعه یا سایر اموال ملکیت دولت را بدون حق تحت تصرف مالکانه خود در آورد به حبس متوسط محکوم می گردد.

ماده دو صد و هفتادم

- 1- هر موظف خدمات عامه که در يك عقد یا عمل و یا قضیه به حفظ منافع دولت مکلف باشد به منظور حصول منفعت برای خود و یا برای شخص دیگری منافع مذکور را طور کلی متضرر سازد، به حبس طویلی که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.
- 2- اگر ضرر مندرج فقره فوق جزئی باشد مرتکب حسب احوال به حبس متوسط یا قصیر محکوم می گردد.

ماده دو صد و هفتاد و یکم

- هر موظف خدمات عامه که در اداره قرار دادهای، عواید، و اردات یا سایر امور متعلق به دولت و یا در مراقبت آن مکلفیت مستقیم داشته باشد و به اثر آن در یکی از امور فوق به اسم خود یا به اسم شخص دیگر برای خود مفادی حاصل کند یا به حصول آن تشبث نماید، به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد، محکوم می گردد.

ماده دو صد و هفتاد و دوم

هر موظف خدمات عامه که کارگران یا اجیران تحت اثر خود را در امور شخصی خود بداخل وقت رسمی استخدام نماید یا بدون مجوز قانونی تمام یا قسمتی از اجرت آنها را حجز نماید، به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده دو صد و هفتاد و سوم

- 1- مجرم علاوه بر جزای معینه در این فصل به رد مال و جزای نقدی معادل اموال اختلاس شده یا آنچه که از مال دولت تحت تصرف خود در آورده نیز محکوم می گردد.
- 2- در صورتی که مدت حبس محکوم بها از سه سال بیشتر باشد مرتکب به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه نیز محکوم می گردد.

ماده دو صد و هفتاد و چهارم

مدت سقوط دعوی جزائی در جرائم مندرج این فصل بعد از تاریخ انتهای وظیفه شروع می شود. مشروط بر اینکه تحقیق در آن قبل از آن شروع نه شده باشد.

مواد قانون جزا جرایم : رویه سوء موظفین خدمات عامه در برابر افراد

ماده دو صد و هفتاد و پنجم

1- هرگاه موظف خدمات عامه متهم را بمنظور گرفتن اعتراف شکنجه نماید و یا به آن امر نماید، به حبس طویل محکوم می گردد.

2- اگر متهم در نتیجه شکنجه به قتل برسد، مرتکب به جزای پیش بینی شده قتل عمد در این قانون محکوم می گردد.

ماده دو صد و هفتاد و ششم

هرگاه موظف خدمات عامه محکوم علیه را از جزای محکوم بها شدیدتر مجازات کند و یا به آن امر نماید و یا جزای را بر وی تطبیق نماید که به آن حکم نه شده باشد، علاوه بر جزای حبس متوسط به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه نیز محکوم می گردد.

ماده دو صد و هفتاد و هفتم

هرگاه موظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود در منزل شخص بدون اجازه او و در غیر از حالات و ترتیبی که قانون به آن تصریح نموده داخل شود، به حبسی که از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند، محکوم می گردد.

ماده دو صد و هفتاد و هشتم

هرگاه موظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود با شخص طوری شدت و خشونت نماید که موجب آلام جسمی یا منافی آبرو و حیثیت او گردد. حسب احوال به حبسی که از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

ماده دو صد و هفتاد و نهم

هرگاه موظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود مال منقول یا غیر منقول را از مالک آن به زور بخرد یا بدون حق آنرا در تصرف مالکانه خود در آورد و یا مالک را بفروش مال به شخص دیگری مجبور سازد، علاوه به حبسی که از دو سال بیشتر و جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی متجاوز نباشد به جزای طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه و به رد شی غصب شده و یا قیمت آن، اگر عین شی موجود نباشد محکوم می گردد.

سرقت و تلف کردن اوراق اسناد رسمی

ماده دو صد و هشتادم

1- هر گاه به اثر اهمال موظف خدمات عامه که به حفاظت اوراق، اسناد و یا دوسیه های متعلق به دولت یا اوراق دعوی قضائی مکلف باشد، اوراق مذکور سرقت گردد و یا پنهان یا تلف شود، شخص موظف به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

2- سارق یا تلف کننده و پنهان کننده اشیای مندرج فقره فوق به حبس متوسط محکوم می گردد.

3- اگر فاعل اشیا مندرج فقره (1) این ماده محافظ آن باشد، به حبس طولی که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

4- اگر سرقت، پنهان نمودن یا تلف کردن اشیا مندرج فقره (1) این ماده باثر اکراه محافظین صورت گیرد، مرتکب به حبس طولی محکوم می گردد.

5- سارق، تلف کننده یا پنهان کننده اسناد دارای ارزش ملی به حد اکثر جزای حبس طولی، محکوم می گردد.

6- اگر سرقت یا اتلاف اسناد مندرج فقره (5) این ماده باثر اهمال موظف خدمات عامه صورت گرفته باشد، مرتکب به حبس متوسط محکوم می گردد.

ماده دو صد و هشتاد و یکم

هرگاه موظف پست و تلگراف مکتوب یا تلگراف تسلیم شده را پنهان، افشاء یا باز نماید و یا بمنظور این امر برای دیگران سهولت فراهم سازد، علاوه بر طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند، محکوم می گردد.

مواد قانون جزا جرایم : تجاوز موظفین خدمات عامه از حدود صلاحیت قانون

ماده دوصد و هشتاد و دوم

هرگاه موظف خدمات عامه بمقصد رسانیدن نفع یا ضرر بیکی از طرفین دعوی نزد قاضی یا محکمه به صیغه امر یا التماس یا خواهش و یا سفارش واسطه و یا سفارش واسطه شود، به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

ماده دوصد و هشتاد و سوم

هرگاه قاضی بدون مجوز قانونی از اصدار فیصله و حکم امتناع ورزد و یا ثابت گردد که بنا به یکی از اسباب مندرج ماده (282) این قانون فیصله ناحق صادر نموده است، حسب احوال به حبس متوسط و طرد از مسلک محکوم می گردد.

ماده دو صد و هشتاد و چهارم

هرگاه قاضی بعد از مطالبه قانونی، اصدار حکم را رد و یا متوقف سازد، ممتنع از حکم شمرده می شود. گر چه بر عدم موجودیت حکم در قانون یا صراحت آن استدلال نماید، مگر اینکه قانون طور دیگری حکم نموده باشد.

ماده دو صد و هشتاد و پنجم

1- هرگاه موظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود عمداً احکام قوانین، مقررات، حکم، قرار و امر محکمه یا اوامر صادره مراجع با صلاحیت حکومت و یا تحصیل اموال و مالیاتی را که بحکم قانون تعیین گردیده، بدون مجوز قانونی متوقف سازد، حسب احوال به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی ای که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

2- اگر باثر توقف مندرج فقره فوق در اجرای پلانهای دولت تاخیر یا معطلی رونما گردد و یا به دارائی عامه صدمه برسد، مرتکب حسب احوال به حبس طویل یا متوسط محکوم می گردد.

ماده دوصد و هشتاد و ششم

1- هرگاه حد اقل سه نفر از موظفین خدمات عامه بمقصد نیل به مرام مشترك غیر قانونی وظیفه خود را ولو به صورت استعفی باشد ترك كنند و یا عمداً از ادای وظیفه استنکاف نمایند. هر يك به حبس قصیری

که از سه ماه کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

2- اگر در نتیجه ترک یا استتکاف از وظیفه حیات، صحت و امنیت عامه به خطر مواجه گردد یا اضطراب و فتنه در بین مردم ایجاد شود و یا به منافع عمومی ضرری وارد گردد، مرتکبین به دو چند حد اکثر جزای مندرج فقره فوق محکوم می‌گردند.

ماده دو صد و هشتاد و هفتم

1- هر گاه موظف خدمات عامه به قصد اخلال یا تعطیل در جریان کار وظیفه خود را ترک کند یا به این منظور از ادای وظیفه استتکاف ورزد، به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

2- اگر در مورد موظف مذکور فقره فوق حکم فقره (2) ماده (286) این قانون صدق پیدا کند مرتکب به دو چند حداکثر جزای مندرج فقره (1) این ماده محکوم می‌گردد.

ماده دو صد و هشتاد و هشتم

1- هرگاه شخصی به سبیل تحریک در ارتکاب یکی از جرائم مندرج ماده (286 - 287) این قانون اشتراک نماید، حسب احوال به دو چند جزای های پیش بینی شده مواد متذکره محکوم می‌گردد.

2- اگر شخص مذکور فقره فوق موظف خدمات عامه باشد. علاوه بر جزای پیش بینی شده به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه نیز محکوم می‌گردد.

ماده دو صد و هشتاد و نهم

1- هرگاه شخصی موظف یا موظفین خدمات عامه را بنحوی از انحاء ترک کار و یا استتکاف از ادای یکی از مکلفیت های وظیفوی تحریک یا تشجیع نماید و به تحریک و تشجیع او کدام نتیجه مرتب نگردد، بحبس الی سه ماه یا جزای نقدی الی سه هزار افغانی محکوم می‌گردد.

2- اگر محرک موظف خدمات عامه باشد به دو چند جزای مندرج فقره فوق محکوم می‌گردد.

مواد قانون جزا جرم : انتحال وظائف والقاب**ماده دو صد و نود و هفتم**

هرگاه شخصی بدون داشتن صفت ماموریت یا اجازه رسمی دولت در یکی از وظائف عامه مداخله نماید و یا یکی از مکلفیت های مربوط به این وظائف را انجام دهد، حسب احوال به حبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

ماده دو صد و نود و هشتم

هرگاه شخصی بدون داشتن رتبه و استحقاق یونیفرم عسکری را طور علنی استعمال نماید یا بدون مجوز قانونی علامه ممیزه وظیفه را حمل کند، حسب احوال به حبسی که از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند، محکوم می گردد.

ماده دو صد و نود و نهم

هرگاه شخصی بدون مجوز قانونی خود را به لقب افتخاری، یا رتبی یا وظیفوی ملقب سازد و یا بصفت مامور ضبط قضائی معرفی نماید و یا بصورت علنی نشانی را تعلیق کند که برایش اعطا نگردیده، به جزای نقدی از یک الی پنج هزار افغانی محکوم می گردد.

ماده سه صد

هرگاه شخص بدون مجوز قانونی خود را به لقب افتخاری یا رتبی خارجی ملقب سازد و یا بصورت علنی بدون مجوز قانونی و یا اجازه رئیس دولت نشان خارجی را تعلیق کند، به عین جزای پش بینی شده ماده (299) این قانون محکوم می گردد.

ماده سه صد و یکم

در حالات مندرج مواد (299 و 300) این قانون محکمه می تواند خلاصه حکم فیصله را در جریده یومی که از طرف محکمه تعیین می گردد به مصرف محکوم علیه نشر نماید.

مواد قانون جزا، جرم : جعل پول مروجه**ماده سه صد و دوم**

1- هرگاه شخصی به هر کیفیتی که باشد پولی را که قانوناً در افغانستان مروج جعل نماید، به حبس طویل محکوم می گردد.

2- تقلید پول مروجہ، تنقیص مقدار اصلي مسکوکات یا ملمع کردن آن به قسمی که با پول مروجہ دیگری که ارزش آن بیشتر باشد شبیه گردد، جعل شمرده می شود.

ماده سه صد و سوم

اشخاص آتی به حبس طویل محکوم می گردند :

1- شخصی که با وجود علم پول جعلی را ترویج یا به آن معامله کند و یا به قصد ترویج یا معامله آنرا در حیات خود در آورد.

2- شخصی که با وجود علم خود او یا توسط شخص دیگری پول جعلی را به افغانستان داخل و یا از آن خارج نماید.

3- شخصی که آلات ، ادوات یا وسایل را بمنظور جعل پول بسازد یا بکار برد یا بفروشد یا بفروش عرضه نماید یا به اجاره دهد و یا بدون عذر قانونی آنرا در حیات خود در آورد.

ماده سه صد و چهارم

هر گاه به اثر ارتکاب جرائم مندرج مواد (302 و 303) این قانون ارزش پول افغانستان یا اسناد دولتی تنزیل نماید و یا اعتماد بازارهای داخلی و یا خارجی به اثر آن متزلزل گردد، محکمه می تواند مرتکب را به حبس دوام محکوم نماید.

ماده سه صد و پنجم

هرگاه ارتکاب یکی از جرائم مندرج مواد (302 و 303) این قانون در مورد پولی صورت بگیرد که در این دو مواد ذکر نیافته است، مرتکب به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده سه صد و ششم

شخصی که با حسن نیت پول جعلی را قبول نموده و بعد از حصول علم به جعلی بودن آن ، مورد معامله قرار دهد، به جزای نقدی دو چند پولی جعلی مورد معامله محکوم می گردد.

ماده سه صد و هفتم

هر مجرمی که قبل از بکار انداختن پول جعلی و آغاز تحقیق از جرم خود به مراجع با صلاحیت دولت اطلاع دهد، از جزای مندرج مواد (303 - 304 و 305) این قانون معاف می گردد.

ماده سه صد و هشتم

محکمه می تواند مجرم را بعد از آغاز تحقیق از جزا معاف نماید.

مشروط بر اینکه اطلاع وي مراجع با صلاحیت دولتي را قادر گرداند که سایر مرتکبین این جرم و یا جرم مماثل آنرا گرفتار نماید.

مواد قانون جزا جرم : تزویر

ماده سه صد ونهم

تزویر عبارت است از ساختن نوشته ها ، اسناد ، امضاء و مهر خلاف حقیقت یا تغییر دادن آن به وسیله اضافت، تبدیل ، تقلید یا حذف.

ماده سه صد و دهم

1- شخصی که یکی از اشیاء آتی را تزویر یا با وجود علم به تزویر آن استعمال یا آنرا به افغانستان داخل نماید حسب احوال به حبس طویل محکوم می گردد:

1- قانون، فرمان یا امر ریاست جمهوری ، تصویب حکومت و یا فرمان صدارت و یا حکم قطعی محکمه .

2- مهر دولت ، مهر یا امضای رئیس دولت.

3- شخصی که یکی از اشیای آتی را به قصد تزویر بسازد یا با وجود علم به تزویر آن استعمال یا آنرا به افغانستان داخل نماید حسب احوال به حبس متوسط محکوم میگردد:

1- مهر ، تاپه یا علامه یکی از ادارات یا تصدیهای دولت.

2- مه، امضاء یا علامه یکی از موظفین خدمات عامه.

3- علامه رسمی مشخصه عیار طلا و نقره .

4- جدول معاش یا اسناد صادره خزائن دولت.

5- اوراق مالی بانکها که صدور آن قانوناً مجاز باشد.

6 - شهادت نامه یا اسناد تحصیلی اعم از داخلی و خارجی .

ماده سه صد و یازدهم

در حالات مندرج ماده (310) این قانون مجرمی که قبل از اتمام جرم یا آغاز تحقیق از جرم خود به مراجع باصلاحیت دولت اطلاع دهد از جزا معاف می گردد.

ماده سه صد و دوازدهم

محکمه می تواند مجرم مندرج ماده (311) این قانون را بعد از آغاز تحقیق از جزا معاف نماید.

مشروط بر اینکه اطلاع وي مراجع با صلاحیت دولتي را قادر گرداند که سایر مرتکبین این جرم و یا جرم مماثل آنرا گرفتار نماید.

ماده سه صد و سیزدهم

1- هرگاه موظف خدمات عامه در اثنای اجرای وظیفه احکام صادره ، تصاویر ، وثایق ، کتب ثبت اسناد ، دفاتر و سایر اسناد و نوشته جات رسمي را عمداً تزویر نماید، حسب احوال به حبس طویل محکوم میگردد.

2- اگر تزویر مندرج فقره فوق در اسناد عرفی صورت گیرد، مرتکب حسب احوال به حبس متوسط یا قصیر محکوم می گردد.

ماده سه صد و چهاردهم

هرگاه مرتکب جرائم مندرج ماده (313) این قانون موظف خدمات عامه نباشد، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال تجاوز نکند محکوم می گردد

ماده سه صد و پانزدهم

هر موظف خدمات عامه که به قصد تزویر متن یا شکل اسناد را هنگام تحریر آن من حیث وظیفه تغیر بدهد خواه این تغیر در اقرار شخص باشد که سند برای او تحریر می شود و یا واقعه مزوره را با وجود علم به تزویر آن به شکل واقعه صحیح درج نماید، حسب احوال به حبس طویل محکوم می گردد.

ماده سه صد و شانزدهم

شخصی که اوراق تزویر شده مندرج مواد (313 - 314 و 315) این قانون را با وجود علم به تزویر آن استعمال نماید، حسب احوال به حبس طویلی که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

ماده سه صد و هفدهم

شخصی که در نوشته شخص دیگری مرتکب تزویر گردد یا با وجود علم به تزویر ورق تزویر شده را استعمال نماید، حسب احوال به حبس متوسط محکوم می گردد.

ماده سه صد و هجدهم

شخصی که غیر حق مهر حقیقی دولت یا مهر یکی از ادارات یا تصدیهای دولت را بدست آورد و آنرا بضرر منافع عامه یا خصوصی استعمال نماید، علاوه بر جبران خساره عاید به حبس متوسط محکوم می گردد.

ماده سه صد و نهم

1- طبیب، جراح و یا قابله ای که تصدیق یا اظهارات مزور را با وجود علم به تزویر آن در موارد حمل، مرض، معلولیت، عیب و یا وفات به شخص بدهد، حسب احوال به حبس متوسط و یا جزای نقدی که از (دوازده هزار) افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم میگردد.

2- اگر جرم مندرج فقره فوق به اثر طلب چیزی برای خود و یا شخص دیگری و یا در بدل قبول و یا اخذ و عده یا بخشش ارتکاب گردد، مرتکب به حبس متوسط و یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

ماده سه صد و بیستم

شخصی که خود او یا توسط شخص دیگر تصدیق را در مورد اثبات معلولیت برای خود و یا برای شخص دیگر بمنظور تقدیم آن به محکمه یا به قصد اینکه خود یا شخص دیگری را از یکی از خدمات عامه رها سازد بنام طبیب یا جراح تزویر نماید، حسب احوال به حبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده سه صد و بیست و یکم

شخصی که تصدیق مزور مندرج مواد (319 - 320) این قانون را با وجود علم به تزویر آن استعمال نماید طوری که آنرا به محکمه یا یکی از مقامات با صلاحیت دولت تقدیم نماید به عین جزای پیش بینی شده مواد (319 و 320) یا جزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند، محکوم می گردد.

ماده سه صد و بیست و دوم

در تطبیق احکام این فصل نشان انگشت مانند امضاء اعتبار دارد.

فهرست منابع و مؤخذ

- 1- موسوعة الجنائيه مؤلف (جندی عبدالملک)
- 2- شرح قانون العقوبات القسم الخاص مؤلف (دکتور محمود نجيب حسنى) چاپ قاهره 1989 م

قوانین:

- 1- قانون اساسی افغانستان
- 2- قانون جزا افغانستان
- 3- قانون نظارت بر تطبيق ستراتيژی مبارزه عليه فساد اداری
- 4- قانون تشکيلات و صلاحيت قوه قضائيه
- 5- قانون کار
- 6- مقررہ مأمورین خدمات ملکی
- 7- قانون اصول محکمت مدنی
- 8- قانون مدنی افغانستان جلد دوم
- 9- قانون وکلای مدافع

حق چاپ و نشر به نویسنده و مرکز مستقل ملی آموزش حقوقی محفوظ است